فهرست ما في هذا المجلد

توضیح ــ چون اسامی اطبائی که مرتضی قلی شاملو در رساله خرقه آورده بسیار ادیبانه و شیرین و فهرستی است که نام آنها که معاصر بوده اند عادت و در سیع جا بیان جامی کرد نمایان رنج نقل انزا بر خود هموار کردم با شرح:

بقیه اسامی در صفحه مقابل

بقیه اسامی اطباء معاصر و متقدمین که مرتضی قلی شاملو مؤلف رساله خرقه [illegible] بعد از صفحه مقابل

۱۹۲

منظور از نقل اسامی اطباء و حکما و تطبیل بیهوده نیست و مقصود دانستن نام عده‌ای از معاریف و مشاهیر حکما و دیگر تعریف و معرفی شیرین و بدیع و ادیبانه که مؤلف خوش قریحه در عنوان هر یک بکار برده که نمونه‌ای از انشاء و لطف قریحه ایست که در تصنیف خرقه مجموع نمایان میباشد و نکته در خور توجه اینکه رساله خرقه در این مجلد کامل است و هیچ کم و سقط و افتادگی ندارد و نسخه کامل خرقه بسیار نادر و کمیاب است

فهرست ما فی هذا المجلد

توضیح ـ چون اسامی اطبائی که مرتضی قلی شاملو در رساله خرقه آورده بسیار ادیبانه و شیرین و فهرستی است که نام آنها که معاصر بوده از عادت و در هیچ جا بدین جامعی گرد نیامده رنج نقل آنرا بر خود هموار کردم باین شرح:

بقیه اسامی در صفحه مقابل

بقیه اسامی اطباء معاصر و متقدمین با مرتضی قلی شاملو مولف رساله خرقه

بقیه از صفحه مقابل

منظور از نقل اسامی اطبا و حکما و مطلب بویکی دانستن نام عده ئی از معاریف و مشاهیر حکما و دیگر تعریف و معرفی شیرین و بدیع و ادیبانه که مولف خوش قریحه در عنوان هر یک بکار برده که نمونه ئی از انشاء و لطف قریحه ایست که در تصنیف خرقه منجر به نمایان میباشد و نکته در خور توجه اینکه رساله خرقه در اینجلد کامل است و هیچگونه سقط و افتادگی ندارد و نسخه کامل خرقه بسیار نادر و کمیاب است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ای باغبان ز [illegible] عندلیب
[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الحکیم العلیم والصلواة علی من اولی الحکمة والکتاب الکریم
ویشفی بلفظ السقیم وانه العلی خلق العظیم وآله الهادین الی صراط المستقیم
اما بعد بوشیده نماند که حقیر فقیر مظفر بن محمد الحسینی الشفائی نام مؤلف
در مدت مدید ترکیبی چند که در معالجات امراض از آن گزیری
نیست جمع کرده بود خواست که در سلک ترتیب درآورد
بعضی از مرکبات موثوقه معمول علیها حکماء متقدمین و متاخرین
منتخب و ترجمه نموده بان منضم گرداند تا کتاب جامع مستغنی از
سایر قرابادینات باشد و بترتیب حروف تهجی مرتب ساخت

مأمول از کرم

مأمول از کرم آنکه چون بسهوی اطلاع یابند برقم شفقت اصلاح فرمایند
وان کنت قلیل البضاعة والاعتراف بالعجز والجهالة عیب نفرمایند
والله الولی الهدایة والتوفیق من عنده وبه الاعانة **باب الالف**
انوش دارو اعضاء رئیسه را قوت دهد و خفقان و تفرع را
نافع بود و فرح آورد و لون را نیکو گرداند و بوی دهن و عرق بدن
خوش کند و اشتهای طعام آورد و پس از طعام و پیش از طعام
توان خورد **صفت** گل سرخ شش درم سعد کوفی مجدرم قرنفل مصطکی
اسارون سنبل الطیب از هر یک سه درم قاقله صغار قاقله
کبار دارچینی بسباسه جوز بوا قرفه زعفران از هر یک دو درم
املهٔ مقشر یک رطل قند و عسل مصفا ضد و شتا و شقاقل
امله در شیر خشک بخیسانند یک شبانه روز و بعد از آن بشویند
و در نه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود و از شب غربال بیرون

کنند و با قند و عسل بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته با آن
برشند **انوشدارو**ی میرزا محمد باقر داماد مروارید ناسفته لعل یاقوت
کهربا بسدیشب عود قماری سعد کوفی گل گاوزبان زرشک
اذخر مکی قرنفل زنجبیل اصل ریوند بادرنجبویه درونج عقربی
پوست پسته پوست اترج صندل سفید گل سرخ از هر یک
دو مثقال عنبر اشهب مشک از هر یک یک و نیم مثقال ورق
طلا پنجاه عدد و ورق نقره پنجاه عدد سنبل الطیب ساذج طباشیر
ابریشم مقرض از هر یک سه مثقال مصطکی پنج مثقال زعفران
شش مثقال املج منقی شصت مثقال قند دو برابر اجزا عسل یک برابر
شربتی دو مثقال **انوشدارو لؤلؤی** تقویت قلب کند و معده
دماغ را قوت دهد **صفت** مروارید ناسفته بسدیشب سعد کوفی
اذخر از هر یک دو مثقال عود خام سه مثقال و نیم طباشیر

ساذج سنبل الطیب گل ارمنی ابریشم مقرض از هر یک سه مثقال
زعفران دو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال شیره املج سی مثقال
عسل و قند سه وزن ادویه ترکیب کنند **اطریفل صغیر** نافعست
از جهت سل و درد بطن و حمی مختلطه و ربع و قولنج و وجع رحم
و درد دست بدن **صفت** افیون مصری چهار درم اقاقیا فلفل
از هر یک ده درم عاقرقرحا سه درم محاماثیت درم سلیخه
چهار درم زعفران سه درم کوکرد زرد ده درم عسل صاف
بقدر احتیاج ادویه را کوفته و بیخته جابجا بهمت بسبل معجون سازند
شربتی یک مثقال **اتقرادیا** نافعست از جهت فالج و استرخا و لقوه
و دماغ را از خلط ردیه پاک کند و ذهن را تیز پاک کند و عقل را
زیاد کند **صفت** سنبل سلیخه ساذج هندی مورد زعفران زرشک
زنگی افتیمون مقوع اذخر ریوند چینی حب بلسان قرنفل از هر یک

دو درم حب البان مقشر زنجبیل از هر یک یکدرم مصطکی و عسل
بلادر فوفل از هر یک سه درم غاریقون دو درم جبر سوطری
ده درم امدی ... درم بیخ رازیانه سه رطل سرکه نه رطل پوست
بیخ رازیانه را سه شبانه روز در سرکه خیسانند و بعد از سه جوش
از آتش فرو گیرند و آن سرکه را صاف کرده با سه رطل نیم عسل مصفی
باتش نرم بجوشانند تا بقوام آید و ادویه را کوفته بان ممزوج سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکدرم با آب نیم گرم بیاشامند
انقردیای کبیر فالج و لقوه و صرع و نسیان و جمیع امراض بلغمی را
نافع باشد و هضم را قوت دهد و باه را زیاده کند **صفت** عاقرقرحا
شونیز قسط فلفل دار فلفل بیخ از هر یک ده درم سداب خیلبابا
حلتیت زراوند حرج حب الغار جند بیدستر شطرج هندی خردل
از هر یک پنجدرم عسل بلادر چهار درم نیم داروها کوفته و بیخته بروغن
گردکان

گردکان چرب کنند و با عسل بلادر در سه وزن ادویه عسل
صاف بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکمثقال
انقردیای صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است **صفت** بلیله
پوست بلیله امله مقشر از هر یک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر
بیخ فلفل زنجبیل عسل بلادر از هر یک پنجدرم داروها کوفته
و بیخته بروغن گردکان چرب کنند و با عسل بلادر سه وزن ادویه
عسل صاف بسرشند و بعد از شش ماه بکار برند **انقردیای دیگر**
ممروح را بغایت نافع باشد **صفت** پوست هلیله کابلی پوست بلیله
آمله مقشر گشنیز خشک اسطوخودوس از هر یک پنجدرم عود خام
زنجبیل صعتر عسل بلادر از هر یک سه درم عسل صاف سه وزن
ادویه برسم معهود معجون سازند **امروسیا** جگر و سپرز را
سود دارد و سده بگشاید بول براند و سنگ از مثانه پاک کند

مختصر از اوزان صغار و کبار که بنا بر اعتبار از آنجا اوزان الحظ الوسق نقل میشود

ارزه که بنا بر ترک ارزن نامند مراد از دو وزن دانهٔ خردل است شعیره دوازده ارزه را گویند طسوج از مثقال دو حبه و نیم است که ده ارزه ... قیراط از مثقال دو طسوج است که [illegible] بندقه یکدرهم است ملعقه در ادویه مراد [illegible] و در عسل چهار مثقال اوقیه که وقیه نیز نامند ده مثقال و نیم است استار چهار مثقال است سکرجه از رطلی [illegible] استار است [illegible] درهم [illegible] که از درهم طبی مراد از [illegible] چهار [illegible] مثقال است مثقال طبی یکدرهم [illegible] که بیست و چهار طسوج [illegible] عبارت از درهم [illegible] که چهار دانگ [illegible] موافق وزن اشرفی [illegible] اوزان کبار [illegible] مراد از رطل [illegible] من [illegible] رطل [illegible] مثقال است

و در ابتدای استسقا نافع باشد **صفت** زیره کرمانی دو درم عود بلسان
بسباسه قردمانا نقاع اذخر تخم کرفس از هر یک یکدرم قسط فلفل
دارفلفل از هر یک پنج درم مرصافی سه درم حب الغار
ده درم وج زعفران از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل سرشته
شربتی مقابل یک فندق در آب گرم نافع بود **اناناسیای کبیر**
اوجاع کبد و طحال و ادرار معده و اسهال بلغمی و سعال مزمن و ضیق النفس
و حصر و وجع کلیه و مثانه و درد بواسیر را نافع باشد و بادها بشکند
و دردها تسکین دهد **صفت** مرانیون زعفران جند بیدستر بزر البنج
قسط قردمانا خشخاش غافت شاخ ذهب محرق جگر گرگ
خشک کرده مجموع مساوی انچه کوفتنیست بکوبند وانچه گداختنیست
در شراب بگدازند و با عسل مصفی معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یکدرم با آب سیب نافع بود

انانا سیاه

اناناسیای صغیر منافع آن مانند منافع کبیر از و کمتر **صفت** میعه زعفران
قسط سنبل افیون بسباسه از هر یک چهار درم عصاره غافت
هشت درم اصل السوس دوازده درم کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند شربتی مقدار یک فندق در نسخه دیگر عود بلسان و مر از
هر یک چهار درم اضافه نموده اند **اطریفل کبیر** بواسیر را نافع بود و گو[ده] را
نیکو کند و باه را زیاده کند و معده و امعاء و مثانه را قوت دهد و طعام را
بگدازد **صفت** بلیله سیاه پوست بلیله پوست بلیله کابلی امله
مقشر فلفل دارفلفل از هر یک سی درم زنجبیل بسباسه بوزیدان
شیطرج هندی شقاقل تودری سرخ تودری زرد لسان العصافیر مغز
حب القلقل کنجد مقشر خشخاش سفید بهمن سرخ و سفید از هر یک ده
درم کوفته بروغن بادام و روغن گاو چرب کنند و بعسل سرشته
و بعد از دو ماه استعمال کنند **اطریفل صغیر** استرخای معده و بواسیر را

نافع بود و ذهن را نیکو کند و لون را صاف گرداند **صفته** پوست هلیله
کابلی پوست بلیله پوست هلیله زرد و هلیله سیاه املهٔ مقشر کوفته (سه درم از هر یک)
و بیخته بروغن بادام چرب کنند و با سه مقدار آن عسل بسرشند
شربتی دو درم **اطریفل کشنیزی** سده را نفع دهد و درد سر و درد چشم
و دوار و نسیان را که بسبب بخار باشد نافع بود **صفته** پوست هلیله کابلی (زرد و بلیله زرد و)
پوست بلیله و هلیله سیاه املهٔ منقی کشنیز خشک مساوی
کوفته و بیخته بروغن گاو چرب نمایند با سه مقدار آن عسل بسرشند
و بعد از دو ماه استعمال کنند **اطریفل مقل** جهت بواسیر عظیم نافع بود **صفته**
پوست هلیله زرد و املهٔ منقی پوست بلیله از هر یک ده درم
مقل سی درم در آب کنند تا بگدازد و شصت مثقال عسل
اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و داروها کوفته و بیخته با آن
بسرشند **اطریفل مقل ملین** طبع را نرم کند و بواسیر را نافع باشد

صفت آن

صفته پوست هلیله کابلی بلیله سیاه املهٔ مقشر افتیمون اسطوخودوس
از هر یک ده درم مقل و فلوس خیارشنبر از هر یک سی درم
مقل و فلوس را در آب کنند تا حل شود و با عسل بقوام آورند و داروها
کوفته و بیخته با روغن بادام چرب کنند و معجون سازند **اطریفل دیدانی**
کرمهای خرد و بزرگ و حب القرع را بکشد **صفته** برنگ کابلی ده درم
تربد حب النیل قسط تلخ از هر یک پنج درم قنبیل ترمس افسنتین درمنه
ترکی افتیمون نمک نفطی خردل الخم حنظل سعد ابهل از هر یک (دو درم)
کوفته و بیخته با دو مقدار آن عسل بسرشند شربتی از دو مثقال تا چهار مثقال
بحسب مزاج نافع است **اطریفل مقل نوع دیگر** پوست هلیله زرد و پوست بلیله
کابلی بلیله سیاه املهٔ منقی از هر یک پنج درم تربد سفید مقشر درم
مصطکی سه درم مقل ازرق و روغن بادام از هر یک بیست درم
عسل نیم من آری کنند تا بقدر حاجت مقل را در آب حل نمایند

اطریفل ملین [illegible] جهت [illegible] و جلال [illegible]
و مالیخولیا و [illegible] ضعف [illegible] و درد سر و [illegible] و درد
و [illegible] گوش و [illegible]

هلیله زرد ۱۰ درم هلیله کابلی ۱ درم آملج ۵ درم
بلیلج سعد ۵ درم ۲ درم [illegible] ۱ درم
محمودی ۵ درم روغن بادام ۱ درم اجزا را
صلایه [illegible] سقمونیا
[illegible] ۱۰ درم [illegible]
وزن ادویه عسل بقوام آورند و اجزا را کوفته
بسرشند [illegible] نافع
آب نیم گرم
[illegible]

اطریفل زمانی

و با عسل بقوام اورند و معجون سازند شربتی هر شب دو مثقال

اطریفل افتیمون بیماریهای سودای را عظیم نافعست و موی را

سیاه نگاه دارد تا زود سفید نشود **صفت** پوست هلیله کابلی پوست بلیله

امله از هر یک ده درم سنا مکی تربد سفید افتیمون از هر یک پنج درم

شطرج هندی سه درم بسفایج فستقی درمی انیسون و نمک هندی

از هر یک دو درم کوفته و بیخته با عسل بسرشند شربتی یک مثقال تا چهار درم

توان خورد **اطریفل غددی** خناق و خنازیر را سود دارد **صفت** هلیله سیاه

یازده درم بلیله امله تربد سفید غددی که در گردن گوسفند

می باشد خشک کرده از هر یک پنج درم افتیمون ده درم بسفایج فستقی

اسطوخودوس سنا مکی از هر یک هفت درم شطرج زرنباد غاریقون

نشادر از هر یک سه درم انیسون مصطکی خیربوا سنبل از هر یک دو

درم کوفته و بیخته با عسل بسرشند شربتی پنج درم توان خورد

اطریفل ۱۰۰ ...

اطریفل ... ابق سفید و برص را سود دارد و سیاهی موی را

نگاه دارد و امراض بلغمی را نافع باشد **صفت** پوست هلیله کابلی بیست درم

پوست بلیله آمله مقشر از هر یک ده درم زنگ کابلی مقشر یازده

درم شطرج هندی سعد زنجبیل از هر یک سه مثقال سادج پنج درم

بسفایج اسطوخودوس از هر یک هفت درم غاریقون شش درم

قسط سه درم مصطکی کندر انیسون از هر یک چهار درم کوفته و بیخته

با عسل بسرشند شربتی از سه درم تا چهار درم **اطریفل دیگر** بسیاری عرق

بدنی را سود دارد و اگر ده روز پیاپی استعمال نمایند ماده این علت

را پاک گرداند **صفت** پوست هلیله کابلی پوست بلیله امله مقشر

زبد سفید زنجبیل قنبیل ساوی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند

و با عسل بسرشند شربتی سه درم **ایارج فیقرا** اعضای غذا را پاک

کند و فضول از دماغ فرود آورد و لقوه گرانی گوش و زبان

عرق بدنی را

دا ثر فا و مثانه و معده و سایر اعضا و اوجاع مفاصل و قولنج را نافع
باشد **صفت** سنبل دارچینی عود بلسان حب بلسان
سلیخه مصطکی زعفران اسارون از هر یک جزوی
صبر سقوطری دو وزن ادویه شربت دو درم بعسل و
آب گرم **ایارج لوغاذیا** صرع و مالیخولیا و سکته
و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و
بهق و قوبا و سعفه و صداع شقیقه و دوار و صمم و شهوت کلبی
و عسر النفس و درد گرده و مثانه و نقرس و مفاصل
و عرق النسا و درد گوش و داء الثعلب و داء الحیه
و ریشهای مزمن بدر را نافع بود و حیض بگشاید
و این مسهل مبارکست و اسهال او بی زحمت باشد
صفت شحم الحنظل پنج درم بسفایج غاریقون
سقمونیا

سقمونیا خربق سیاه اشق اسطوخودوس از هر یک
چهار درم نیم افتیمون کمازریوس مقل صبر از هر یک دو درم
حاشا جوز ماثل غاریقون ساذج هندی فراسیون
جعده سلیخه فلفل سفید جاوشیر مرصافی جندبیدستر
فطراسالیون زراوند طویل عصاره افسنتین فرفیون
سنبل حماما زنجبیل از هر یک دو درم حنطیانا رومی
اسطوخودوس از هر یک یکدرم نیم کوفته بعسل سرشند
شربتی چهار درم به آب گرم و عسل و بعد از شش ماه
استعمال نمایند **ایارج لوغاذیا دیگر** منافع هر دو قریب یکدیگر است
صفت شحم الحنظل سقمونیا صبر از هر یک پانزده درم
بصل الفار هشت درم افتیمون غاریقون خربق سیاه
از هر یک ده درم حاشا دو درم فراسیون بسفایج

سلیخه از هر یک هفت درم فلفل سیاه دار فلفل سنبل
زعفران دارچینی مر فطراسالیون از هر یک چهار درم
جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخودوس
کاذریوس استردیون از هر یک پنج درم زنجبیل
جندبیدستر زراوند طویل جنطیانا رومی از هر یک
سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی چهار درم با یکدرم نمک طعام در طبیخ افتیمون
ایارج جالینوس نفع این از لوغاذیا بیشتر است لقوه
و فالج و تشنج و استرخاء مثانه و اوجاع بلغمی و سوداوی را
نافع باشد و سلسله بول را زدارد و اخلاط غلیظ
لزجه را از بدن پاک کند صفه شحم الحنظل غاریقون
بصل الفار اشق سقمونیا حزبق سیاه فرفیون
از هر یک

از هر یک پانزده درم بسفایج کمادریوس افتیمون سلیخه
از هر یک هفت درم سکبینج زراوند طویل و مدحرج فلفل
سیاه و سفید دار فلفل دارچینی جاوشیر جندبیدستر فطرا
سالیون از هر یک چهار درم کوفته بعسل بسرشند شربتی
چهار مثقال اغرلولوی جرب و سبل و شرناق و ضعف باصره
را نافع باشد صفه توتیای کرمانی شسته نحاس محرق مغسول
از هر یک ده درم مروارید ناسفته شش درم نبات پنج درم
صلایه کرده استعمال نمایند اکحل که قرحه و موی سرخ را منفعت
صفه سفیداب ارزیر هشت درم اقلیمیای نقره صمغ عربی
از هر یک چهار درم نشاسته افیون از هر یک دو درم صلایه
کرده استعمال نمایند اکحل که همین منفعت دارد صفه
شادنج مغسول سه درم نشاسته اقلیمیا نقره افیون مر

اصفهانی از هر یک یکدرم صمغ عربی انزروت از هر یک دو
درم سفیداب ارزیز هشت درم صلایه کرده استعمال نمایند
ابکامه که معده را قوت دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای
طعام آورد **صفه** نان تازه کرم در کوزه آب بندید و بکذارند
تا سبز شود بعد از ان در سرکه خمیر کنند و در افتاب بکذارند
تا ده روز و سرکه بر ان میریزند و ده روز دیکر بدوشاب
خمیران تازه کنند و ده روز دیکر بشیره انکور خمیر آن تازه
کنند و بعد از ان ادویه کرم کوفته و بیخته بر ان زیرند و
چون خواهند بکار برند رقیق بکرند بیست من سرکه کهنه بر ان کنند ازین خمیر مقدار یکمن بکیرند
و یکیسه پر از داروی کرم در ان اندازند و چهل روز در آفتاب
بکذارند و بعد از ان استعمال نمایند **باب الباذوج**
برودت معده و جکر و رحم و احتباس طمث را نافع بود و ریاح

علنطا ر ا

غلیظ را دفع کند و سده و جکر و سپرز را بکشاید **صفه** زرنباد
درونج عقربی افیون جندبیدستر عاقرقرحا فلفل دار فلفل بیخته
هوم المجوس بزر البنج قسط البنی جاوشیر زعفران از هر یک
شش درم بازرد مرا از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته
دو درم عسل دو وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند
رشعثا نسخه شیخ ابو علی سینا زکام و نزله را نافع بود
داو جاع را ساکن کرداند و قطع خون رفتن کند **صفه** فلفل
سفید بزر البنج از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران
پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فربیون از هر یک یک مثقال
کوفته و بیخته با سه چندان عسل سرشته بعد از شش ماه استعمال نمایند
بادوق البزور حرق البول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را
نافع باشد **صفه** مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار بادرنک ده درم مغز تخم کدو

نسخه رشعثا ابو الکاس

فلفل سفید	بزر البنج	افیون	
۲۰	۲۰	۱۰	
زعفران	جندبیدستر	سنبل الطیب	
۵	۵	۱	
عاقرقرحا	فرفیون	حب بلسان	
۱	۱	۱	
دو ...ل	عود قماری	حب الاس مقشر	
۵	۱	۲	۱
...ل	دار صینی		
۲	۲		

عسل دو وزن تمام اجزا بود از ده ماه ... مثقال مستعمل

اکر سوی حضر را احض رفت
کنند و در سرکه کذارند به شود
...

...ربع درم مغز تخم خرفه و تخم خطمی مغز بادام مقشر کثیرا الساسة
رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک
... دو درم بکوبند و بنادق سازند شربتی دو درم تا سه درم
بشراب خشخاش بنادق کندری در رب و اسهال معده را
نافع بود صفت مازوی سبز یکدرم کندر کزمازج
از هر یک نیم درم افیون چهار درم حب الآس ده درم
کوفته و بیخته بنادق سازند بنادق دیگر وجع قولنج بارد را
تسکین کند صفت جندبیدستر شونیز نانخواه کمونی
افیون مساوی کوفته و بیخته بنادق سازند هر یک
دو دانگ بنادق دیگر مغص و وجع قولنج مراری را
ساکن کند صفت تخم کاهو تخم خرفه افیون مساوی
کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته بنادق سازند
هر یکی

الحمد لله ...
ادار مفعل وارجی حنظل ما
سکنجه ... جندبیدستر ... سس الطیب
قطاع آوخر زراوند طویل افیون ...
بعد ... انیسون تخم کرفس
بزرالبنج مقل ... بیست دو دو
بانزده ...
ب روان بنج ... زنجبیل
فودنج خشک ... مقل ربع
بنج عسل کفایه
چهارصد و پنجاه

هر یکی دو دانگ بیشی از ترکیب حکما و هند است
و از جهت جذام عظیم النفع است صفت هلیله سیاه
شیطرج هندی از هر یک ده درم فلفل نیم درم بیش
سفید دو درم نیم کوفته و بیخته و بروغن گاو چرب کنند
و بعسل معجون سازند شربتی نیم مثقال بذرجلی این ترکیب نیز
از هند یافته‌اند و همان خاصیت دارد صفت هلیله بلیله آمله
شیطرج از هر یک چهار درم جوز بوا خیر بوا قشور کندر
دوقو دار فلفل نارمشک کندش عصاره استیل
سادج از هر یک هشت مثقال بیش چهار مثقال کوفته
و بیخته بعسل بیامیزند معجون کنند شربتی یک مثقال برود حرم
صفت جرب و سلاق و دمعه و بیاض و سبل و ظفره را نافع باشد
توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد و زنجبیل زرد چوبه

بخور جهت زکام سیاه دانه را بر روی
سنگ تافته ریخته دود او را استنشاق
نمایند و جهت حبس کردن مادّه زکام
که قطع سیلان رطوبات کند بخور
سندروس مجرّبست بخور دیگر جهت
صداع مزمن و درد شقیقه و مواد بارده
دماغی از مجرّبات است آنچه آب ندیده
چند عدد در آتش سرخ کرده در ظرف آب
انداخته سر را به بخار آن بدارند و اگر
ماده بسیار غلیظ باشد بجای شراب
آب کنند و بدستور آب سرکه ممزوج
نیز جایز است

از هر یک نیم درم دار فلفل ماموران چینی از هر یک سه درم
نمک هندی یکدرم کوفته و بیخته بحریر و بیست روز بآب غوره
بپرورند و در سایه خشک کنند و دیگر باره بکوبند و بپرند
دیگر باره بیزند برود نفیس جرب را نافع بود صفت بنفشه کشنیز خشک
بریان کرده صمغ عربی کتیرا از هر یک درمی نشاسته دو درم
کوفته و بیخته پنج نوبت در سرکه بپرورند دیگر باره سائیده بحریر
بیخته استعمال نمایند برود که قرحه و سوزش را نافع بود
صفت سفیداب ارزیر پانزده درم اقلیمیا ده درم صمغ عربی
هفت درم و نیم شادنج مغسول و روی سوخته نشاسته
افیون از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند برود سهم
استخوان هلیله کابلی سوخته درمی نمک اندرانی و مازو
از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند برود پارسی

کرود پارسی

قوت باصره بیفزاید و دمعه قطع چشم کند صفت توتیا
مارقیشا اقلیمیا نقره از هر یک پنج درم سنبل الطیب ساذج
زعفران از هر یک درمی مروارید ناسفته دو درم کافور ریاحی
مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند برود احمر چشم را
خشک گرداند و سوزش باز دارد صفت شادنج مغسول ده
درم روی سوخته نیم درم مروارید ناسفته یکمثقال و دو
دانگ نبات یکدرم صلایه کرده استعمال نمایند برود اسود
دمعه را باز دارد و بیاض ببرد صفت سرمه و توتیای مغسول
از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته دو درم ساذج
هندی یکدرم زعفران نیم درم مارقیشا هشت درم
مشک و کافور از هر یک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
باسلیقون کبیر تاریکی چشم و ابتدا آب و دمعه و جرب

وسبل و ظفره و شرناق را نافع باشد صفه کف دریا اقلیمیا
نقره از هر یک ده درم نمک اندرانی سادج هندی سفیداب
ارزیز فلفل دار فلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر یک
دو درم نمک هندی قرنفل دواله از هر یک یکدرم صبر سقوطری
عصاره مامیثا مس سوخته از هر یک نیم درم مامیران چینی
مر و نوشادر و زرد چوبه از هر یک سه درم پوست هلیله
زرد چهار درم کوفته و بیخته بحریر استعمال نمایند باسلیقون صغیر
قریب بمنافع کبیر است صفه اقلیمیا نقره نیم درم روی سوخته
دو درم و نیم سفیداب ارزیز نمک اندرانی نوشادر دجده
فلفل از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بحریر استعمال نمایند
بنفشجی تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد
صفه شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته

دارفلفل

دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم سادج هندی
دو دانگ قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور دانگی
کوفته و بیخته استعمال نمایند بریویا رمد را نافع است و ضربان را
بنشاند و ورم و ماده کم کند و چشم را هم در روز با صلاح آورد
صفه شیاف مامیثا انزروت از هر یک هشت درم کثیرا کندر
زعفران دو درم افیون نیم درم کوفته و بحریر بیخته با آب باران
بسرشند و در وقت حاجت بسفیده تخم مرغ حل کنند
و استعمال نمایند بخوری که زکام و نزله را باز دارد صمغ کندر
سعد یا لبه مر و قیط سندروس مساوی کوفته و بیخته بلعاب
بسازند و بر آتش نهند و سر به بخار آن بدارند بخوری
که نزله و زکام حار را نافع باشد صفه سبوس گندم آرد
جو باقلا صندل سفید گل سرخ بنفشه گلنار از هر یک نیم درم

کافور دانکی کوفته در سرکه ضیمانیده خشک کنند و دیگر باره کوفته
و بیخته بگلاب بسرشند و حبها سازند و در وقت حاجت
بر آتش گذارند و سر به بخار آن دارند بخوری که مقوی ذهن
و دماغ است و خفقان و غشی و ضعف حواس را نافع است
صفة عود هندی قسط شیرین صندل سفید از هر یک یکدام
مشک و کافور از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بگلاب سرشته
گلولها ساخته بخور کنند بخوری که بر آبستنی معین باشد
صفة میعه سایله بارزد حب الغار مساوی کوفته و بیخته
بعسل بسرشند و بعد از طهر سه روز متوالی هر روز یکدرم
از آن بخور کنند و بعد از آن مباشرت نمایند بخوری
که بران همین خاصیت دارد صفة سداب مشک کوفته
با موم گداخته و پشم خرگوش سرشته بخور کنند بخوری
که مشیم

که مشیمه و بچه مرده را بیرون آرد صفة مر بارزد جاوشیر
مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته و گلولها سازند
و در زیر طغار سوراخ کرده دود کنند و فرج را بران
سوراخ نهند بخوری بر رطوبت معده و جگر و دفع ظهر و
مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان و وجع کلیه را نافع بود
و لونرا صاف کند و بوی دهن خوش کند و معده و باه را
قوت دهد و حفظ زیاد کند و بول را براند و بادها بشکند
صفة آب انگور رسیده صد من گوشت تخلی فربه پخته بیک
عود خام ده درم جوزبوا زعفران مصطکی خولنجان از هر یک
پنج درم سلیخه یکدرم خیربوا کبابه زرنباد قرنفل سعد سنبل
از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی سنبل الطیب عاقرقرحا
از هر یک یکدرم عسل دو رطل اجزا را کوفته در کیسه کنند

وسرکه را لازم بجوشانند و دران اندازند و هر لحظه بدست
بمالند و یک رطل گلاب اضافه نمایند و صاف سازند و
در ظرف ریزند و بعد از شش ماه استعمال کنند و اگر خواهند مرغ
و کبوتر و کبک بچه و امثال اینها اضافه نمایند و از گوشت
گوسفند چیزی کم نکنند **باب الثانی تریاق فاروق** و انرا تریاق کبیر
کبیر گویند مضرت گزیدن عقرب و افعی و رتیلا و سگ دیوانه
و هر جانوران زهردار دفع کند و مزیل همه زهرهای کشنده است
جذام و فالج و رعشه و سکته و صرع و لقوه و مالیخولیا و
ضیق النفس و خناق سودایی و بلغمی و استسقا و یرقان
سدی و دوار و صداع و قولنج بلغمی و درد گرده و مثانه
را سود دارد و سنگ گرده و مثانه بریزاند و سده جگر
و سپرز بگشاید و حیض براند و بواسیر و بادهای غلیظ که در احشا

بود دفع کند و ورم صلب جگر و سپرز را تحلیل دهد و حفظ
زیاده کند و هضم را باز دارد و حب القرع را دفع کند و شهوت
کلبی و نافض و حمیات بلغمی و سودایی و جمیع امراض بلغمی و سوداوی
نافع باشد و حرارت غریزی را افزاید و روح را قوت دهد
و باه را برانگیزد اما مقدار شربت تریاق کبیر از هر مرض است که در
سرفه کهنه و درد سینه و پهلو که سبب ان باد غلیظ باشد مقدار
یک درم بماء العسل دهند و از جهت گزیدن مار و عقرب و سگ
دیوانه و رتیلا سقالی در شراب دهند و زنبور گزیده را در سرکه
حل کرده بر موضع مالند و از جهت دفع مضرت ادویه سمیه
مثل افیون و شوکران و فرفیون و ذراریح و امثال آن در
شراب دهند و در یرقان سدی یک درم در طبیخ اسارون
دهند و در استسقا یک فندق بسرکه ممزوج دهند و از جهت

فالج ولقوه ورعشه درماء الاصول دهند واز جهت جذام
درماء الجبن دهند وخداوند حب القرع را در طبیخ قیسوم دهند
ودر نافض وحمیات بلغمی وسوداوی یک درم با آب گرم
با شراب دهند ودر قولنج ونفخ معده ومغص ریحی وسقوط
شهوت ودر بو وانقطاع صوت وبرص یک درم بماء العسل
با شراب دهند ودر ضیق النفس سکنجبین عنصلی ودر وجع
وصداع شقیقه یک درم در آب گرم دهند وخداوند حفظ را
دو دانگ شراب سیب دهند واز جهت احتباس واخراج
جنین ثبت در طبیخ ابهل یا مشکطرامشیع یا سداب دهند ودر جمیع
امراض اندک اندک از یک طسوج وبسیار از یک مثقال باشد
صفت قرص عنصل چهل وهشت مثقال اقراص اندروخون
رود اقراص افعی فلفل سیاه افیون دارچینی از هر یک

بیست و چهار

بیست و چهار مثقال ورق گل سرخ تخم شلغم بری ثوم بری
ایرسا غاریقون رب السوس روغن بلسان از هر یک
دوازده مثقال مرمکی زعفران زنجبیل ریوند چینی جنطیانا فوتنج
فراسیون فطراسالیون قسط فلفل سفید اسطوخودوس
دارفلفل مشکطرامشیع کندر نقاع اذخر صمغ البطم سلیخه سنبل جعده
از هر یک شش مثقال لبن تخم کرفس سیسالیوس حرف
کمادریوس کمافیطوس ناتخواه عصاره لحیة التیس ناردین
سادج مو فو جنطیانا رازیانه گل مختوم زاج محرق حماما
حب البلسان هیوفاریقون صمغ عربی قردمانا انیسون
اقاقیا از هر یک چهار مثقال جندبیدستر دوقو مقل الیهود
جاوشیر قنطوریون دقیق زراوند مدحرج سکبینج از هر یک
دو مثقال عسل که از کف جاشنا باشد دو رطل شراب ریحانی

شراب ریحانی شش رطل بوزن بغداد که هر رطلی از ان
نود مثقال باشد صمغها و عصارها و اقراص را در شراب خیسانند
و عسل بر سر ان ریزند و یکشبانه روز بگذارند و بعد از ان ادویه
کوفته و بیخته بروغن چرب کنند و بیکدیگر بسرشند و بعد از چهار
ماه بلکه شش ماه استعمال نمایند و بعضی گفته اند پس از
پنج سال استعمال باید کرد و بعضی گفته اند بعد از دوازده ماه
استعمال باید کرد و از زمان در غایت خوبی و قوت باشد
تا سی سال و چون از سی سال تا شصت سال و شصت روز
قوت ان باقیست و بعد از ان حکم ان حکم معاجین کبار
باشد از جهت جمیع امراض مذکوره نافعست الا دفع سموم
و گزیدن جانوران **تریاق کل المختوم** کسی را که زهر داده
باشند این تریاق بدهند قی آورد و اگر نداده باشند شیاف در

صفه

صفه کل مختوم حب الغار ارسا مساوی کوفته و بیخته روغن
گاو چرب کنند و بعسل بسرشند شربتی مثقال فندقی
تریاق اربعه دفع گزیدن جانوران زهرناک کند و بادها
بشکند و قولنج نشاید و اخراج جنین میت و تسهیل
ولادت کند و جمیع امراض بارده را نافع باشد **صفه**
جنطیانا حب الغار زراوند طویل مرمکی مساوی کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال در آب گرم **تریاق ثمانیه**
بعد از تریاق اربعه ساخته اند و منافع او بیشتر از نافع آنست
صفه زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صاف
قسط جنطیانا زرد چوبه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی یکمثقال **تریاق سرطان** گزیدن کلب را نافع باشد **صفه**
سرطان محرق ده درم کندر جنطیانا از هر یک پنج درم کوفته

و بیخته بعسل مصفا معجون سازند شربتی یک مثقال تریاق دیگر که
جهت گزیدن عقرب بی‌نظیر ندارد صفته پوست بیخ کبر جنطیانا
زراوند مدحرج افسنتین رومی طرخشقوق مساوی کوفته و بیخته
دو درم از آن سفوف سازند تریاق دیگر که همین منفعت دارد صفته
تخم سداب زراوند طویل حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر
افسنتین زرد چوبه حنظل فاشرا مساوی کوفته و بیخته معجون
سازند تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفته مغز گردکان و سیر
از هر یک دو درم سداب حلتیث مر از هر یک یک درم کوفته
و بیخته با انجیر معجون سازند شربتی سه درم بشراب تریاق دیگر
که در گزیدن عقرب نفع تمام دارد صفته جنطیانا زراوند
حب الغار مرمکی قسط فودنج سداب جند بیدستر عاقرقرحا
شونیز زنجبیل فلفل حلتیث مساوی کوفته و بیخته بعسل سرشتند
شربتی مقابل یک جوز

شربتی مقابل یک جوز بشراب تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفته
زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
با شراب بیامیزند و بنوشند تریاق دیگر که از جهت گزیدن رتیلا
نافع است صفته شونیز ده درم دو قوزه رمانی از هر یک
یک درم سنبل الطیب حب الغار زراوند مدحرج حب البلسان
دارچینی جنطیانا نانخواه جندقوقی تخم کرفس از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بعسل سرشتند شربتی مقدار یک جوز بشراب کهنه
تریاق دیگر که همین در گزیدن عقرب مساوی تریاق کبیر است
صفته افیون ده درم فلفل سفید سه درم زراوند مدحرج جندبیدستر
از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند شربتی مقابل
یک جوز تریاق دیگر که گزیدن عقرب را نافع باشد صفته ریوند
چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته

شربتی یکدرم سفوف سازند **تریاق دیگر** که دافع
افیون و بنگ است **صفت** حلتیث چند بیدستر
انیسون فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی مثقال فندق در شراب کهنه نافع باشد **تریاق**
در ب صفت مروارید ناسفته مرجان کهربا عقیق یشب
عاج طباشیر طراثیث کشنیز خشک بریان کرده
صندل سفید بهمن سرخ و سفید زیره کرمانی مصطکی
گرو یامازوی سبز گل ارمنی شادنج عدسی صمغ عربی
آرد کنار آرد سنجد حب الآس غذنه دانه عناب
بریان کرده پوست بیرون پسته تخم ریبب از
هر یک سه درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان کرده
خشخاش سفید دانه انگور بزرگ از هر یک چند درم
عود خام

عود خام بذر البنج از هر یک دو درم رب به شیرین
رب سیب رب مورد مساوی معجون سازند
باب الثانیا در دیطوس اوجاع کبد و معده
و طحال و کلیه و مثانه و رحم و نسیان و تاریکی چشم
و ربو و صداع و جذام و صرع و برص و رعشه و فالج
و جمیع امراض عتیقه مزمنه و انواع سوء المزاج بارد
رطب را نافع بود و قولنج را بگشاید و استسقا که از زردی
بود و ضعف جگر باشد زایل کند و اسهال آن کی مشقت
باشد و ادرار البول و حیض بگشاید و سنگ مثانه
و گرده پاک کند و سده جگر و سپرز بگشاید و رنگ نیکو سازد
صفت صبر زرد پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران
دارچینی و ج مصطکی روغن بلسان از هر یک سه درم

ریوند چینی یکدرم نیم عود بلسان فرفیون فلفل سفید و
سیاه دارفلفل مرحنطیا نا حب بلسان فقاع اذخر
موحاما از هر یک دو درم کمادریوس قنطافیتون
از هر یک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک
شش مثقال سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته و بیخته
بروغن بلسان چرب کنند و با سه چندان عسل
بسرشند شربتی چهار مثقال و قوت این معجون تا چهار
سال ها می باشد **تیادریوس دیگر** منفعت آن قریب به
منفعت اول است **صفته** صبر سقوطری سی درم
غاریقون بیست درم زعفران و وج دارچینی مصطکی
سورنجان سلیخه از هر یک سه درم کمادریوس فلفل
ابیض اسارون عود بلسان از هر یک دو درم فلفل
سیاه

سیاه جند بیدستر از هر یک چهار درم ریوند چینی مو
سنبل از هر یک یکدرم عسل سه وزن ادویه شربتی
چهار درم با آب گرم **باب الحیم جوارش و شربها** سردی جگر و معده
و قولنج و عسر البول را نافع باشد **صفته** قرنفل
دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوزبوا هیل مصطکی قاقله
حب بلسان زعفران از هر یک چهار درم و نیم سقمونیا
سه درم نیم تربد سفید حب النیل از هر یک هشت درم
قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
چهار مثقال تا هفت مثقال با آب گرم دهند **جوارش**
اترج معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و
و بوی دهان خوش کند **صفته** پوست ترنج خشک کرده
سی درم قرنفل جوزبوا دارفلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل

از هر یک یکدرم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل
۲ سرشند **جوارش عود** بادها بشکند و خفقان و دل ایستی
زایل کند **صفه** عود هندی رازیانه تخم کرفس و برنج ترکی
سنبل از هر یک سه درم بسباسه نارمشک سعد قرنجمشک
زرنب زرنباد از هر یک یکمثقال دارچینی زنجبیل فلفل
مصطکی از هر یک دو درم کاوزبان پنجدرم کافور دانگی
نیمی مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل سرشند **جوارش عود**
نوع دیگر معده و جگر و دل را قوت دهد و پیران را موافق
باشد **صفه** عود خام قرنفل ساذج هندی زنجبیل
قاقله قرنجمشک دارفلفل از هر یک دو مثقال زعفران
یکمثقال کوفته و بیخته بعسل سرشند **جوارش عود دیگر** هاضمه را
قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بلغم و رطوبت را
دفع کند

دفع کند **صفه** قرنفل سه درم قاقله کبار و صغار از هر یک
دو درم عود پانزده درم زعفران یکدرم کوفته و
بیخته بعسل سرشند **جوارش عود نوع دیگر** معده سرد را گرم کند
و اشتهای طعام آورد و هاضمه را قوت دهد **صفه**
قرنفل دو درم سنبل یکدرم عود خام پنجدرم نبات
یکمن نبات را در گلاب بگدازند و بقوام آورند و فرود
گیرند و داروها کوفته و بیخته بران پاشند و بر روی سنگ
ریزند **جوارش عود نوع دیگر** معده را باصلاح آورد و اشتهای
طعام دهد **صفه** عود خام پنجدرم پوست ترنج دو درم
مصطکی یک مثقال نبات یکمن بهمان دستور ترتیب دهند **جوارش عنبر**
خفقان را و سردی معده را و بدی هضم را و جماع را
مفیدست و از برای پیران بغایت نافع بود **صفه**

قاقلهٔ صغار و کبار کبابه دارچینی از هر یک چهار درم
زنجبیل دار فلفل از هر یک ده درم دوالمسک مصطکی عنبر
از هر یک دو درم قرنفل زعفران از هر یک دو درم
پنج درم
جوز البوا مشک بالمناصفه یک درم کوفته و بیخته بعسل کف گرفته سرشته
شربتی یک مثقال **جوارش عنبر نوع دیگر** سردی معده و جگر را نافع بود
بلغم را دافع بود و آب دهن از دهن باز دارد **صفته**
عنبر یک مثقال قند سفید یکمن قند را بقوام آورند و فرو گیرند
و عنبر را در آن حل کنند و بتبرزند و بر روی سنگ بریزند
جوارش جالینوس این جوارش را خاصیت بسیار است
همه اعضا را قوت دهد و بوی دهان خوش کند و بادها
بشکند و بسیاری بول که از سردی بود باز دارد و باه را
قوت دهد و دیوانگی و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس
و قوباه

و قوباه و حصاه کلیه و مثانه را نافع بود و سیاهی موی را
محافظت کند و گفته اند هر که بیست روز بدین جوارش
مداومت کند از جمیع امراض مذکور ایمن شود **صفته** سنبل قاقله
سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل فلفل سیاه قسط
بحری عود بلسان اسارون تخم ورد قصب الذریره
زعفران از هر یک دو درم مصطکی پنج درم قند سفید بوزن
تمام ادویه کوفته و بیخته با دو چندان عسل سرشته شربتی دو
مثقال یا سه مثقال پیش از طعام و پس از طعام تواند خورد و بعضی
اطبا جنطیانا پنج درم اضافه میکرده اند **جوارش تمری** قولنج و عسر البول
بگشاید **صفته** زیره کرمانی بد بر بوره ارمنی فطراسالیون زنجبیل
فلفل از هر یک دو درم و نیم سقمونیا مشوی یکدرم خرمای دانه
بیرون کرده منقا بادام مقشر بریان کرده از هر یک ده مثقال

ورق سداب ده درم خرما در سرکه خیسانند یک شبانه
روز و بکوبند و از غربال بیرون کنند عسل کف گرفته بوزن
ادویه بر سر آتش کنند و بجوشانند تا بقوام آید و داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی یک مثقال تا دو مثقال
با آب گرم **جوارش مشک** خفقان و باد بواسیر را نافع بود و بادهای
معده را دفع کند **صفت** خیربوا قاقله زنجبیل دارفلفل از هر یک
ده درم مشک خالص یک مثقال قند سفید شصت درم کوفته
و بیخته بعسل بسرشند **جوارش کافور** اسهال صفرای باز دارد
و تشنگی و حرارت بنشاند **صفت** زرشک ده درم گل سرخ
هشت درم طباشیر سفید کهربا فوفل از هر یک چهار درم
تخم حماض بریان کرده هشت درم حب الآس شش درم پوست
سیب ده درم پوست نیز ده درم انار دانه بریان کرده تخم خرفه
زعفران

زعفران شاه بلوط از هر یک پنج درم فوفل چهار درم شراب
حماض بسرشند شربتی دو درم **جوارش کمون** اسهال بلغمی را نافع بود
و معده گرم کند **صفت** کمون شش درم فلفل دارفلفل از هر یک دوازده
درم زنجبیل خولنجان از هر یک دو درم قرنفل جوزبوا از هر یک
پنج درم مشک نیم درم قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی سه درم **جوارش خوزی** طعام هضم کند و اسهال
باز دارد و سپرز بگدازد و کسی را که هم استسقا بود نافع بود و
ادرار بول کند **صفت** قسط قرفه سنبل حب بلسان سلیخه از هر یک درمی
جوزبوا قاقله کبار قرنفل انیسون اکلیل الملک اسطوخودوس نارمشک از
هر یک چهار درم بسباسه درونج عقربی از هر یک سه درم ریوند
چینی زراوند مدحرج اشنه از هر یک پنج درم هلیله سیاه پوست
هلیله کابلی بروغن زیت بریان کرده از هر یک بیست درم

بلیله ده عدد حب الآس بوزن همه ادویه نبات دو وزن ادویه
در گلاب بگدازند و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
و بعد از دو ماه استعمال نمایند **جوارش طباشیر** که اسهال صفراوی را
نافع باشد **صفت** طباشیر سفید حب الآس گل سرخ از هر یک دو درم
تخم حماض صمغ عربی از هر یک هفت درم گلنار سماق عصاره
لحیة التیس از هر یک شش درم زعفران افیون از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بگلاب شراب بسرشند شربتی سه درم **جوارش سماق**
اسهال صفراوی را باز دارد **صفت** سماق بیست درم حب الآس ده
درم خرنوب سی درم صمغ عربی گلنار دانه از هر یک پنج درم
کوفته و بیخته با مویز منقی دیگر باره بکوبند شربتی سه درم **جوارش
انجدان** قولنج بگشاید و بادها دفع کند و حشا حامض را نافع
باشد **صفت** فلفل دارفلفل از هر یک پنج درم ایرسا زنجبیل از هر یک
شش درم

شش درم انیسون مصطکی رازیانه نانخواه تخم کرفس از هر یک
دو درم انجدان پانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
دو درم **جوارش مشک** طبع را نرم کند و قولنج بگشاید **صفت** جوز بوا
یک درم قاقله دارچینی از هر یک دو درم مارمشک قرنفل از هر یک
سه درم دارفلفل پنج درم زنجبیل شش درم سقمونیا بیست درم
نبات سی درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی از یک درم
تا سه درم **جوارش دیگر** که اسهال صفرا کند بی مشقت **صفت**
عود خام مصطکی از هر یک یک درم ترید سفید چهار درم سقمونیا
نیم درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی پنج درم **جوارش کبابه**
بواسیر و سردی معده و بدی هضم را نافع باشد و بادهای
غلیظ را دفع کند **صفت** کبابه سه قرفه قاقله صغار زنجبیل
دارفلفل دارچینی اسارون از هر یک درمی قاقله کبار پنج درم

فلفل دو درم قرنفل یکدرم و نیم قند سفید بیست درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یکمثقال **جوارش مقلیانا** زحیر و مغص و
بواسیر را نافع بود **صفته** تخم تره تیزک بریان کرده زیره
کرمانی مدبر از هر یک یکدرم مصطکی شش درم هلیله کابلی
بروغن گاو بریان کرده درمی کوفته و بیخته بگلاب بسرشند
و بعسل معجون کنند **جوارش ششم** معده را قوت دهد و شهوت
رونده زنان حامله را دفع کند و رنگ نیکو گرداند و اشتهای طعام
آورد **صفته** رازیانه تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک
دو درم کنجد مقشر ده درم کندر زنجبیل فلفل دارفلفل قاقله دارچینی
از هر یک سه درم شکر طبرزد نود مثقال کوفته و بیخته بگلاب بسرشند
جوارشی که حفظ را زیاده کند **صفته** زنجبیل نانخواه از هر یک ده
درم شونیز هلیله کابلی از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند

شربتی یکمثقال

شربتی یکمثقال **جوارش مسهل** تنقیه معده و دفع فضلات کند
صفته تربد سفید ده درم زنجبیل پنجدرم قند سفید یازده درم
شربتی سه درم **جوارش شهریاران دیگر** قولنج بگشاید و فضلات روده
را دفع کند و معده را قوت دهد **صفته** فلفل زنجبیل زیره کرمانی
سداب بوره ارمنی خولنجان قرفه از هر یک درم نیم سقمونیا
ده درم عسل چهل درم شربتی یکدرم و نیم تا سه درم **جوارش
دارچینی** ضعف کرده و مثانه و معده را نافع بود و بادهای
غلیظ بشکند و اخلاط غلیظ را دفع کند **صفته** دارچینی عود
هندی راسن از هر یک پنجدرم زنجبیل ده درم نعناع
هشت درم خیربوا قرفه از هر یک دو درم مصطکی افسنتین
رازیانه سنبل از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش حب الآس هیضه و اسهال معدی را نافع باشد و قی که

که از بلغم و رطوبت باشد باز دارد صفت حب الآس نود مثقال هلیله
سیاه بلیله امله طالیفر از هر یک بیست درم فلفل سیاه
دار فلفل زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی قودنانا کرویا انیسون
زیره کرمانی سنبل سلیخه قاقله قسط از هر یک شش درم جوز بوا
تخم کرفس نانخواه از هر یک پنج درم ساذج هندی حماما از
هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل برسشند جوارش شعف
قولنج ولقوه و باد بواسیر و بادها که در معده باشد سود
دارد صفت سقمونیا تربد سفید از هر یک پنج درم فلفل قاقله
از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی امله قرنفل بسفایج جوز بوا
از هر یک دو درم و نیم قند سفید نود درم کوفته و بیخته بعسل
برسشند شربتی چهار مثقال جوارش هندی اوجاع مفاصل
و نقرس و وجع ظهر و قولنج را نافع باشد صفت سقمونیا ده درم

خربوا

خیربوا قاقله دارچینی زنجبیل قرفه نارمشک قرنفل از هر یک
پنج درم تربد سفید صد درم کوفته و بیخته بعسل برسشند
جوارش زنجبیل ضعف و امعاء و هیضه را نافع باشد و طعام هضم
کرداند و بادها بشکند و اسهال باز دارد صفت زنجبیل بیست درم
صمغ عربی خیربوا از هر یک ده درم قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم
جوز بوا یک درم زعفران یک درم نشاسته چهل درم شکر طبرزد نود
مثقال جوارش قیصر قولنج و نقرس را نافع باشد و اخلاط
غلیظ از صدر دفع کند صفت دار فلفل زنجبیل هلیله زرد سقمونیا
تربد سفید از هر یک دوازده درم تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا
نمک طبرزد از هر یک شش درم قند سفید شانزده درم کوفته و بیخته
بعسل برسشند جوارش فواکه معده و دل و جگر و احشا را قوت دهد
و قی باز دارد و صفرا دفع کند و منع خمار کند صفت آب انار ترش و شیرین

آب سیب آب به امرود و غوره آب زرشک آب سماق آب لیمو
مجموع را مساوی بجوشانند تا بدبی آید فرو گیرند و قند بقوام
زیاده آورند و تر تر همی ریزند و آب ابر آن میریزند چندانکه بروی
سنگ ریزد **باب الحب** حب ایارج دماغ و اعضای
سر را از فضول و اخلاط بلغمی پاک کند و صرع و سکته و امراض
عین را نافع باشد **صفت** ایاره فیقرا زبد سفید از هر یک درمی
حب النیل غاریقون افتیمون از هر یک نیم درم شحم حنظل نمک
هندی از هر یک دانگی و نیمی کوفته و بیخته باب رازیانه سرشته حب
سازند **حب صبر** اوجاع مفاصل و نقرس و فالج و لقوه را نافع
باشد **صفت** صبر سقوطری یکمثقال زبد سفید دو درم و نیم حب النیل
غاریقون از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند
حب سورنجان مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع باشد

صفت صبر سقوطری

[illegible]

صفت صبر سقوطری ماهی زهره از هر یک درمی سورنجان زبد سفید
از هر یک مثقالی کثیرا دانگی حب النیل نیم درم شحم حنظل دانگی نمک هندی
یک دانگ و نیم کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند **حب سورنجان نسخه دیگر**
که همین خاصیت دارد **صفت** ایاره فیقرا زبد سفید ماهی زهره از هر
یک درمی سورنجان پوست هلیله زرد و غاریقون افتیمون از هر یک
درمی سقمونیا کثیرا شحم حنظل از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب رازیانه
حب سازند **حب شبیار** صبر یک درم پوست هلیله زرد زبد سفید از
هر یک نیم درم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگی و نیم تخم کرفس نمک
هندی از هر یک دانگی باب رازیانه حب سازند **حب سورنجان** درد معده را
نافع باشد قوت باصره دهد و درد سر و تاریکی چشم ببرد **صفت**
صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد و ورق گل سرخ مصطکی زبد سفید
از هر یک درمی سقمونیا درمی کوفته و بیخته حب سازند شربتی یکمثقال در وقت

خواب فرو برند حب قوقایا صداع و درد چشم و فضلهای غلیظ را
از بدن فرو آرد صفة صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی از غاریقون
هر یک یکمثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته با آب کرفس
حب سازند شربتی یکمثقال حب غاریقون سده را بگشاید و استسقا
را دفع کند و از امراض نافع باشد صفة افتیمون صبر سقوطری از هر یک شش درم
غاریقون چهار درم انیسون فطراسالیون تخم کرفس دو قوه از هر یک
دو درم سقمونیا یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی دو درم
حب غاریقون دیگر همین خاصیت دارد و طبع را نرم کند چون هر شب از ان
یکدرم بنوشند صفة غاریقون ده درم عصاره غافث ریوند
از هر یک دو درم قند سفید یازده درم کوفته و بیخته با آب عسل بسرشند
و حب سازند حب اصطمخیقون بدن را از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ
پاک کند صفة پوست هلیله کابلی شش درم ایارج فیقرا افسنتین غاریقون از
هر یک

هر یک سه درم اسارون انیسون تخم کرفس از هر یک دو درم
زبد سفید مغث درم افتیمون پنج درم ایارج فیقرا نه درم و تقل
نمک هندی چهار درم فانیذ را در آب بگدازند و دو درم سقمونیا
در ان حل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و حب سازند
حب ذهب صداع و درد چشم را نافع باشد صفة صبر سقوطری
بیست درم هلیله زرد ده درم کثیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک
سه درم ورق گل سرخ پنج درم کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی
دو درم حب دیگر که دا الثعلب را نافع باشد و صفرا و سودا
و بلغم را دفع کند صفة افتیمون چهار مثقال شحم حنظل سقمونیا نمک هندی
افسنتین از هر یک دو مثقال صبر سقوطری ده مثقال انزروت
بسفایج فستقی از هر یک سه مثقال زبد سفید دوازده مثقال کوفته و بیخته
با آب خالص حب سازند شربتی سه درم حب سکبینج قولنج بگشاید و باد

علت بطول ادمی کند **صفت** سکنجبین تخم حنظل از هر یک ... درم سقمونیا
درمی باب سداب حب سازند شربتی یکدرم **حب دیگر**
که باد را بشکند و فتق و اورام خصیه را نافع بود **صفت** تخم کرفس
هرار اسپند انیسون مصطکی زعفران از هر یک درمی پوست
هلیله کابلی آمله سکنجبین سقل از هر یک دو درم فطر اسالیون
فودنه اذخر قسط زرنباد درونج اسارون از هر یک سه درم
کوفته و بخته باب سداب حب سازند و هر روز یکدرم بخورند
حب مازریون استسقای زقی را نافع باشد **صفت** ریوند عصاره
غافث تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنجدرم مازریون
مدبر نه درم کوفته و بخته حب سازند شربتی دو درم **حب دیگر**
که همین خاصیت دارد **صفت** تخم مازریون شیر بادام از هر یک پنجدرم
شکر یکدرم و نیم کوفته و بخته حب سازند **حب جیران** خنازیر و غدد
و سلعه را

[illegible]

و سلعه را نافع باشد **صفت** ابازه فیقرا سه درم غاریقون دو درم نیم
تخم حنظل یکدرم و نیم از روت چهار درم تربد هفت درم جاوشیر
یکمثقال نوشادر دو درم سقمونیا سقالی کوفته و بخته باب حب سازند
شربتی هر روز یکدرم **حب واصلی** که همین خاصیت دارد **صفت** سنبل سلیخه
حب بلسان اسارون عود بیان مصطکی وارچینی زعفران
از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم اسطوخودوس شحم حنظل
از هر یک پنجدرم تربد سفید هفت درم نمک هندی دو درم سقمونیا
چهار درم باب حب سازند **حب شیطرج** عرق النسا و اوجاع
مفاصل و وجع الظهر را نافع باشد **صفت** پوست هلیله زرد ده درم
صبر سقوطری بیست درم فلفل دارفلفل از هر یک درمی خردل
سه درم شیطرج نمک هندی شحم حنظل زنجبیل از هر یک دو درم
فانید نجری چهار درم باب گرم حب سازند شربتی سه درم

حب غافت ریوند دو درم جگر را سود دارد **صفته** غافت صبر سقوطری
پوست هلیله زرد ساوی کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند
شربتی دو درم **حب دیگر** که بهق و برص و صرع و امراض سوداوی
سودای را نافع باشد **صفته** ایارج فیقرا پنج درم افتیمون ده درم
لاجورد مغسول هفت درم سقمونیا شحم حنظل خربق سیاه از هر یک
دو درم سنبل انیسون از هر یک درمی کوفته و بیخته باب کرفس
حب سازند شربتی دو درم و نیم **حب شاهتره** پوست هلیله زرد و پوست
هلیله سیاه از هر یک پنج درم هلیله کابلی صبر هفت درم سقمونیا
دو درم و نیم کوفته باب شاهتره حب سازند شربتی دو درم **حب مقل**
بواسیر را نافع باشد **صفته** پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک
پنج درم هلیله کابلی مقل از هر یک یازده درم سکبینج پنج درم خرد دل
دو درم مقل و سکبینج را در آب حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته

بان برشسند

بان برشسند **حب مقل نوع دیگر** شقاق را سود دارد و طبع را
نرم کند و مجرور مزاج را موافق باشد **صفته** پوست هلیله کابلی ده درم
مقل ده درم کثیرا پنج درم الخربی عدد در آب بزنند تا مهرا شود
و بپالایند و مقل و کثیرا در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته
بان برشسند و حب سازند شربتی دو درم **حب مقل نسخه دیگر**
درد معده و امعا و بواسیر را نافع باشد **صفته** هلیله سیاه بلیله آمله
از هر یک جزوی مقل برابر همه در آب حل کنند و داروهای
دیگر کوفته و بیخته بان برشسند و حب سازند شربتی دو درم و نیم
حب دیگر سه شب متوالی بوشسند وجع بواسیر را تسکین دهد **صفته**
پوست هلیله زرد و پوست هلیله سیاه آمله مقشر از هر یک یکدرم
مقل چهار درم در آب کنند تا حل شود و داروها کوفته و بیخته بان برشسند
و حب سازند شربتی دو درم **حب دیگر** که چون سه شب متوالی بوشسند وجع

بواسیر تسکین دهد **صفته** هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک چهار درم
نمک هندی صعتر مصطکی سورنجان اشق هزار اسفند شطرج نانخواه
از هر یک درمی سنبل زعفران دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه از
هر یک هفت درم صبر سقوطری بیست درم سکبینج را در آب کنند
تا یکدا از دو باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشته و حب سازند شربتی
دو مثقال **حب اللادقادیه** بادها دفع کند و طبع را نرم کند و قولنج را
بکشاید **صفته** زنجبیل قرنفل دارچینی فلفل دارفلفل هر سه مصطکی
از هر یک مثقالی سقمونیا هفت مثقال قند سفید هفت مثقال کوفته
و بیخته حبها سازند هر یک مقدار نخودی هر حب یک مجلس دفع
کند **حب دیگر** استسقای لحمی را نافع باشد **صفته** صبر سقوطری
دوازده درم افتیمون کشته درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه
تربد سفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران یکدرم و نیم غاریقون

سه درم

سه درم حماما یکدرم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم و نیم
حب دیگر بهق و برص را نافع باشد **صفته** ایاره فیقرا
یک مثقال لاجورد مغسول سنبل انیسون شحم حنظل کثیرا سقمونیا
از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند **حب الصبح**
ایاره فیقرا نیم مثقال افیون اسطوخودوس شاهتره نمک هندی
غاریقون از هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست هلیله زرد شحم حنظل
کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند
نسخه حب دیگر جهت صرع ایاره فیقرا تربد سفید از هر یک درمی
حب النیل انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا
خصیة الثعلب از هر یک نیم دانگ محموده دانگی کوفته و بیخته
بگلاب حب سازند **حب دیگر** جهت آتشک **صفته** ایاره فیقرا
یک مثقال تربد سفید یکدرم غاریقون لاجورد مغسول پوست هلیله زرد

سورنجان از هر یک نیم درم سقمونیا دانگی و یک طسوج افیمون
کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند **حب هلیله**
جرب و حکه را نافع باشد **صه** پوست هلیله زرد پوست هلیله
سیاه از هر یک دانگی کوفته و بیخته حب سازند **حب استسقا**
صرع را مجربست **صفه** ایارج فیقرا زبد سفید غاریقون از هر یک
درمی شحم حنظل حب النیل اسطوخودوس سکبینج از هر یک دانگی و نیم
بزر بیدان از هر یک نیم درم کثیرا دانگی کوفته و بیخته حب سازند
حب فالج ایارج فیقرا زبد سفید غاریقون از هر یک نیم درم
شحم حنظل مصطکی از هر یک دانگی محموده نیم دانگ بآب رازیانه
حب سازند **حب استسقا** زبد سفید درمی ریوند چینی نیم درم
غاریقون زراوند مدحرج زراوند طویل از هر یک دانگی و نیم
مقل الیهود تخم الجزر تخم کرفس از هر کدام دو دانگ فرفیون بروغن گل

بپرورده

جرب کرده دار و را کوفته و بیخته بآب خالص حب سازند
حب دیگر جهت استسقا **صفه** ایارج فیقرا زبد از هر یک نیم دانگ
غاریقون اسارون ریوند افسنتین رومی تخم الجزر از هر یک نیم دانگ
نمک هندی دانگی مقل دو دانگ رب رازیانه تخم کرفس از
هر یک نیم درم محموده دانگی و نیم بآب خالص حب سازند
حب صبر ایارج فیقرا زبد سفید صبر سقوطری از هر یک سقمونیا
حب النیل سقمونیا تخم حنظل نمک هندی از هر یک نیم درم افیمون
درمی فلفل مصطکی کثیرا از هر یک دانگی بآب رازیانه حب سازند
حب بهق زبد سفید یک درم و دانگی و نیم غاریقون ایارج فیقرا افیمون
از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه شطرج عصاره افسنتین
از هر یک دو دانگ سقمونیا سه نخود مقل و افیمون از هر یک دانگی
بآب حب سازند **حب القوه** زبد سفید یک درم و نیم ایارج فیقرا

افثیمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه غاریقون[?] عصاره و
افسنتین از هر یک دو دانگ سقمونیا سه نخود مقل انیسون از
هر یک دانگی با آب حب سازند **حب عشا** زبد یکدرم ایارة فیقرا
افیتمون از هر یک چهار دانگ سورنجان نیم درم ماهی زهره
زنجبیل از هر یک دو دانگ محموده مقل از هر یک دانگی با آب حب سازند
حب رعشه و تشنج زبد سفید یکدرم پوست هلیله کابلی
غاریقون از هر یک نیم درم بوزیدان جبر از هر کدام چهار دانگ
گل سرخ دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ با آب حب سازند
حب رعشه و تشنج دیگر سنبل صعتر[?] سه درم زبد یکدرم تخم
سورنجان چهار دانگ بوزیدان ماهی زهره قنطوریون
دقیق از هر یک دو دانگ با آب حب سازند **حبی که درد**
نقرس در ساعت بنشاند انیسون زیره کرمانی فلفل سفید

دار فلفل

دار فلفل مغز حب القرع تخم کاجره از هر یک دو درم بسفایجه
یکدرم زنجبیل فرفیون از هر یک چهار درم مصطکی شش درم
سورنجان بیست درم با آب رازیانه حب سازند شربتی دو درم
با آب زیره بخورند **حب جا** زبد یکدرم و نیم غاریقون ایارة فیقرا
از هر یک چهار دانگ قنطوریون رقیق ماهی زهره عصاره افسنتین
از هر کدام دو درم تخم حنظل سقمونیا از هر یک سه حبه مقل و انیسون
از هر یک دانگی با آب رازیانه حب سازند **حب اختلاج** زبد سفید
یکدرم و چهار دانگ افثیمون نیم درم عصاره غافث افسنتین از
هر یک دانگی و نیم تخم حنظل مقل ازرق انیسون مصطکی از هر یک دانگی
با آب حب سازند **حب مفاصل** زبد یک مثقال سورنجان نیم درم
تخم حنظل حب النیل نمک هندی زنجبیل محموده از هر یک دانگی و نیم
ایارة فیقرا یکدرم گل سرخ انیسون مصطکی از هر یک دانگ کتیرا

[illegible]

طبوخ آب خالص حب سازند **حب ریوند** ترید یکدرم
ایرسا نیمدرم ایاره فیقرا غاریقون از هر یک دانگی محموده دانگی
مقل دو دانگ بنفشه نیمدرم با آب حب سازند **حب رعشه**
ایاره فیقرا عاقرقرحا از هر یک نیمدرم جندبیدستر شیطرج هندی زرنج
از هر کدام چهار درم محموده دانگی و نیم غاریقون چهار دانگ حضض
عاقرقرحا دو دانگ با آب کاسنی حب سازند **حب نافع**
جهت نقرس حار نافع است **صفه** سورنجان درمی محموده
دانگی و نیم تخم کرفس دانگی صبر یکدرم با آب خالص حب سازند **حب دیگر**
که بلغم را از مفاصل و سرون جذب کند **صفه** سعد سورنجان بوزیدان
از هر یک نیمدرم ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ تخم حنظل
دانگی و نیم فرفیون دانگی با آب حب سازند **حب دیگر** که وجع ظهر را نافع
باشد **صفه** شحم حنظل سکبینج از هر یک دو درم صبر چهار درم جندبیدستر

مقل از هر یک

مقل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم
حب ریونا از وجع مفاصل و درد نقرس باصلاح آورد **صفه** صبر سقوطری
تربد سفید از هر یک هشت درم پوست هلیله زرد و بوزیدان سورنجان
از هر یک دو درم افتیمون سقمونیا از هر یک یکدرم با آب حب سازند
شربتی سه درم با آب گرم **حب لاجورد** سودا را دفع کند و امراض
سوداوی را نافع باشد **صفه** لاجورد مغسول سه درم قرنفل انیسون
سقمونیا از هر یک درمی غاریقون نیمدرم افتیمون بسفایج از
هر یک چهار درم ایاره فیقرا شش درم با آب کرفس حب سازند
شربتی درمی با ماء الجبن **حب کوتولی** اعضا سر و معده را از
اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و داء الثعلب را نافع باشد و چون
یکدرم از این حب و یکدرم ایاره فیقرا حب کرده بخورند چشم را
روشن گرداند و مانع نزول آب گردد و اخلاط فاسده را از بدن

کند صفة صبر سقوطری سقمونیا تخم حنظل عصاره افسنتین مصطکی
از هر یک دانگی کثیرا نیم دانگ با آب حب سازند حب العشره لقوه و رعشه
و فالج را نافع باشد صفة زنجبیل فلفل آمله سعد مصطکی دارچینی سنبل
سلیخه اسارون از هر یک دو درم صبر سه درم با آب کرفس حب سازند
شربتی دو درم حب الصدر سرفه کهنه و ربو و ضیق النفس و امراض سینه را
نافع باشد صفة غاریقون تربد سفید از هر کدام سه درم اصل السوس
تخم حنظل ایارج فیقرا تربد از هر یک دو درم با آب حب سازند شربتی
یکمثقال با ماء العسل حب مسهل صبر نیم مثقال ریوند نیم مثقال مصطکی نیم
مثقال زعفران دو دانگ کثیرا دانگی سقمونیا دو دانگ پوست هلیله
زرد دو دانگ بادیان دو دانگ بگلاب حب سازند حب الملوک
نافعست کسی را که از مسهلات بد طعم کراهت داشته باشد و مسهل را
قی کند صفة تربد سفید یکدرم و چهار دانگ پوست هلیله زرد مصطکی

هلیله سیاه

هلیله سیاه از هر یک دانگی و نیم افتیمون نیم درم گاوزبان فرنجمشک
بادرنجبویه محموده طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک دانگی کوفته
و بیخته بگلاب حب سازند حب الملوک دیگر قولنج کهنه را و بادهای غلیظ
دفع کند صفة صبر سقوطری نیم درم تربد ده درم پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هندی دو درم مصطکی
زعفران سادج هندی قسط سلیخه ریوند چینی سنبل زنجبیل انیسون
تخم کرفس قرنفل فلفل خربوا دارچینی کثیرا اقاقیا از هر یک نیم درم
سقمونیا دو مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته حب سازند بگلاب شربتی
سه درم حب افتیمون اعضا و سر و معده را از سودا پاک کند صفة
ایارج فیقرا فلفل غاریقون تخم حنظل حجر ارمنی افتیمون از هر یک دو درم
و نیم سقمونیا یکدرم تربد شش درم با آب حب سازند شربتی دو درم
حب بسفایج بلغم و سودا را از دماغ و معده پاک کند صفة ایارج فیقرا درمی

بنفشج دو درم تخم حنظل شش درم افتیمون اسطوخودوس از هر یک
دو درم و نیم سقمونیا یکدرم و نیم زنجبیل شش درم با آب حب سازند شربتی
دو درم و نیم **حب دیگر** جمیع مواد سودایی و صفرایی را نافع باشد **صفه**
پوست هلیله شش درم هلیله املج مقشر گل سرخ نمک هندی از هر یک
دو درم ایارج فیقرا پنجدرم شاهتره سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک
سه درم تخم کرفس پنجدرم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته با آب کاسنی
حب سازند شربتی سه درم **حب سعال** صمغ عربی نشاسته کتیرا
از هر یک سه درم مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز خیار از هر یک
دو درم مغز بادام مغز خشخاش سفید از هر یک چهار درم
کوفته و بیخته شکر طبرزد و فانیذ از هر یک هفت درم بلعاب
بزرقطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس و مقل
از هر یک چهار درم اضافه نمایند **حب سعال دیگر** نافع اطفال را

که از بسیاری

که از بسیاری سرفه قی کند و سرفه خشک که مانع از خواب باشد
و نوازل حاره را دفع کند **صفه** نشاسته صمغ عربی رب السوس
خشخاش سفید افیون مساوی کوفته و بیخته بلعاب به دانه حب سازند
هر حبی بمقدار نخودی **حب سعال بارد** مغز بادام تخم خیارین
صمغ عربی نشاسته خشخاش سفید از هر یک درمی رب السوس
دو درم باقلا سه درم بلعاب بزرقطونا حب سازند **حب سعال حار**
پوست بیخ رازیانه پرسیاوشان تخم کرفس رب السوس مغز
بادام مساوی کوفته و بیخته با آب حب سازند **حب سعال کهنه** و دق
و سلول را نافع باشد و سرفه گرم و خشک را ببرد **صفه** صمغ عربی کتیرا
مغز بهدانه تخم خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید از هر یک
سه درم مغز بادام باقلا مقشر تخم کدو از هر یک پنجدرم بلعاب
بزرقطونا حب سازند **حب دیگر** که سینه را پاک کند و آواز صاف گرداند

وحرارت وسرفه دایم را نافع بود صفة مغز بادام تلخ بزرگ
لوبات کرده جلقوزه از هر یک دو درم کتیرا انیسون صمغ
عربی اصل السوس رب السوس از هر یک نیم درم فانید
وقند از هر یک چهار درم با رب رازیانه وقدری عسل
حب سازند حب سعال دیگر سرفه خشک را نافع بود صفة نشاسته
صمغ عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کتیرا
کوفته وبیخته بلعاب بهدانه حب سازند حب المسک بوی دهن
خوش کند ولثه را قوت دهد صفة قلفل خولنجان عاقرقرحا
از هر یک درمی گل سرخ صندل هلیله از هر یک دو درم طباشیر
نیم درم مشک وکافور از هر کدام دانگی کوفته وبیخته بگلاب حب سازند
حب دیگر که همین خاصیت دارد صفة قاقله جوز بوا قرنفل کافور
دارچینی خولنجان فوفل از هر یک درمی مشک دو دانگ پوست

ترنج

ترنج کبابه بسباسه از هر یک مثقالی سعد دو درم بگلاب
حب سازند حب النکهة که همین خاصیت دارد صفة مشک قرنفل
قرفه جوز بوا سعد سنبل پوست ترنج عود خام مساوی با آب
زردالو حب سازند هر یک مقدار نخودی وهر صباح وشب
یک حب در دهان نگاهدارند حب صینیه که فرنگیان جهت
آتشک استعمال میکنند ومجربست صفة زیبق بیست درم مصطکی
پنج درم ماه زهرین نصف شنجرف گلاب ده درم آب لیمو
ده درم همه را حب سازند هر شب دو حب بمقدار فندق بخورد
تا بیست روز یا ماهی که نافعست حب دیگر که بوی سیر وپیاز
وشراب از دهن ببرد صفة پوست ترنج مرزنجوش زنجبیل کبابه
بسباسه سعد از هر یک پنج درم مشک طباشیر از هر یک نیم درم
عنبر نیم مثقال صندل سوده بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی

بگلاب حب سازند **حب دیگر** که همین عمل کند **صفته** کبابه چینی قرنفل
قرفه طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر نیم درم عود یکدرم
کوفته و بیخته که صمغ عربی منقوع باشد سرشته حب سازند **حب**
مقل قابض خون رفتن از بواسیر باز دارد **صفته** هلیله سیاه پوست
هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر از هر یک ده درم رجال
کهربا از هر یک درمی مقل را در آب آهنگران حل کنند و دوا را
صلایه کرده بان بسرشند شربتی دو درم **حب مقل دیگر** که همین خاصیت دارد **صفته**
هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو سی درم کهربا ده مثقال مقل
برابر هم باب حل کنند و ادویه دیگر را کوفته و بیخته بان بسرشند
و حب سازند شربتی دو درم **حب ممسک** طبیعت بندد و خون رفتن باز
دارد **صفته** سماق دو درم مازو یکدرم پوست انار نیم درم حب الاس
ده درم عجم زبیب دری کوفته و بیخته بلعاب صمغ عربی حب سازند
شربتی دو درم

شربتی دو درم با آب مویز بدهند و از عقب آن پاره ای مربی
باز خورند **حب دیگر** که اسهال خون باز دارد **صفته** مازو گزمازج افیون
مساوی حب سازند شربتی دو دانگ **حب دیگر** که اسهال بلغمی
باز دارد **صفته** قرفه جند بیدستر افیون مساوی کوفته و بیخته حب
سازند برابر فلفلی شربتی سه حب تا پنج حب بدهند **حب دیگر** اسهال
کهنه را نافع باشد گاهی که از حرارت و تب باشد **صفته** جند بیدستر
اسارون میعه سایله بزرالبنج سیاه کندر مساوی ها حب سازند
شربتی دو درم **حب دیگر** که در ساعت شکم را ببندد **صفته** افیون
یکدرم اقاقیا دو درم گل گز سماق حب الاس از هر یک چهار درم
کوفته باب صمغ عربی در آن منقوع باشد حب سازند شربتی نیم مثقال
حبی که نقوط تمام آورد و در ابطال انزال اثر تمام دارد **صفته**
عود خام قرنفل از هر یک سه درم زعفران نیم درم تخم بالنکو دو درم

دار فلفل تخم بابونه برداريد از هر يك درمی كوفته و بيخته با قند بقوام
آورده برشته حب سازند هر يكی مقدار نخودی حب ديگر كه مسكن
اوجاع است صفت مصطكی حب الغار مرمكی زعفران فلفل قرنفل
جند بيدستر سنبل هندی عاقرقرحا از هر يك مثقالی سكر و انكی افيون
يك مثقال و نيم بگلاب حب سازند شربتی يكدرم حقنهٔ لينه امراض
حاره حميات و برسام را نافعست و طبع را نرم كند صفت
عناب سپستان بنفشه شعير مقشر نيم كوفته سبوس گندم خطمی خشك
اكليل الملك از هر يك كفی انجير ده عدد در سه رطل آب بجوشانند
تا برطلی آيد و پالايند و شكر سرخ پنج درم روغن بنفشه بادام
ده درم روغن كنجد ده درم انگبين پنج درم اضافه نمايند و نيم
گرم حقنه كنند حقنهٔ لينه ديگر انجير ده عدد اصل السوس ده درم
سپستان سی عدد كشك جو يك كف بنفشه نيلوفر از هر يك پنج درم
بابونه يك كف

بابونه يك كف جمله را در آب بجوشانند تا بنيمه آيد صاف كنند
ده درم لعاب بزرقطونا بيست درم روغن بنفشه بادام ده
درم انگبين ده درم بوره ارمنی يك درم نمك اضافه نمايند
و بيست درم شكر سرخ در آن حل كنند و به نوبت برزنند
حقنهٔ معتدله حلبه بزرگ انجير عناب سپستان خطمی بابونه اكليل الملك
خشك شبت سبوس گندم از هر يك كفی بپزند چنانكه رسيد
و پالايند ده درم فانيد دو درم بوره ارمنی و يك درم
نمك هندی و يازده درم روغن شيرخشت اضافه كنند و نيم گرم
عمل نمايند حقنهٔ حاده شحم حنظل افتيمون بسفايج از هر يك دو درم
فودنج يك كف بپزند و پالايند و بيست درم شكر سرخ و ده
درم روغن بابونه اضافه نمايند و استعمال كنند حقنهٔ ديگر قولنج ريحی را بكار آيد
درد پشت و بادهای غليظ را نافع بود صفت حلبه بزرگ

قنطوریون بابونه خشک نیم کوفته خطمی از هریک کفی انجیر سی عدد
عناب سپستان از هریک سی دانه سبوس گندم برگ چغندر
برگ کرنب شبت سداب از هریک دو دسته سکبینج مقل جاوشیر
از هریک سه درم مغز تخم کافیشه کوفته پنج درم بپزند و بپالایند
خیارچنبر بیست و یکدرم نمک هندی و دو دانگ شحم حنظل و ده درم
انکامه و پنج درم شکر سرخ اضافه کنند و استعمال نمایند حقنه دیگر
استرخا و فالج و امراض بلغمی را نافع باشد صفت سنای مکی پنجدرم
شبت پنجدرم بابونه کافیشه نیم کوفته و بیدانجیر نیم کوفته از هریک
کفی برگ سیاوشان در جبوبه قنطوریون از هریک دو درم
شکر سرخ پانزده درم انکامه ده مثقال آب برگ چغندر روغن
زیت از هریک ده درم نمک بوره ارمنی از هریک نیم درم
بطریق معهود عمل نمایند حقنه دیگر قولنج بگشاید صفت سنای مکی
پنج مثقال

پنج مثقال گاوزبان خشک شبت از هریک سه درم رازیانه
انیسون بسفایج از هریک دو درم بابونه سبوس گندم گل خطمی
از هرکدام کفی گل سرخ تازه دوازده عدد روغن زنبق گل سرخ
شکر سرخ آب برگ چغندر از هریک ده مثقال انکامه گل قند آفتابی
از هریک ده درم بوره ارمنی نیم درم تخته و صاف کرده چنانکه
رسمست عمل نمایند حقنه که زحیر و دوده و اسهال صفرایی اسود
دارد صفت آب برگ خرفه لسان الحمل از هریک چهل مثقال تخم
مرغ بروغن گل آمیخته یکی بیضه اقاقیا نیم درم دم الاخوین چهار دانگ
کاغذ سوخته سفیداب کبریا مرجان گل مختوم از هریک درمی
بیکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند حقنه دیگر که قروح امعا را
و اسهال دموی را نافع باشد صفت کشک جو برنج برشته نیم کوفته
از هریک سی مثقال بپزند و بپالایند سفیداب برشته اقاقیا

از هر یک نیم درم زعفران شیاف ابیض از هر یک یک درم زرده
تخم مرغ عددی بده درم روغن حل کرده چکد بگرم یا سرد
در استعمال نمایند **باب الخامس مبيض** و درد معده و احشا
و جگر را نافع بود و هاضمه را قوت دهد و از برای پیران بسیار
مفید باشد **صفت** شراب کهنه دو رطل عسل صاف سه رطل
زنجبیل ده درم قاقله خیربوا زعفران از هر یک مثقالی قرنفل و مشک
از هر یک نیم درم دارچینی فلفل از هر یک درمی ادویه را نیم کوفته کنند
سوای مشک و زعفران که در کیسه کنند و سر کیسه محکم ببندند و
شراب و عسل بجوشانند و کیسه را دران افکنند و هر ساعت
بدست بمالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را برآرند و
مشک و زعفران را دران حل کنند و نگاه دارند **خضاب مجرب**
مازو بزیت چرب کرده بر تابه بریان کنند تا شکافته شود و
سیاه گردد

و سیاه گردد ده از ان بیست درم راسخت ده درم شب یمانی
دو درم ملح اندرانی یک درم این جمله را خورد بسایند و آب
پوست جوز یا آب اسفند یا آب حنا یا آب املا یا آب شقایق
تا اسباله مجموع یا انچه حاضر باشد گرم کنند و بدان سرشند و تا
سه ساعت بگذارند تا چون خمیر آید انگاه در موی مالند و برگ
جوز یا برگ چغندر بر روی نهند تا بماند و تا شش ساعت
بگذارد و بعد از ان با آب سرد بشویند و اگر پوست روی سیاه
گردد باب باقلا و نخود باید شست تا سفید شود **خضاب** که موی را
سیاه کند **صفت** مازو رطلی کتیرا روی سوخته شب یمانی از
هر یک نیم درم توتیا در چهار درم نمک اندرانی دو درم مازو
را در روغن زیت بجوشانند تا شق شود و ادویه دیگر را
بکوبند و با آب گرم سرشند و بگذارند تا چهار ساعت بگذرد

و بعد از آن سر و ریش را بشوید و بگذارد تا خشک شود و خضاب
را بمالد و بعد از شش ساعت باب نیم گرم بشوید **خضاب دیگر**
وسمه چهل درم حنا پنج درم کوفته و بیخته روغن گل چرب کنند و باب
گرم سرشته شب بمالند و صباح بشویند **خضاب دیگر** گل شقایق ده
درم املج مغز پوست بلادر تر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته برگ
برشتند و بیست روز در آفتاب نهند و سرکه گاه گاه اضافه
کنند و بعد از آن استعمال نمایند **خضاب دیگر** باید که یک گردکان هندی
بگیرد و اندرون آن باهن لطیف باریک بیرون آورد و
هم وزن آن عسل و نیم وزن شقایق النعمان هر سه را با هم بکوبد
و بطرفی مجوف سازد و در آن پوست گردکان کنند و سرش را
بموم گیرد و در میان سرگین دفن کند تا یکماه یا بیشتر آنگاه برگیرد
اگر سیاه شده است بعد عمل رسیده و اگر نه باز بگذارد تا خوب
سیاه شود

سیاه شود بعد از آن مقدار مثقالی برگیرد و بر موی مالد چنان
سیاه شود که پر زاغ و هرگز سفید نشود **خضاب دیگر** یک رطل شقایق
و نیم رطل پوست گردکان تر در شیشه کنند و در سرگین تر دو هفته
دفن کنند بشرطی که چهار درم روی سوخته در شیشه و بالای آن
کنند بعد از دو هفته هر گاه با آب آن موی را شانه کنند بغایت
سیاه گرداند و اگر دست زنان بان خضاب کنند خضاب
عجایب شود **خضاب دیگر** جوز السرو در سرکه جوشانیده بیست درم
مازوی سبز در روغن زیت جوشانیده تا سوخته شود شش درم
مس سوخته پوست گردکان تر از هر یک ده درم پر سیاوشان
شب یمانی اقاقیا املج از هر یک شش درم قرنفل دو درم کوفته
و بیخته باب گرم سرشتند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت
بشویند **خضاب دیگر** پوست گردکان شب یمانی پوست انار مس سوخته

لادن مساوی کوفته و بیخته با آب گرم برشند و خضاب کنند
و بعد از سه ساعت بشویند **خضاب دیگر** حنا چهار درم و تخم [illegible]
روی سوخته شب یمانی نمک اندرانی مازوی سبز بریان کرده
در روغن زیت خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته و بیخته با آب
گرم برشند و خضاب بکنند **خضاب دیگر** شکوفه کردکان یک مثقال و روغن
زیت صلایه کرده استعمال نمایند و بعد از شش ساعت با آب گرم
بشویند **باب الدال دواء البسنه** و از ادویه الملوک نیز
گویند اوجاع مفاصل و بواسیر و ناسور و برص و بهق سفید و سیاه
و جذام را نافع بود و حواس را قوی و باه را زیاده کرداند
و هر که این معجون استعمال کند موی او جز انکه سفید شده سفید نشود
صفت هلیله سیاه بلیله املج از هر یکی سی و هشت مثقال شونیز
بیست و چهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلفلمویه از هر یکی

بیست و دو مثقال

بیست و دو مثقال کبابه عسل بلادر از هر یک شش مثقال فانید
شصت مثقال فانید را کوفته در آب [illegible] کنند و در آب [illegible]
دواروها کوفته و بیخته بلادر با آن بسرشند و اقراص سازند
هر قرصی دو مثقال و دانگ و نیم و هر بامداد از آن بخورند و
در آن سال که این معجون خورند از ترشیات و لبنیات
پرهیز نمایند **دواء المسک حار** ضعف معده و دل و خفقان
و صرع و ضیق النفس و فالج و لقوه و تربیع و بادهای زنان
را بستن را دفع کند و رنگ را نیکو گرداند **صفت** زرنباد و درونج
از هر یک درمی مروارید نا سفته کهربا بسد ابریشم مقرض از
هر یک نیم درم بهمن سفید و سرخ [illegible] و ج هندی سنبل الطیب
قاقله قرنفل جندبیدستر و [illegible] از هر یک چهار دانگ زنجبیل
دارفلفل از هر یک دو دانگ و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند که [illegible]

ندیده باشد برشند و بعد از چهار ماه استعمال نمایند شربتی
از یکدرم تا دو درم کافی باشد **دواء المسک بارد**
کهربا پنجدرم طباشیر پنجدرم ورق گل سرخ پنجدرم کشنیز چهار درم
گاوزبان هفت درم بهمن سه درم مروارید سه درم ابریشم
مقرض سه درم صندل سفید سه درم تخم خرفه پنجدرم مشک
یکدرم املج هفت درم دارچینی دو درم زعفران درمی عسل
وقند سه وزن ادویه **دواء المسک تلخ** رطوبات معده ببرد
وخفقان سوداوی وورم حنجره را نافع باشد فستین رومی
صبر سقوطری از هر یک هشت درم مشک ناردین ساذج هندی
مروارید ناسفته از هر یک دو درم جندبیدستر یکدرم و نیم
بعسل برشند شربتی یکمثقال **دواء المسک کبیر** صلابت
کبد وطحال ومعده واستسقا وبرودت معده را نافع باشد
دارچینی

دسه یکشب بدهد و بول براند و سنگ گرده و مثانه بریزاند
وبدن را لاغر کند **صفه** لک مغسول دو دانگ تخم کرفس جبلی
زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم کمافیطوس نوع فارسی
خشک از هر یک چهار درم جنطیانا زراوند مدحرج از هر
یک درمی صبر سقوطری سنبل از هر یک دوازده درم حب
بلسان کاکبینه مصطکی قصب الذریره اسارون مقل
از هر یک شش درم کندر چهار درم دار فلفل زراوند
طویل از هر یک سه درم و نیم رب السوس بیست و هشت درم
ریوند چینی حبه اذخر از هر یک دو درم فلفل قسط از هر یک
ده درم سیسالیوس سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون کنند
شربتی یکمثقال **دواء المسک صغیر** منافع ان قریب بکبیر است
صفه لک مغسول قسط تلخ نعناع اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل

از هر یک درمی ریوند چینی پانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی یکدرم بطبیخ افسنتین یا آب گرم **دواء الکرکم کبیر**
امراض جگر و سپرز که از سردی بود نافع باشد و سده بگشاید
و بادها دفع کند و گرده و مثانه را قوت دهد و بول براند
و استسقا را که بسبب ورم سپرز و جگر باشد سود دارد
زعفران دوازده مثقال اسارون و مو و فو و انیسون
و فطراسالیون و ریوند چینی از هر یک چهار درم سنبل
شش درم قسط سلیخه و فقاح اذخر و حب بلسان از هر
یک درمی رب السوس قوه جعده مصطکی غافث از هر یک
سه درم روغن بلسان پنج درم مر صاف چهار درم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی از یکدرم تا دو درم بماء العسل
دواء الکرکم صغیر منافع این قریب بمنافع کبیر است **صفت**

زعفران سلیخه

زعفران سلیخه سنبل از هر یک دو درم قسط فقاح اذخر دار
چینی از هر یک درمی کوفته و بیخته یکشبانه روز بشراب انگور
تر کنند و روز دیگر بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال
دبدروک سلیخه دارچینی از هر یک یکمثقال ورق گل سرخ
و حمر تا ده مثقال عسل سه وزن ادویه **دواء الکبریت**
امراض بلغمی و سوداوی و تبهای کهن با عرض و تنگی نفس و سرفه
بلغمی و عسر البول را نافع باشد و سنگ گرده و مثانه براند
و مضرت ادویه سمیه چون افیون و شوکران و بیش العاج
را دفع کند و از جهت گزیدن عقرب و رتیلا نافع باشد **صفت**
کوگرد زرد بزرالبنج سفید فودنج میعه سایله از هر یک
هشت درم سداب قسط تلخ از هر یک ده درم افیون
زعفران از هر یک دو درم سلیخه دوازده درم فلفل سفید

بیست درم کوفته و بیخته بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال
دهمریا بادها بشکند و وجع را نافع است صفت هزار اسفند حلبه از هر یک
سی درم درونج عقربی فلفل دار فلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه
قسط زعفران زنجبیل از هر یک ده درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی دو درم دوای الحلیث تب ربع و گزیدن
عقرب و رتیلا و مانند آن را نافع باشد و از جهت تب در
سکنجبین دهند و بعد از آنکه چهل روز گذشته باشد و از جهت
گزیدن جانوران زهردار در شراب باید داد صفت
حلیت سداب مر فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی بقدر نخودی دوای الماذریونه استسقا و اکثر
امراض سودایی و بلغمی را نافع بود صفت ماذریون در سرکه
خیسانند یکشبانه روز و در سایه خشک کنند یکدرم زیره
کرمانی

کرمانی نمک هندی پوست هلیله زرد از هر یک
نیم درم افتیمون تربد سفید از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
شربتی دو درم دوای التربد حبابات بلغمی را نافع باشد
صفت مصطکی زنجبیل از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم
شکر طبرزد چهل درم شربتی هر شب یکمثقال دوای الترنجبین
ضعف باه را که بسبب حرارت باشد نافعست صفت
ترنجبین سفید سی درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند تا بقوام
آید و هر شب دو ملعقه بنوشند دوای الخیک در تقویت
باه بی نظیر است صفت خیک خشک را بکوبند و بپزند و در
آب خیک تر کنند و سه شبانه روز در آفتاب بدارند
و هر روز تازه کنند چند آنکه آب خیک تر سه روز آن خشک
خشک بکار برد و پس خشک کنند و سه درم از آن باده

ده درم شیر تازه و ده درم نبات بنوشند و سرد
زاج قدری زنجبیل کوفته و بیخته اضافه نمایند **دواء البصل**
تولید منی کند و نعوظ آورد و بغایت مقوی باه بود
صفته آب پیاز گرفته و عسل دو جزو بجوشانند تا بقوام آید
و در وقت خواب دو ملعقه از آن بنوشند **دواء الورس**
جهت ضعف معده که سبب آن برودت و رطوبت بود
نافع باشد **صفته** هلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده ده درم
خرف مقلو پنج درم نانخواه صعتر فارسی از هر یک سه درم خبث الحدید
ده درم شربتی دو درم با شراب کهنه **دواء الخطاطیف**
خناق بلغمی و سودایی را نافع باشد چون بدان غرغره کنند
یا بر خارج طلا کنند **صفته** تخم کرفس انیسون نانخواه هزار اسفند
دارچینی مرزرا وند طویل زعفران از هر یک ده درم گل سرخ نیم درم

بیست درم

[...] درم قسط و رماد الخطاطیف از هر یک سی درم
[...]سته سنبل از هر یک پنج درم مازوی سبز ده عدد
کوفته و بیخته بعسل سرشته استعمال نمایند **دواء الحرمل**
همین خاصیت دارد **صفته** هزار اسپند تخم ترب حلتیت
زراوند ارمنی نوشادر مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند
دیاقودا منع نزلات کند و سرفه خشک را نافع و مفید باشد
صفته خشخاش سفید با پوست بیست عدد تخم خطمی کثیرا صمغ عربی
تخم خیارین بهدانه شیرین از هر یک پنج درم اصل السوس بیست درم
بزر قطونا ده درم مجموع در شش رطل باران خیسانیده دو شبانه روز
تا نرم شود پس هاش بملایم بپزند تا مهرا شود و بنیمه آید بعد از آن صاف
کنند و یکمن قند سفید اضافه نمایند و بقوام آورد **دیاقوداء دیگر**
قریب المنفعت به نسخه اول **صفته** خشخاش سفید با پوست

خشخاش سیاه از هر یک ده مثقال اصل السوس سه درم
بنفشه صمغ عربی از هر یک پنج مثقال آب انار ترش شش مثقال
قند سفید صد درم شربت سازند چنانکه رسم است دیگر بدیک
اکلو نا سور و لحم زاید را نافع باشد صفت زنگار سرخ و زرنیخ زرد از
هر یک شش درم مرمکی ده درم آهک آب نادیده ده درم زنگار یکدرم
کوفته و بیخته با سرکه کهنه بسرشند و قرص سازند داروی که موی را سیاه
دراز کند صفت برنجاسف برگ مورد شونیز بریان کرده مساوی
کوفته بروغن مورد یا روغن بید سرشته استعمال نمایند داروی که گند پاها
ببرد صفت شب یمانی در آب حل کنند و پای را در آن بشویند با موم مالند
داروی که حب القرع و کرم دراز شکم را اخراج کند صفت قنبیل ترمس
حب النیل از هر یک یکدرم درمنه ترکی دو درم زیره و برنگ کابلی
از هر یک یکدرم نمک هندی دانگی کوفته و بیخته با شیره و شکر امیخته بنوشند

داروی که

داروی که همین خاصیت دارد صفت برنگ کابلی ترمس از هر یک
سه درم زیره سفید دو درم قنبیل یکدرم حب النیل یکدرم نمک هندی
درمی کوفته با مویز منقی سرشته تناول نمایند داروی که چون بر آتش
نهند از دود آن جانوران بگریزند صفت زفت رومی گوگرد زرد
شاخ گوزن بادآورد مساوی زفت را بگدازند و داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند و استعمال نمایند داروی که حبس عرق کند
صفت برگ مورد ورق گل سرخ صندل سرخ گلاب جوشانیده
جامه را تر سازند و بپوشند داروی که نافع است از جهت کرمی که در
گوش باشد صفت شراب دو درم عسل سه درم روغن یکدرم سفیده بیضه
مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط سازند و پشم پاره بدان تر
کنند و نیم گرم در گوش چکانند و در آن جانب تکیه کنند یکساعت
بعد از آن یکبار آن پشم را بیرون کشند کرم بیرون آید داروی

از جهت گزیدن عقرب و حیه بالخاصیه نافع باشد صفت
آهک برگ توت کوفته بروغن بنه بر محل زخم نهند یا آهک
بزر ده تخم مرغ بهم آمیخته بر زخم نهند درد ساکن گرداند و
اگر با قلا کوفته و بدوشاب بسرشند بر موضع گزندگی مالند در
دم درد ساکن گردد و اگر کژدم را در روغن بجوشانند و بالا
کسی را که کژدم بگزد آن روغن بر موضع نیش مالند درد ساکن شود
و اگر با عسل آن روغن بیامیزند چون کودک را اما در برآید نیم
درم بکام کودک بمالند اگر در همه عمر کژدم او را بگزد درد نکند
و اگر جگر گوش خر بر موضع گزیدگی عقرب بمالند درد ساکن کند
و اگر سرش برگ تره کشند و بمالند همین عمل کند و آن کژدم
که کسی را گزنده باشد بگیرند و بنمک سوده و بروغن چراغ گرم
کنند و بر زخم کژدم نهند همین عمل کند و اگر برگ تاک بکوبند و بر

موضع

و بر موضع درد نهند فی الحال ساکن گردد و اگر بخورند سود و اگر دیگر
کوفته بر زخم مار نهند نافع باشد داروی آتشک زیبق مقتول نیم مثقال
حنا لادن مصطکی سورنجان از هر یک دو درم زرد چوبه سفیداج مغسول
از هر یک سه درم روغن گل ده مثقال روغن زیت پانزده مثقال
آب لیموی ترش مثقال به برسی مثقال و اگر جراحت وانه باشد توتیا
و سفیداب و مرداسنگ از هر یک پنج درم زنگار نیم درم اضافه
نمایند و بطریق مرهم ترتیب نموده بدستور متعارف بمالند
داروی که بیهوشی آورد صفت افیون نیم درم خشخاش سیاه ده درم در
سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید و نیم رطل گندم پاک در آن
بجوشانند تا آب تمام نیست شود پس گندم را خشک کنند
و بکوبند و یک مثقال از آن هر کرا بدهند بخورد بیهوش گردد داروی دیگر
عمل کند صفت خشخاش سیاه تخم کاهو از هر یک نیم درم بزر البنج ده مثقال

بجوشانند و صاف کنند و با قند بقوام آورند مثقالی از آن مسکر باشد
و اگر اشنه در شراب کنند هر که بخورد بیخود شود و اگر خواهند که
مست زود هوشیار شود سرکه کهنه با گلاب بدهند یا دوغ گاو
با برف سرد کرده بنوشند داروی که نافعست از جهت حکه و جرب
و حکه سعفه و از قشمشی کویند صفه پوست هلیله زرد و شش درم
سنا مکی شاهتره از هر یک دو درم افسنتین یکدرم و نیم کوفته و بیخته
کشمش کوفته برشند شربتی مقابل جوز داروی که شهوات و بیه زنان را
دفع کند صفه مصطکی یکدرم عود خام نیم درم زیره کرمانی دانگی و نیم
کوفته و بیخته با ده درم گل قند سرشته بنوشند داروی که نافعست
از جهت درد دندان که سبب آن حرارت باشد صفه افیون
نیم دانگ در روغن گل حل کرده و قدری پنبه بدان تر سازند
در بن دندان نهند نافع باشد داروی که نافعست از جهت درد دندان

که سبب برودت

که سبب برودت باشد و انرا تریاق الاسنان خوانند صفه
جند بیدستر حلتیت فلفل مرزراوند مدحرج زنجبیل میوه افیون
بزر البنج مساوی کوفته و بیخته بعسل برشند و بقدر ابدان کنند
در دندان نهند داروی که همین منفعت دارد صفه فلفل
عاقرقرحا مویزج زنجبیل از هر یک جزوی بزر هاربنی بنج و نیم
کوفته و بیخته بعسل سرشته استعمال نمایند داروی که درد دندان
سوراخ دار را نافع باشد صفه فلفل عاقرقرحا بارزد فلفل و
عاقرقرحا را بکوبند و به بارزد برشند و در سوراخ دندان گذارند
داروی که لثه را محکم کند و گوشت رفته را برویاند صفه کندر زراوند
مدحرج دم الاخوین کرسنه بیخ سوسن مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین
عنصلی برشند و استعمال نمایند داروی که درد دندان را ساکن
کند صفه عاقرقرحا مویزج از هر یک سه درم یکدرم ابستر تاره

بیست مثقال شیر گاو و ده مثقال جوشانیده حب سازند
و بروقت دادن بنهند و اگر سداب تازه با مویز سیاه بکوبند
و بروقت دادن بنهند عمل کند باب الثانی فی ذرورها در هیچ رمد
رمد را نافع باشد صفه انزروت پرورده بشیر خر نشاسته
صمغ عربی نبات مساوی کوفته بحریر بیخته استعمال نمایند
ذرور اصفر نافست از جهت کمنة المده و درد چشم که سبب
ان رطوبت باشد صفه انزروت مربا پنج درم شیاف
مامیثا دو درم صبر پنج درم افیون چهار دانگ زعفران نیم درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور اصفر دیگر انزروت سفید ده
درم صبر زعفران حضض از هر یکی دو درم مرصافی پنج درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور اصفر نوع دیگر که قرحه و مور
سرخ را نافع باشد صفه سرمه اصفهانی شادنج عدسی مغسول
کرده ذرور سازند

کرده ذرور سازند ذرور دیگر که ابتدا و رمد را نافع باشد صفه
اقلیمیا نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک دو درم کثیرا
پنج درم صمغ عربی چهل درم گل سفید شصت درم نشاسته
سی درم افیون ده درم کوفته و بحریر بیخته با آب باران پرورده
و ذرور سازند ذرور رمانی جرب و سبل و سعد را نافع باشد صفه
مامیران چینی پنج درم توتیای کرمانی پرورده شیخ سوخته پرورده
مس سوخته مغسول سرمه اصفهانی پرورده از هر یک ده درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور وردی مور سرخ و شبره و قرحه
رطبه را نافع باشد صفه سفیداب ارزیر سه درم اقلیمیا نقره دو درم
افیون دو دانگ صمغ عربی وردی نیم درم انزروت نیم درم مس سوخته
دو دانگ دو حبه شادنج مغسول چهار دانگ کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذرور انزروت که قرحه را پاک کند صفه نشاسته سه درم انزروت

مرّبی اسفیداج رصاص از هر یک دو درم کوفته و بیخته ذرور سازند
ذرور سبل بیاض را نافع و چون در قرنیه نتو باشد **صفت** سرگین خطاف
عاقرقرحا از زرد و ست زنگار زنجفر یا اقلیمیا کوفته و بیخته بسبل مصفی
مجوف سازند و استعمال نمایند **ذروری** که دمعه و جرب و ضعف
بصر را نافع باشد و پران را موافق باشد **صفت** توتیای مغسول اشاسته
سفیداب ارزیز پوست هلیله زرد جو برابر از هر یک یکدرم فلفل
دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند **ذروری** که نافعست از جهت درد
چشم کهنه و سرخی و آب دمیدن **صفت** توتیای مغسول اشا پسته سفیداب
ارزیز بمساوی کوفته و بیخته ذرور سازند **ذروری** که نافعست از
جهت جرب و سبل و ظفره و اکله جفن **صفت** اقلیمیا صمغ عربی سه درم
زعفران فلفل شنگرف لاهم یک دو درم افیون صلایه کرده استعمال
نمایند **ذرور ظفره** شیاف مامیثا سادج هندی ماما از هر یک دانگ نیم

مرّه فلفل

مرّه فلفل زنگار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته ذرور سازند
ذرور دیگر که از جهت درد چشم اطفال نافع باشد **صفت** انزروت مربی
چشمک از هر یک ده درم مامیران دم الاخوین از هر یک
دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند **ذرور کهنه** دار فلفل دو دانگ
هلیله زرد حضض مر از هر یک ده درم زبد البحر یکدرم مامیران
دو دانگ صبر دانگی و نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند **ذرور سبل**
توتیای مغسول دو مثقال مامیران چینی دو درم زبد البحر دو درم
حضض مکی صبر سقوطری دار فلفل پوست هلیله زرد از هر یک
یکدرم انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی یکمثقال کوفته
و بیخته ذرور سازند **ذرور بیاض** سادج هندی شش درم [illegible]
سرمه اصفهانی توتیا [illegible] از هر یک سه درم شادنج عدسی
مغسول مرجان از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران چینی

از هر یک یکدرم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور کافوری نافع باشد
از جهت حرارت چشم و رمد صفت صدف سوخته مروارید ناسفته
از هر یک دو درم نشاسته درمی کافور دانگی صلایه کرده
ذرور سازند ذرور اربعه گوشت برویاند و خون رفتن
از جراحت باز دارد و در رعاف را نافع بود صفت انزروت مربی
مرکندر دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر
که همین خاصیت دارد صفت انزروت دم الاخوین کندر کلنار
گل ارمنی از هر یک نیم درم عدس مقشر یکدرم کوفته و بیخته ذرور
سازند ذروری که گوشت فاسد شده را بخورد و سر جراحت
به بندد و سخت کند و در وقت به شدن و در اول سر جراحت
بگشاید و تری بر چیند و گوشت برویاند صفت انزروت
چهار درم دم الاخوین دو درم گل مختوم مروارید سنگ هر کندر
از هر یک یکدرم نیم

از هر یک یکدرم و نیم گل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک دو درم و نیم
صبر سقوطری زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذروری که نافعست از جهت خروج مقعده و سوراخ
مقعده صفت سفیداب ارزیز کلنار شب یمانی مازو همه را
مساوی کوفته و بیخته مقعد را بروغن گل چرب کنند و بر آن
افشانند ذرور دیگر که استرخای مقعد را نافع باشد صفت
جفت بلوط مازو قشار کندر شخ سوخته کلنار شاخ گوزن
محرق مروارید سنگ صدف سوخته اقلیمیا مساوی صلایه کرده
ذرور سازند ذروری که همین خاصیت دارد صفت حب بلوط کلنار
جوز السرو کاغذ سوخته از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد پاشند
ذروری که سوختگی آتش و روغن گرم و مانند آنرا نافع بود صفت
مروارید سنگ آهک از هر یک قدری بکوبند و جای سوختگی را بروغن

کل جرب کنند و این دارو را بر انجا افشانند در دو

سه روز خشک شود **باب الراء روغن قسط** فالج ولقوه

ومعده وجگر را سود دارد و سیاهی موی پدید آرد **صفه**

قسط ده درم فلفل فرفیون از هر یکی سه درم عاقرقرحا چهار

درم جندبیدستر دو درم نیم شراب کهنه صد درم روغن زیت

پنجاه درم قسط فلفل عاقرقرحا را نیم کوفته در شراب خیسانند

یک شب و صباح بجوشانند تا به نیمه آید بعد از ان روغن زیت

دران ریزند و چندان بجوشانند که شراب برود و روغن

بماند بعد از ان جندبیدستر و فرفیون کوفته و بیخته در انجا ریزند

در زمانی که از آتش فرو گرفته باشند **روغن قسط** نسخه دیگر

که درد جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا را نافع باشد **صفه**

قسط قصب الذریره سنبل ساذج هندی میعه سایله پنج سوسن

قرنفل اشنه

قرنفل اشنه از هر یک بیست درم و آس خشک سلیخه عود بلسان

از هر یک ده درم مرصافی قرنفل از هر یک پنج درم مجموع را

نیم کوفته در سه من آب بریزند تا بیک من آید و با یمن روغن کنجد

بجوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن قسط** نوعی دیگر

جگر و معده را نافع باشد و چون بپاشانند و حول بر محلی که موی

رفته باشد بمالند موی برویاند و اعصاب را محکم گرداند **صفه**

قسط تلخ صد درم خرما جوز چهل درم سلیخه شش درم مجموع را

نیم کوفته در شراب خیسانند و یک شبانه روز دیگر بجوشانند

و بپالایند و سه چهار یک روغن زیت یا روغن کنجد بدان در ریزند

و بجوشانند تا روغن بماند **روغن قسط** نسخه دیگر امراض بارده

را نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظ و مقوی اعصاب است

صفه قرنفل سلیخه از هر یک ده درم قصب الذریره سنبل ساذج

از دو بوته
روغنی که مانع رنگ موی از علت بشود
که مجرب بود رانند و تجربه اوالفعلت فی رنگشیه
(جمع و آن عیدار موضع دار التغذیه را ابدار)
(استعمال این روغن دو سیاه میرود بیک ل)
رنگ موی و ده ل نیم مثقال در چهار صد مثقال
آب بجوشانند تا نصف از آن کس صاف نموده
با صد و بیست مثقال روغن کنجد بجوشانند تا آب بسوخته
روغن خالص بماند و شش مثقال لادن در رو
حل نموده استعمال کنند

قرفه اشنه جند بیدستر قسط از هر یک بیست درم بیخ بنفشه
سی درم مرزنجوش درم و خرم کوفته در آب بجوشانند تا مهرا شود
و بعد از آن صاف کرده ده درم روغن کنجد اضافه نمایند
و چندان جوشانند که آب برود و روغن بماند روغن شونیز
فالج و لقوه و تشنج را سود دارد صفه شونیز بیست درم مغز بادام
تلخ سی درم بکوبند و روغن از آن بکشند روغن افسنتین
معده و جگر و جمیع اعضا را قوت دهد صفه زیت یا روغن
بادام تلخ یا روغن زردالو تلخ نیم من افسنتین رومی تازه
دو سیر و نیم در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب بیاویزند
روغن فرفیون سرد دردها که از سردی بود زایل کند و فالج
و استرخا را سود دارد صفه قسط ده درم عاقرقرحا هفت درم
مویزج شش درم جمله نیم کوفته در چهار صد درم شراب کهنه

بپزند

[illegible]

بپزند تا سه بخش برود و یک بخش بماند و نصف آن روغن
خیری یا روغن بیامیزند و بپزند تا شراب برود و روغن
بماند پس در هر ده درم روغن دو درم فرفیون تازه
اندازند یک جوش بدهند و بردارند روغن سوسن
برودت و اختناق رحم را سود دارد و گرده و مثانه سرد
را گرم گرداند صفه سلیخه حب بلسان قسط از هر یک ده
قرنفل درم قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن سی عدد
زعفران ده درم زردی او سوسن زرد از آن یک رطل و
نیم روغن کنجد در شیشه کنند و داروها کوفته زردی آن گیرند
و در روز یک آفتاب بنهند و در سایه چهل روز بگذارند و
بیرون آورند و نگاه دارند روغن بید انجیر مسهل بلغم بود و اعصاب را
از بلغم پاک کند صفه بید انجیر بریان کرده تخم بکوبند و بجوشانند

وکف بگیرند ونگاه دارند تا اندک اندک تمام کف بر دارند
آب زردی پیدا بر داشتن می ماند آن آب را بزنند و
کف بجوشانند که تمامی روغن صاف میشود روغن پیه گرگ
از فالج ولقوه وسده جگر وسپرز را نافع بود دفع بلغم کند صفته
نانخواه صعتر فودنه کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون
از هر یک ده درم شیطرج مقل از هر یک پنج درم سلیخه جوشیر زرنباد و
درونج عقرقرحا از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی فاقله جوز بوا کبابه
دار فلفل جوز بوا بسباسه شونیز قسط کرویا از هر یک چهار درم
مجموع هم کوفته بخیسانند یکشبانه روز و بجوشانند تا نرم شود دوا بیالایند
وصد و پنجاه درم روغن پیه گرگ ساده بر روی آن کنند و بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند شربتی دو درم تا سه درم بماء الاصول
روغن ترب مانند روغن زیت بود و گرم تر از روغن پیه گرگ باشد

درد گوش را نافع و باد که در گوش بود دفع کند صفته آب ترب را
سه جزو بگیرند و روغن کنجد یک جزو و بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن خسک عسر البول را نافع بود صفته خسک ده مثقال
زنجبیل چهار مثقال و هم کوفته بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن که
بوییدن و مالیدن آن برسام و مالیخولیا را دفع کند صفته کدوی تازه
بستانند و پوست آن از آن بتراشند و با تخم بکوبند و آب آن بگیرند
چهار من و یک من روغن کنجد بر وی ریزند و بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند اما بهتر آن باشد که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند
مانند روغن بادام روغن ریحان فالج و درد زانو را نافع باشد صفته
آب ریحان دو جزو روغن کنجد یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن لاله سده برد و ورم را گرم کند صفته برگ لاله از نبات آن جدا کنند
و در شیشه کنند و روغن کنجد یا زیت بر وی ریزند و یک ماه در آفتاب نهند

روغنی که درد گوش که از گرمی باشد نافعست **صفه** روغن دانه
سفشا ده درم روغن بادام شیرین پنجدرم سرکه کهنه سی درم همه بیکدیگر
ممزوج کنند و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند و در گوش چکانند
روغن کندر درد گوش که از سردی بود زایل کند **صفه** کندر پنجدرم
صبر مرمکی مصطکی جند بیدستر حضض بکا زهره گاو از هر یک یکدرم
روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه چهل درم ادویه کوفته
با شراب و روغن بجوشانند تا روغن بماند و پالایند و در گوش چکانند
روغن مصطکی سده را بگشاید **صفه** روغن زیت پنجاه درم در شیشه
کنند و ده درم مصطکی بر وی ریزند و دیگی را تا نیمه آب کنند
و آن شیشه را در میان دیگ آویزند و آتش کنند تا آب بجوش آید
چندانکه مصطکی گداخته شود **روغن مورد** که موی را نگاه دارد
و اگر ریخته باشد برویاند **صفه** برگ مورد آب بگیرند [illegible] و روغن زیت
یکجزو

یکجزو با یکدیگر بجوشانند تا وقتیکه آب برود و روغن بماند
قدری لادن در آن اندازند تا بگدازد و فرو گیرند **روغن دیگر**
که موی را محافظت کند **صفه** پوست بلیله کابلی مازو برگ مورد
از هر یک جزوی در شراب ریحانی چندانکه بپوشاند بخیسانند [illegible]
و پالایند و بجز و روغن کنند و در آن ریزند و در هر صد درم روغن
ده درم لادن در وقت فرو گرفتن بیندازند تا بگدازد و فرو گیرند
و شب موی را چرب کنند و صبح در حمام بشویند **روغن دیگر** که موی را سیاه
دارد و دراز کند **صفه** سادج هندی حماما حضض مکی لادن آمله
از هر یک پنجدرم کوفته در سه رطل آب بپزند تا برطلی آید و یک
رطل روغن کنجد بر آن ریزند و بجوشانند تا که آب برود و روغن بماند
هر روز بر آب برگ چغندر موی بشویند و آن روغن بمالند **روغن دیگر**
که موی را سیاه کند و تا شش ماه سیاهی آن بماند **صفه** جوز مذکا

[illegible]

سر روا رند و مغز بیرون کنند و بجیده درم از ان مغز با ده درم
آمله و ده درم براده آهن و نیم درم بوره ارمنی در هم بیخ
خورد و در میان آن جوز کنند و سر آن محکم کنند و تمام
ان جوز در گل حکمت گیرند و در میان آتش اندازند و بیرون
آورند و روغنی که از ان زاینده شود در موی مالند که مدعا
حاصل شود روغن حنا که موی را سیاه کند و عرق النسا و اوجاع
مفاصل را نافع باشد صفته برگ حنا یکچارک در دو من آب بجوشانند
تا یکمن آید و پالایند و با همین روغن کنجد بجوشانند تا روغن
ماند روغن آمله موی را سیاه کند و قوی گرداند صفته آمله مقشر برگ مورد
پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته در آب بزنند تا مهرا شود
و صاف کنند و همچندان روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند
تا روغن ماند روغن بنفشه دو هفته بر هر موضع که مالند موی بروید
دیگر از بک

صفته بگیرند یک خربزه و سوراخ کنند و دانه بیرون ریزند و شش عدد
زرده تخم مرغ در اندرون آن خربزه ریزند با پنج سیر روغن زیت
و برگ مورد کوفته و براده آهن صلایه کرده از هر یک دو درم و
سوراخ خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یک شبانه روز در تنور
نهند و روز دیگر بیرون آورند و گل را از ان جدا کنند و آن خربزه
را با روغن زیت بمالند تا نرم شود و نگاه دارند روغنی که موی بافراط سیاه
آورد چون بر جبین مالند صفته نوشادر و نمک نبطی سپندان تخم جرجیر فلفل
زنجبیل گل گیخ مساوی نیم کوفته کنند و در آب بجوشانند تا مهرا شود
پس صاف نمایند و همچندان آب روغن بید انجیر بجوشانند چندانکه آب
برود و روغن بماند روغن بهی معده را قوت دهد و حبس عرق کند
و اگر بر روی گلاب کنند و بخورند اسهال باز بندد صفته
آب به دو جزو آب برگ مورد یک جزو روغن گل یک جزو بجوشانند تا آب برود

روغن ماذریونه استسقا را نافع باشد صفت برگ ماذریون یک چهار یک
در سه من آب بجوشانند تا به نیمه آید و سه وقیه روغن بادام در آن
افکنند و بجوشانند تا روغن بماند شربتی یک درم با شیر شتر اعرابی بنوشند

روغن بنفشه بادام سرد و تر بود جرب را مالیدن نافع بود و صلابت
مفاصل را نرم کند و در ناخن مالیدن جهت آنکه بهار دود ماغ
بجوابی کند صفت مغز بادام شیرین که تلخ در او نباشد سفید کنند و نیم کوفته خشک
کرده هر دو من بادام یکمن بنفشه بر رویش زنند و در خریطه
کرباس نو در روز در میان بنفشه رها کنند و بعد از آن بنفشه
از او جدا کنند و بنفشه تازه بر رویش زنند و همچنین ده کرت بنفشه بر
رویش زنند و چند روز در زیر جامه خواب نهند تا نیک بوی بنفشه
بر داده و بعد از آن صلق بادام زنند تا نیک خشک شود و بنفشه از آن
جدا کرده روغن بکشند چنانکه رسمست روغن بادام مستعمل بود در حرارت
بادیه

در برودت دماغ را نافع بود و فهم بیفزاید و اسهال مراری باز
دارد و درد سر که از گرمی بود سود دارد و چون در آب سرکه بیزند
صاحب جرب را نافع باشد چون بنفشه بادام است بجای بنفشه
ورق گل کنند هر ده من بادام ده من ورق گل سرخ کنند

روغن گل سرخ و سفید و شقایق و یاسمین و نرگس و سداب
و شبت در جه تازه باشد دستور آنست که در شیشه کنند
و در آفتاب آویزند روغن آجر که آن را دهن الجبار گویند خواص
بسیار دارد و گرم تر از نفط سفید بود و لطیف تر و امراض بارده را
بغایت مفید باشد جهت گزیدن عقرب و دیگر کسی که افیون و برنج
خورده باشد نافع باشد صفت آجر سرخ آب ندیده بادام بادام
کنند و در آتش اندازند تا سرخ شود و با انبر برگیرند و در روغن
زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند و خورد کنند و در شیشه

که بگل حکمت گرفته باشند کنند و برسرش موی اسب بگیرند
و بگلگلی نهند که سوراخ در ته او باشد و بر محکم کنند و آتش در آن
اندازند و چیزی در زیر شیشه نهند و روغنی که بچکد نگاه دارند
روغن سورنجان مفاصل را نافع باشد **صفت** سورنجان قصب الذریره
هم کوفته بخیسانند یک شبانه روز و دیگر بجوشانند تا خوب مهرا
شود و بپالایند و آب کرفس اضافه نمایند و با یک چهار یک
روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن کراث**
بواسیر را نافع بود **صفت** آب گندنا روغن کنجد نیم من با ده درم مقل
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن باتوره** جهت دفع
سرعت انزال نظیر ندارد و چون کف پا را بدان چرب کنند
صفت باتوره هندی از پوست پاک کنند و نیم کوفته در میان
شیشه گردن دراز کنند و سر شیشه را بموی اسب محکم کنند و شیشه را
بگل حکمت

بگل حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد زیت مانند
و بیخ کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را از آن سوراخ بیرون
آورند و در زیر شیشه پیاله نهند و کاسه را بر بالای پایه
نهند و آتش را بر بالای شیشه کنند در اندرون کاسه و روغنی
که از و بچکد نگاه دارند **روغن عقرب** سنگ مثانه را پاره پاره کند
و بیرون آورد **صفت** ریوند صینی سعد هندی جنطیانا پوست بیخ کبر از
هر یک یک وقیه روغن بادام تلخ یک رطل داروها کوفته در شیشه
کنند و روغن را بر آن ریزند و یک هفته در آفتاب نهند و بعد از آن
بپالایند و ده عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه ببندند و یک هفته
دیگر در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند و دو قطره از آن در
احلیل بچکانند **روغن باردین** منقول از قانون اوجاع بارده را
و قولنج و سعفه بجی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و در

کوفته ساکن کرده اند و چون در بینی چکانند صداع شقیقه بارده
را سود دارد و درد گوش را نیکو گرداند و رحم را گرم کند و چون در احلیل
چکانند امراض مثانه را نافع بود و این روغن اشرف روغنها باشد
و منافع او بسیار است صفت قصب الذریره سعد ورق الغار عود
بلسان گل ساوج هندی برگ مورد اذخر ابهل درسن قردمانا
ورد نجوش هر یک بیست درم مساوی هم کوفته در شراب ریحانی خیسانند
پس صاف کنند و سنبل رومی و قرنفل و میعه هم کوفته کنند با شراب ترش
و آن روغن صافی بجوشانند پس صاف کنند و در روغن بلسان
شصت درم با آن ضم کنند و بجوشانند تا روغن بماند روغن
ناردین بنوع دیگر اورام صلبه و معده را نافع بود صفت روغن بان
یک رطل سنبل نیم وقیه مصطکی قسط سعد اذخر قصب الذریره
از هر یک درم و نیم کوفته در شیشه کنند و سرش محکم سازند
دیگر صفت

محکم سازند و یک هفته در آفتاب گذارند و بعد از آن صاف کنند
و آن را دیگر باره با آن ریزند و همچنین تا سه نوبت بعد از آن
صاف کرده استعمال نمایند دهن العقرب سنگ گرده و مثانه
را بریزاند صفت بگیرند عقرب را در شیشه محکم کنند و در گل حکمت گیرند
و در تنور گرم نهند شش ساعت پس بیرون آورند کوفته و دیگر
پخته یک و آنگه استعمال نمایند باب الرابع در عوارض
پشت و گرده را محکم کند و معده را قوت بخشد و بلغم دفع کند
و بوی دهن خوش کند و آب از دهن روان باز دارد و بادها
بشکند و ریگ از مثانه پاک کند صفت تخم کرفس تخم گزر تخم
شلغم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ
نخود کرفس از هر یک پنج مثقال عاقرقرحا قرفه زعفران مصطکی
عود خام از هر یک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه چینی فلفل مویه از

هر یک سه درم عنبر اشهب یکمثقال عسل سه وزن ادویه
کوفته و بیخته بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند ذرعونی

دیگر منی بیفزاید و باه را قوت دهد و پشت و گرده را
محکم کند و در امر مجامعت عظیم نافع باشد صفته تخم کرفس
تخم گندنا تخم شلغم تخم شبت نانخواه دارزیانه مغز تخم خربزه و بادرنگ
تخم کرفس مغز حب القلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز چلغوزه
از هر یک پنج مثقال بسباسه قرنفل ملفلوبه عاقرقرحا کبابه
زنجبیل تخم اسپست تخم جرجیر تخم پیاز تخم گندنا حب
الرشاد انجره خولنجان جوزبوا گل سرخ قرفه دارفلفل از هر
یک سه درم گل قرفه زعفران کندر از هر یک چهار درم
بهمن بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل لسان العصافیر
از هر یک پنج درم بصل الفار بریان کرده خصیة الثعلب قضیب گاو

سوده

سوده مغز کله گنجشک تر خشک مربی کشش خرما از هر یک ده
مثقال عنبر اشهب ده مثقال مشک خالص نیم مثقال قند
بوزن ادویه عسل بوزن مجموع بطریق معهود معجون سازند
گرم مزاج دو مثقال بنوشند و از عقب آن ده درم شیر تازه
و ده درم شکر در آن حل کرده بیاشامند و سرد مزاج یکدرم
زردرد و بعد از آن یک کاسه ماء العسل بیاشامند والله اعلم

باب السین سفرجلی مسهل معده را قوت دهد و اشتهای
طعام آورد و قولنج بگشاید صفته به صفاهانی را از پوست
و دانه پاک کنند ثمن وزن در سرکه یا شراب کهنه بجوشانند تا مهرا شود
و از غربال بیرون کنند و بگیرند عسل صافی سه ران برند
و بجوشانند تا بقوام آید و از این دارویها کوفته و بیخته با آن بسرشند
زنجبیل دارفلفل قاقله کبار و صغار دارچینی زعفران از هر یک

سه درم مصطکی پنج درم تربد سفید سی درم سقمونیا ده درم
شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جهت
قولنج نافع باشد **سفرجلی با بستانی** صاحب مزاج گرم را موافق
باشد و در فصل گرما توان داد از بهر آنکه محمد زکریا سفرجلی
با بستانی نام نهاده **صفه** سقمونیا دو درم و نیم تربد سفید
ده درم مغز خیار پنج درم ورق گل سرخ طباشیر از هر یک دو درم
و نیم ترنجبین عصاره به از هر یک پنجاه درم آب به ترنجبین
بجوشانند چندانکه ترنجبین گداخته شود و بقوام آید پس داروها
کوفته و بیخته با آن برشند و این جمله ده شربت است **سفرجلی**
ممسک شکم ببندد و معده را قوت دهد و دفع قی کند
و لوزانیکو کند و اشتهاء طعام آورد **صفه** به اصفهانی از
پوست و دانه پاک کرده نیم من در سرکه بجوشانند تا مهرا شود

و بعد از آن

و بعد از آن بکوبند و نیم من عسل بر آن ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید فرو گیرند و این داروها را کوفته و بیخته با آن برشند
زنجبیل فلفل دارفلفل از هر یک چهار درم تخم کرفس نانخواه
زعفران از هر یک دو درم شربتی چهار مثقال **سجزنیا**
بادهای غلیظ را دفع کند و درد دندان و قولنج و عسر البول بلغمی
را سود دارد و سده جگر بگشاید و صلابت را زایل کند و تحلیل
برد و معده را گرم گرداند و تخمه را نافع باشد و سرد مزاج را
موافق بود **صفه** جند بیدستر دارچینی افیون اسارون فو و
دوقو از هر یک یک درم فلفل دارفلفل قسط بازرد از هر یک
شش درم زعفران پنج درم بارزد و دارو در عسل بگدازند و داروها
کوفته و بیخته با آن برشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو
مثقال با دو درم با آب گرم **سکنجبین ساده** صفرا را دفع کند محرور مزاج را

نافع باشد و تبهای حاره و جگر گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند
و سده بگشاید و بول براند صفه قند سفید یکمن در دیگ کنند و
یک چهار یک سرکه در بجوشانند تا بقوام آید و یک وقیه گلاب
بر سر آن ریزند و فرود گیرند سکنجبین بزوری بارد سده جگر بگشاید
و بول براند و استسقای و تبهای حاره را نافع باشد و
تشنگی بنشاند صفه پوست بیخ کاسنی مغز دو تخم
از هر یک پنج درم و نیم کوفته در آب چهار یک سرکه خیسانند
یک شبانه روز و دیگر بجوشانند و پالایند و یکمن قند بقوام آرند
و بر سر آن کنند و دیگر باره بقوام آورده فرود گیرند سکنجبین
بزوری حار سده معده و جگر بگشاید و بول براند و فضول
از معده پاک کند و مستسقی را نافع باشد صفه تخم کاسنی
نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس از هر یک پنج درم پوست بیخ رازیانه
پوست بیخ

پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم در آب و سرکه خیسانند
و چنانکه ذکر کرده شد یکمن قند اضافه نموده بقوام آورند
سکنجبین ریوندی یرقان و درد جگر که از گرمی باشد نافع بود صفه
تخم کاسنی نیم کوفته بیست درم شاهتره و تخم کشوث از هر یک
ده درم ریوند چینی پنج درم ریوند را کوفته در کیسه بندند و باقی دویه
دیگر در دو من آب بجوشانند و زمانی کیسه ریوند را اندک
بمالند تا شیره تمام بازدهد و بعد از آن صاف کنند و با یکمن قند و
چهل مثقال سرکه بجوشانند تا بقوام آید شربتی پانزده درم با پنج درم
گلاب سکنجبین ریوندی دیگر درد جگر را سود دارد و سده بگشاید
و طبع را نرم کند صفه ریوند چینی سی درم ترید سفید بسفایج فستقی تخم
کاسنی نیم کوفته از هر یک بیست درم غاریقون پنج درم مجموع را در
دو من آب بپزند و سه درم و دانگی زنجبیل اضافه نمایند و صاف

کنند و با یک چهار یک سرکه و یک من و نیم قند چنانکه در گذشت بجوشانند
و بقوام آرند **سکنجبین بزوری معتدل** سده و سپرز و جگر بگشاید و بول
براند و تبهای مرکبه را نافع باشد **صفه** تخم کاسنی رازیانه تخم
کرفس از هر یک سه درم تخم خیار کشوث از هر یک پنج درم
پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر کدام هفت درم
مجموع نیم کوفته در سه رطل آب و بیست درم سرکه خیسانند
یک شبانه روز دیگر بجوشانند و با یک من قند بقوام آورند **سکنجبین**
رمانی تبهای محرقه را و جگر و معده گرم را سود دارد و تشنگی بنشاند
صفه آب انار شیرین و آب انار ترش از هر یک نیم من بجوشانند
تا بقوام آید و قدری زرشک و سرکه صاف یک چهار یک و یک من قند
اضافه کنند و بجوشانند و اگر بعوض سرکه تمر هندی کنند شاید
سکنجبین سفرجلی سده و جگر را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و سده

جگر بگشاید

جگر بگشاید و نافخ را مفید بود و اشتهای طعام آورد **صفه**
آب به صاف کرده یک من با چهار یک سرکه و یک من قند بجوشانند
و بقوام آورند و اگر بجای سرکه آب لیمو کنند صواب باشد **سکنجبین**
لیموی که همین خاصیت دارد **صفه** آب به نخود مثقال سرکه
و گلاب و آب لیمو از هر یک سی مثقال قند سفید یک من بجوشانند
و بقوام آورند **سکنجبین دیگر** که صلابت سپرز را نافع باشد **صفه** ریوند
چینی غاریقون پوست بیخ کبر پوست درخت بید گز مازج افتیمون
غافث تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک ده درم در یک
چهار یک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند و با یک من قند بقوام آرند
سکنجبین دیگر که حرارت خمار و صفرا بنشاند و اسهال صفراوی باز دارد
و کسی را که آبله پدید آمده باشد نافع باشد **صفه** سرکه کهنه گلاب
از هر یک یک چهار یک برگ گل نخود درم گلنار بیست درم در سرکه

وگلاب خیسانند یک شبانه روز پس بجوشانند و به پالایند
و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین افتیمون مالیخولیا را و اصحاب
نوخش و صرع را نافع باشد صفه افتیمون ده درم بسفایج فستقی
تربد سفید از هر یک شش درم گاوزبان برسیاوشان تخم کاسنی
از هر یک پنج درم حاشا ورق گل سرخ کمافیطوس از هر یک چهار درم
تخم بادروج وتخم کشک با درنج لوبیه زرنباد درونج عقرب
بهمن سفید ساذج هندی قاقله سنبل از هر یک سه درم گلقند
افتابی بوزن ادویه در سرکه و آب خیسانند یک شبانه روز
و بجوشانند و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین افتیمون نوع دیگر
اسطوخودوس دار بابونه تره از هر یک پنج درم افتیمون
بسفایج فستقی سنای مکی پوست هلیله کابلی از هر یک ده درم
و نیم کوفته در پنجاه درم سرکه خیسانند و با یکمن قند بقوام آورند

سکنجبین بزوره

سکنجبین بزوره استسقا و صلابت طحال و ورم جگر را نافع بود
و سده بگشاید صفه دار بابونه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کبر
تخم کاسنی انیسون پوست بیخ کاسنی خشک زوفا نوه
غافث افسنتین از هر یک ده درم تخم کشوث پوست بیخ
کرفس جعده سنبل اسارون از هر یک هفت درم و در صد درم
سرکه خیسانند و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین عنصلی ضیق النفس
و ربو و سرفه بلغمی را نافع باشد صفه سرکه عنصلی یک چهار یک
عسل مصفی یکمن بجوشانند تا بقوام آید سکنجبین عنصلی دیگر استسقا و درد
پهلو که از سردی بود و سرفه کهنه بلغمی و فالج و لقوه و سرسام بلغمی
و ضیق النفس را نافع باشد و سده بگشاید و بچه مرده بیندازد صفه
سرکه عنصلی یکمن رطل را از بابونه انیسون حلتیت ماو حاشا و دنه
دشتی از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی قردمانا

از هر یک یکدرم ادویه نیم کوفته کنند و در سرکه عنصلی و یکچاریک

عسل صاف خیسانند یکهفته در افتاب نهند و بعد از آن

پالایند و نگاه دارند و پیش از طعام سی درم استعمال نمایند

سرکه عنصلی بیخ دندان محکم کند و بوی دهن خوش کند **صفه**

بگیرند پیاز عنصل و بکارد چوبین پاک کنند و در ریسمان کشند

چنانکه بیکدیگر نرسد و چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک

شود و بعد از آن در ظرفی کنند و هم کمی بیاورند از سرکه کهنه

داخل نمایند و دو ماه در افتاب نهند و بکار دارند که مفید است

سفوف طباشیر دل گرمی را سود دارد **صفه** گل سرخ طباشیر از هر یک

سه درم کشنیز خشک ده درم تخم خرفه مروارید ناسفته کهربا

از هر یک یکدرم کافور دانگی و دو درم با سکنجبین سفرجلی بخورند

سفوف در ورنج خفقان سرد را سود دارد **صفه** درونج عقربی ابریشم

از هر یک شش درم زرنباد دو درم کوفته و بیخته شربتی مثقالی و

چهار دانگ با شراب کهنه یا ماء العسل **سفوف قاقله** معده سرد و

تر را سود دارد **صفه** قاقله کبابه از هر یک یکدرم سنبل مصطکی از هر یک

سه درم عود خام بیست درم شکر طبرزد بوزن همه شربتی مثقالی با

ده درم گلقند **سفوف حافظ** شهوت طین و شهوات ردیه زنان

حامله را نفع باشد **صفه** قاقله جوز بوا مساوی شکر بوزن همه شربتی

ده درم با آب گرم **سفوف کزبره** تخم کاسنی تخم کزبره زرشک

سنبل عدس مقشر سماق گل سرخ طباشیر مساوی کوفته و بیخته شربتی

سه درم با سکنجبین کافور در آب انار حل کرده بنوشند **سفوف دیگر که**

دفع سرعت منی کند **صفه** تخم کزبره مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ

پودنه از هر یک سه درم نانخواه نمک سداب زیره از هر یک درمی

کوفته و بیخته در آب انار حل کنند و بنوشند شربتی سه درم

سفوف انیسون بادهای معده را دفع کند و معده را از اخلاط غلیظ
پاک کند صفته نانخواه تخم کرفس از هریک پنجدرم کندر نعناع اذخر قسط
مصطکی از هریک سه درم سپندان سفید درمی کوفته و بیخته با قند
برشته شربتی پنجدرم سفوف جوز اسهال بلغمی را باز دارد صفته
جوز بریان کرده سه درم نانخواه پنجدرم کندر نیم درم کوفته
با آب گرم نوشند سفوف نقلیانا بواسیر و مغص و اسهال
کهنه و زحیر و ضعف معده را نافع بود صفته تخم تره تیزک
بیست درم زیره کرمانی در سرکه خیسانیده و خشک کرده بریان
پنج مثقال بزرالکتان و تخم کندنا هلیله سیاه در روغن زیت
بریان کرده از هریک دو مثقال مصطکی یک مثقال مجموع کوفته سوی
تخم تره تیزک شربتی دو درم با آب سرد سفوف دیگر که سیل البول را
نافع باشد صفته بلوط پنجاه درم کندر سی درم کشنیز خشک بریان

کرده گل ارمنی

کرده گل ارمنی صمغ عربی از هریک ده درم گلنار کزمازج از
هریک پنجدرم شربتی سه درم با آب خالص سفوف دیگر که همین خاصیت
دارد صفته کندر سعد خولنجان شاه بلوط حب الآس و دی کوفته و بیخته
نوشند سفوف نمک سده و جگر و اوجاع مفاصل و امراض که
سبب آن امتلا باشد نافع بود صفته نمک طعام سی درم فلفل
سفید بیست درم زنجبیل یازده درم انیسون هفت درم تخم جرجیر
نانخواه نوشادر فلفل سیاه پودنه از هریک ده درم کوفته و بیخته
شربتی سه درم با آب گرم سفوف هلیله ورم جگر را نافع بود صفته
هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از هریک چهل درم تخم کرفس انیسون
رازیانه از هریک پنجدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با شیر شتر
سفوف دیگر ورم جگر را سود دارد و بول براند صفته تخم جرزه تخم
خیارین از هریک پنجدرم تخم کاسنی تخم کشوث از هریک

سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه رب السوس از هر یک دو درم
عصاره زرشک چهار درم ریوند یک مثقال گل مغسول چهار دانگ
زعفران سنبل مصطکی افسنتین از هر یک یک درم کافور دو دانگ
نشا سه درم سفوف نخود سفید پنجاه درم در سرکه قدری آب
خیسانند یک شبانه روز و خشک گشته برنج خشک کرده مالیده
خشک کرده از هر یکی درمی سنبل بادام مقشر شش درم کشک
جو کشک گندم از هر یکی سی درم خشخاش سفید سی درم شکر طبرزد
نیم من مجموع را کوفته و بیخته در یکدیگر ممزوج سازند و هر صباحی
درم با شیر تازه بیاشامند سفوف معوی از جهت ذرب مجرب است صح
تخم تره تیزک بریان کرده بزرقطونای بریان کرده اسپغول بریان کرده
از هر یک ده درم زیره کرمانی تخم گشنیز تخم شبت خشخاش
انیسون تخم کرفس بذر البنج از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم و دانگ

کوفته و بیخته

کوفته و بیخته از آن سفوف سازند سفوف که نفث الدم را نافعست
صح طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم شادنج عدسی مغسول
تخم خرفه از هر یک پنج درم لب کهربا مروارید ناسفته
خشخاش سفید رب السوس اقاقیا عصاره لحیة التیس
از هر یک سه درم بزرقطونا بیست درم افیون دو درم ادویه
را مجموع کوفته و بیخته سوی بزرقطونا سفوف سازند هر شب
دو درم با آب باران یا آب کشوث خرفه و اگر حرارت ضعیف باشد
سه درم کند را اضافه این داروها نمایند سفوف حب الرمان ضعف معده
وامعا و اسهال مراری را نافع باشد صح انار دانه بریان
کرده ده درم بلوط سماق زیره کرمانی بدر حب الآس سفید
کشنیز خشک بریان کرده خرنوب نبطی آرد کنار از هر یک
پنج درم عود خام پنج درم آمله یک مثقال کوفته و بیخته با رب نار

استعمال نمایند شربتی سه درم **سفوف الطین** دافع استسقاء
النساء نیز گویند اسهال براری دموی را نافع بود **صفه** بزرقطونا
ریحان تخم مورد نشاسته تخم حماض ربّ بریان کرده صمغ
عربی گل ارمنی طباشیر مساوی کوفته بیخته اول در
یکدیگر بیامیزند شربتی سه درم روغن بادام چرب کنند
و بگلاب تر کرده فرو برند **سفوف انباریسیه** جهت زحیر و
اسهال و پیچ نافعست **صفه** تخم خطمی مقشر تخم خیارین تعفر از
هر یک پنج درم نشاسته بریان کرده سه درم صمغ عربی گل
ارمنی از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی سه درم صباح و
سه درم مسا بابی که طباشیر و گل ارمنی و صمغ عربی در آن
منقوع بوده باشد نافع بود **سفوفی** که کلم به بندد و ضعف
معده را نافع بود **صفه** سماق با تخم زحیل ناردانه بریان کرده
ازرنگ

زرشک سفتی و آرد کنار را از هر یک دو درم نبات سفید کوفته
بیخته درم شربتی یکمثقال **سفوف سماق** تشنگی بنشاند
و اسهال معدی را نافع باشد **صفه** سماق ده درم حب الآس
ناردانه بریان کرده از هر یک پنج درم صمغ عربی گلنار
از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند شربتی
یکمثقال **سفوف سورنجان** نقرس و مفاصل و عرق النسا را نافع بود **صفه**
سورنجان مصری ده درم سنا مکی مقشر ده درم پوست هلیله
زرد و مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران یکدرم
سقمونیا یکدرم قند سفید سی درم و اگر ماده بلغمی باشد
ترید سفید یکمثقال اضافه نمایند و سقمونیا نیم درم زیاده کنند
سفوفی که سلول را نافع بود **صفه** سرطان نهری
محرق دو درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید خشخاش سیاه

سبز تخم خربزه از هر یک نیم درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب
انار ترش یا شراب خشخاش دهند سفوفی که سنگ مثانه و گرده
و اطفال را پاک کند صفت تخم خربزه صمغ عربی صمغ الو قلت
ساوی کوفته و بیخته شربتی نیم درم تا یکدرم سفوفی که خفقان گرم
را نافع باشد صفت گل ارمنی گشنیز خشک از هر یک یکدرم طباشیر
کهربا از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته و بیخته با دوغ گاو دهند
سفوف ارسطالیس که از برای اسکندر ساخته بود در ضعف
تباهی معده و زردی روی و وسواس و نسیان را نافع
بود و طعام را هضم کند و بوی دهن خوش کند و دل را قوت
دهد صفت قرفه ساذج عود هال اسارون مصطکی هلیله کابلی
زنجبیل شکر سنگ زیره کرمانی دارچینی اشنه فلفل دار فلفل
زنجبیل قرنفل انار دانه جوز بوا کافور قاقله از هر یک دو درم
مشک و عنبر

مشک و عنبر از هر یک یکدرم شربتی سه درم سفوف
عباده معده سرد و تر را نافع بود و جگر را قوت دهد
صفت لک مغسول حب الاس بلوط مصطکی مازو عود
بلسان پوست انار از هر یک چهار درم زنجبیل کندر از هر یک
یکدرم نبات پنجاه درم شربتی سه مثقال که هفته استعمال نمایند
و گوشت نخورند سفوف کبیری ورق گل سرخ زرشک منقی
لک مغسول از هر یک یکدرم و نیم نوره طباشیر صندل سفید
نشاسته صمغ عربی از هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال
تخم حماض یکمثقال زعفران دو دانگ کوفته و بیخته سفوف سازند
سفوفی که فواق بلغمی را دفع کند صفت تخم کرفس فطراسالیون
سعد از هر یک دو درم و نیم دوقو پوست بیرون پسته انیسون
نوخواه اسارون قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم ریع نیم درم

شربتی دو درم سفوفی که درد جگر و تهیج را نیز دهد صفه گل سرخ
هشت درم زرشک پنج درم سنبل مصطکی عصاره غافت
افسنتین رومی ریوند چینی از هر یک دو درم فقاع اذخر اسارون
رب السوس از هر یک دو درم تخم زعفران یکدرم شربتی
دو درم با سکنجبین سفوفی که حرارت جگر را بنشاند و خمار دفع
کند و اسهال صفراوی باز دارد و غلبه خون را باز دارد و تشنگی را
ابله بر خواهد اما سود دارد صفه ورق گل سرخ ده درم طباشیر
بیست درم سماق تخم حماض عدس مقشر زرشک تخم خرفه
تخم کاهو خشخاش سفید از هر یک پنجدرم صندل سفید دو
درم و نیم کافور یکدرم شربتی سه درم با شراب حماض یا شراب
غوره یا شراب انار سفوفی کی با خون بسیار که از رحم رود
باز دارد صفه کهربا گل ارمنی گلنار دم الاخوین لک مساوی
کوفته و بیخته

کوفته و بیخته شربتی سه درم با یکدانک افیون در یک وقیه نقیع سماق
حل کرده بدهند سفوفی که از جهت بول الدم نافع بود صفه
شادنج مغسول دم الاخوین اسپید کهربا نشاستا گلنار تخم خرفه
گل ارمنی گل قبرسی مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب سماق
سفوف سورنجان از وجاع مفاصل را نافع بود صفه سورنجان هفت درم
زیره کرمانی بریان کرده فودنه از هر یک دو درم فلفل یکدرم
قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف
حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را پاره کند و بیرون آرد
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هر یک پنجدرم خسک
بری چهار درم حجر الیهود قلت از هر یک سه درم تخم کرفس
سیب البوس فطراسالیون از هر یک یکدرم صمغ عربی
کثیرا از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب خسک

سفوف حجر الیهود دیگر تخم قلت پانزده درم مغز تخم کدو تخم
خیارین مغز تخم خربزه از هر یک چهار درم نیم سیالکبوس
دو درم صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک سه درم حجر الیهود
شش درم قند سفید هشتاد درم کوفته و بیخته شربتی دو درم
با آب نخود سیاه سفوفی که در ساعت شکم را ببندد صفت بلوط شاه
سه درم مازو پوست انار از هر یک چهار درم کرد سماق شش درم
حب الآس مغز درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب سرد سفوف
مقوم کندر عود خام از هر یکی درمی خشخاش ده درم
زعفران دانگی نبات سفید سه درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم
سفوفی که شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند و معده را
قوت دهد و اشتهای طعام آورد صفت زرنباد تخم کرفس
نانخواه زیره کرمانی از هر یک دو درم کندر سه درم کمون مقشر
دو درم

ده درم نبات نود مثقال کوفته و بیخته سفوف سازند سفوفی
که دفع سرعت انزال کند صفت طباشیر خشخاش افیون کندر از
هر یک یکدرم جوز السرو سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب خشخاش
سفوفی که دق و سل و قروح سینه و نفث الدم را نافع بود
صفت صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز بهدانه خشخاش سیاه تخم کاهو
تخم خطمی از هر یک شش درم صندل سفید دو درم شکر العشر طباشیر
از هر یک سه درم ورق گل سرخ تخم خیارین تخم خرفه از هر یک
پنج درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و عصاره لسان الحمل گل مختوم
گل ارمنی گل قبرسی از هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته
شربتی دو مثقال با نبات کافور دو دانگ رماد السرطان
شراب خشخاش و شیره تخم خرفه نافع باشد سفوفی که بادها
دفع کند و استسقای طبلی را نافع بود صفت تخم کرفس رازیانه انیسون

اسارون قسط ربوند چینی از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل
سعد از هر یک یکدرم تخم کوفته وبیخته شربتی یک مثقال سفوفی که اسهال
صعدی را نافع بود صح انار دانه بریان کرده آرد کنار آرد سپند
از هر یک ده درم کشنیز خشک بریان کرده یکدرم خرنوب شامی خرنوب
نبطی و بلوط در سرکه خیسانند یک شبانه روز در سایه خشک کرده
بریان کرده از هر یک یکدرم سماق سه درم کوفته وبیخته شربتی دو درم
سفوفی که قرحه شانه را نافع باشد صح دم الاخوین شادنج عدسی مقشر
نشاسته تخم کرفس از هر یک یکدرم صمغ عربی یکدرم مومیایی
دو دانگ گل گنج دو درم کوفته وبیخته شربتی یکدرم نیم با آب
خشخاش دهند سفوف لولوی دوستطیا رای کبدی را نافع بود
و معده و دل و جگر را قوت بخشد و حرارت بنشاند صح مروارید
ناسفته چهار درم بسد سوخته گلنار طباشیر تخم حماض بلوط
خرنوب اکلیلی کهربا

~~بریان کرده~~ خرنوب گل ارمنی گل قبرسی تخم گل و صندل سفید
بارتنگ بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد
بت کنار آرد سپند کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی بریان کرده
سماق زرشک بت جو بریان کرده طباشیر تخم خرفه بریان
بریان کرده بزرقطونای بریان کرده از هر یک سه درم گل ارمنی
گل مختوم مصطکی از هر یک یکدرم انار دانه یکدرم کهربا اقاقیا
شسول از هر یک دو درم مجموع کوفته وبیخته نیز از بارتنگ و بزرقطونا
سفوف سازند سفوف زرشک تخم حماض زرشک بیدانه تخم ریباس
کشنیز خشک بریان کرده گل سرخ خرنوب شامی بلوط طباشیر از
هر یک یکدرم سماق حب الآس از هر یک دو درم انار دانه چهار درم
مجموع کوفته وبیخته سفوف سازند سفوف خرنوب اسهال صعدی [illegible]
معده را نافع باشد صح خرنوب نبطی بیدانه زیره کرمانی تخم ... سماق

بت کنا حب الآس مصطکی بلوط کندر خشک بریان کرده مساوی
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با آب سرد ناشتا بود سفوف البزور
باد را بشکند و معده را قوت دهد صفت کرویا انیسون زیره از هر یکی
قاقله قرنفل نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم و فلفل یکدرم
زنجبیل دار فلفل از هر یک دانگی قند بیست مثقال کوفته و بیخته شربتی
دو درم سفوف حب العنب شکم را بندد و معده را قوت بخشد
صفت دانه انگور صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الآس
سماق از هر یک دو درم مصطکی گلنار از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهت اسهال که
با سحج باشد صفت حب الآس بلوط خشخاش خرنوب
از هر یک دو درم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم
سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس
از هر یک

از هر یک چهار درم پرسیاوشان کندر از هر یک یکدرم
خرنوب شامی و مقل مکی از هر یک سه درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
بزر خشخاش سفوفی که حرقت بول و وجع گرده و مثانه
را نافع باشد و بول براند صفت مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم
خیار مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش سفید از هر یک ده درم
نشاسته کتیرا رب السوس از هر یک سه درم زرنبج سفید
دو درم قند برابر همه شربتی سه درم شبانگاه بزر خشخاش
سفوف دیابیطس صفت صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط
از هر یک یکدرم نشاسته کتیرا تخم کاهو تخم خرفه از هر یک
سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با آب انار
ترش سفوفی که اوجاع مفاصل را سود دارد صفت سورنجان
ده درم سقمونیا یکدرم و چهار دانگ کبابه یکدرم قند سفید سی درم

سفوف نجح ... [illegible]
[illegible]

کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوفی که حبس کند اسهال و زحیر و مغص را نافع باشد

صح تخم تره تیزک بریان کرده نود مثقال زیره بریان کرده بزرقطونا از هر یک

سه درم تخم خشخاش کرفس بریان کرده گل ارمنی تخم مورد از هر یک دو درم نیم

یکدرم کوفته و بیخته سویق تره تیزک و بزرقطونا و تخم مورد سفوف سازند سفوفی

که نافعست از جهت حرارت جگر و یرقان و نفث الدم و سده جگر صح

بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم خیار از هر یک چهار درم ورق گل سرخ

گل ارمنی لک مغسول سنبل اصل السوس از هر یک یکدرم طباشیر

نیم درم مصطکی دو دانگ شربتی یکدرم با آب سرد سفوفی که نافع است

از جهت یرقان و درد جگر و قی صفرا صح لک مغسول یک مثقال

طباشیر دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی شربتی دو درم

با شراب تمر هندی یا شراب الو سفوفی که جهت منع اسهال نجربست

صح هلیله سیاه دو عدد زنجبیل عدد جوز عدد هم با بعمو افیه بیاشامند

بنوشند

بنوشند سفوف بلوط معده را قوی کند و اسهال باز دارد صح

بلوط شاه بلوط دانه مورد آرد کنار از هر یک دو درم خرنوب نبطی

حب الاس از هر یک نیم درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال سفوفی که

همین خاصیت دارد صح دانه مورد تخم حماض انار دانه صمغ عربی از هر یک

سه درم حب الاس بلوط از هر یک چهار درم خشخاش سفید یکدرم کوفته

بیخته شربتی سه مثقال سفوفی که از جهت اشتهای طعام نافع بود صح

مصطکی آمله از هر یک دو مثقال پوست ترنج عود خام قرنفل از هر یک

یکمثقال سفوف سازند شربتی نیم مثقال با گلاب سفوف چینی از جهت

رعاف اگر سبب آن حرارت باشد نظیر ندارد صح بزرقطونا دو درم

تخم خرفه سه درم گشنیز خشک یکدرم نیم شربتی یکمثقال بیاشامند سفوفی

که نافعست از جهت فواق امتلای صح تخم کرفس سعد زیره کرمانی

ساذج کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوفی که نافعست از جهت ضعف معده

که سبب آن حرارت باشد صه گل سرخ کهربا از هر یک پنج درم عود
خام دو درم زرشک ده درم املج طباشیر از هر یک سه درم
سنبل یکدرم زعفران کافور از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته شربتی یک مثقال
با شراب انار سفوفی که رنگ را سرخ دارد صه زدوفا خشک
ده درم زعفران سه درم قند سفید سیزده درم کوفته و بیخته هر
روز دو درم سفوف سازند سفوفی که سده بگشاید و رنگ بد و طحال را نافع بود
صه تخم کاسنی کرفس از هر یک پنج درم حب الفقد یکدرم نیم کوفته
و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین سفوفی که نافعست از جهت وجع کلیه
که سبب آن برودت بود صه قسط سنبل قردمانا تخم کرفس مساوی
کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوفی که بدید الاغر کرده اند صه لک مغسول
دو درم نانخواه تخم سداب زیره کرمانی از هر یک چهار درم نوره
ارمنی مرزنجوش از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی هر روز مثقالی با گلقند
بخورند

بنوشند سفوفی که حصا بیرون آرد صه لک مغسول سنبل رومی بیخ
هر یک چهار دانگ مرزنجوش شش درم تخم سداب زراوند مدحرج حب بلسان
از هر یک دانگی نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانگ سفوفی که قرحه و سیلان
منی کند و رعشه را زایل کند نافع باشد صه تخم سداب درم بنجنکشت
بیخ سوس از هر یک دو درم کلنار ورق گل سرخ یکدرم نیم کوفته و بیخته
دو درم از آن در روغن با آب غوره حل کرده بنوشند سفوفی
که نافعست از جهت قروح کلیه و مثانه صه گل مختوم دم الاخوین نشاسته
کندر مغز تخم خربزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم کدو رب السوس
لک مغسول ریوند چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بزر البنج مساوی کوفته
و بیخته شربتی دو درم سکنجبین سفوفی که درد کلیه و مثانه را تسکین دهد
صه بزر البنج دانگی افیون قراطی مغز تخم خیار سه درم تخم کاهو
تخم خرفه از هر یک درمی کوفته شراب خشخاش بنوشند

سفوفی که از جهت استرخای زبان نافع است صفت دارچینی حماما سنبل
از هر یک سه درم سادج نانخواه زراوند طویل کرفس شبت
مصطکی سیسالیوس دوقو انیسون از هر یک یک درم مروارید
کهربا از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی یک درم تا یک درم با شراب کهنه
سفوفی که در آبستنی معین باشد صفت نشاره عاج نبات از هر یک استار
زن هر شب سفوف سازد و شب چهارم مرد با او مجامعت نماید
آبستن شود اما باید که بعد از طهر باشد و بعضی گفته اند نشاره
عاج را زن هفت روز متوالی هر روز دو درم با ماء العسل بیاشامد
و بعد از آن جماع در آن مدت آبستن شود سفوفی که بول براند و حرقه
البول را نافع بود صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش
نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج دو درم
قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم با شراب خشخاش سفوفی

که فی الدم

که فی الدم را نافع باشد صفت گل ارمنی صمغ عربی گلنار دم الاخوین
کندر از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته با ده درم رب بهی شربت سازند
سفوفی که قی بلغم را دفع کند صفت کندر مصطکی از هر یک پنج درم عود خام
هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل قاقله جوز بوا بسباسه
سعد نعناع از هر یک چهار درم پوست ترنج قرنجمشک از هر یک یک درم
گل سرخ شش درم سنبل الطیب از هر یک پنج درم کوفته و بیخته سفوف
سازند شربتی سه درم سفوفی که شهوت طین و شهوت اروقه را نافع بود
صفت انیسون تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک ده درم فلفل
سفید دو درم و نیم قرنفل پنج درم کوفته و بیخته شربتی هر صبح درم و نیم مثقال
سفوفی که همین خاصیت دارد صفت مصطکی زیره کرمانی نانخواه قاقلتین
ساوی نبات برابر همه کوفته سفوف سازند سفوفی که صداع
گرم و خشک را نافع بود صفت آب کاهو روغن نیلوفر از هر یک پنج درم

شیر دختران دو جزو و یکدیگر ممزوج ساخته در بینی چکانند سعوطی
که فالج و لقوه را سود دارد مع صبر شونیز بوره ارمنی مساوی در
آب چغندر حل کرده در بینی چکانند سعوطی که در ریح و درد چشم
اطفال را نافع باشد مع کندش حضض کندر از هر یک یکدرم صعتر
زعفران مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته گلولها سازند و بوقت
حاجت بشیر دختران یا روغن بنفشه یا بادام بسایند و در بینی چکانند
سعوطی که صداع بلغمی و ریحی و دوار را نافع باشد مع جرم کندر
حضض جندبیدستر زعفران دارفلفل فلفل سفید از هر یک یکدرم
کندش دو درم سنگ نیم درم کوفته و بیخته با آب مرزنجوش بسرشند
و در بینی چکانند سعوطی که سکته و لقوه را نافع باشد مع زهره کلنگ
با بسد ابسایده یا جندبیدستر و با ماء العسل در بینی چکانند
سعوطی که صداع حار را نافع بود مع روغن بنفشه یا بادام روغن کدو

آب کاهو

آب کاهو آب کاسنی شیر دختران مساوی بهم بیامیزند و در بینی
چکانند سعوطی که درد شقیقه سرد را نافع باشد مع روغن بادام آب
مرزنجوش در بینی چکانند سعوطی که برسام و صداع حار را نافع بود مع
آب نیلوفر و عرق بیدمشک صندل و کافور یکدیگر مخلوط ساخته در
بینی چکانند سعوطی که صداع بارد و نسیان را سود دارد مع
جوز بوا ورد منه زکی قرنفل مرزنجوش از هر یک یکمثقال اسبا
چهار مثقال کوفته و بیخته با آب مرزنجوش در بینی چکانند سعوطی
که نسیان را نافع باشد مع بسباسه کاوزبان از هر یک
یکدرم زهره خاربشت کافور از هر یک دانگی نیم زعفران نیم درم
کندش دو درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سعوطی که صاحب صرع دارد مع
دارفلفل مامیران شیطرج هندی از هر یک یکدرم مشکطرامشیع تخم
فلنجمشک از هر یک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند

سعوطی که فالج واللقوه و شقیقه و جمیع امراض بارده رطبه که در
سر و چشم باشد سود دارد صفه حضض و از هر یک ده درم
عدس مقشر از هر یک پنج درم صمغ سداب نیم بره کلنک جاوشیر
جند بیدستر شونیز از هر یک سه درم نبات دوی عفران از هر یک دو درم
صبر و فرفیون از هر یک پنج درم کوفته و بآب خالص قرصها سازند
هر یک بمقدار عدسی و در وقت حاجت یکی از آن با مرزنجوش
در روغن بنفشه بادام ساییده در بینی چکانند سعوطی که درد عارض
ناف بود صفه کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو در
سرکه انداخته و سوخته پوست انار پوست کندر مرصاف سوخته
شادنج سنبل کافور از هر کدام قدری با آب بادروج در بینی
چکانند سعوطی که ضعف اشتها را نافع باشد صفه سورنجان
قرنفل سعد کرمانج پوست هلیله زرد صندل سفید گل سرخ
مساوی کوفته

ساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که همین خاصیت دارد
صفه پوست هلیله زرد نمک هندی از هر یک پنج درم قرنفل ده
درم دار چینی سعد از هر یک سه درم شبابی سماق از هر یک دو درم
عاقرقرحا هفت درم نوشادر دار فلفل آمله زعفران از هر یک یک درم
گل ارمنی اقاقیا کلنار از هر یک چهار درم زرنباد ده
درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که حافظ صحت اسنان است صفه
شاخ گوزن محرق کزمازج سعد سنبل از هر یک چهار درم نمک
اندرانی یک درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که دندان را از حرکت باز
کند صفه نمک اندرانی جو سوخته زنجبیل سماق مسحوق با مساوی کوفته
سنون سازند سنونی که دندان متحرک را محکم سازد صفه گلنار شب یمانی
امله اقاقیا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که همین خاصیت دارد صفه
شب یمانی گلنار کزمازج مساوی کوفته و بیخته بر کار برند

[illegible] (diagonal marginal notes on the left margin, partly legible: ... سنون ... دندان ... نافع ... صفه ...)

و در سایه خشک کنند و دیگر باره بکوبند و سنون سازند سنونی
که نافع است از جهت دندان که سبب آن ورم لثه باشد صفه
تخم خرفه کشنیز خشک سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا
مساوی کوفته و بیخته سنون سازند و بر لثه دندان افشانند بعد از آنکه
گلاب و سرکه یک ساعت در دهن نگاه داشته باشند سنونی که بیخ
دندان را سخت کند و خون باز دارد صفه شاخ گوزن محرق عفص القدانی
پوست هلیله زرد گل سرخ از هر یک ده درم گلنار یک درم کوفته
بر لثه دندان افشانند سنونی که دندان را محکم کند و خون ریش باز دارد
و بوی دهن خوش کند صفه هلیله بلیله آمله مغز گل سرخ گلنار
اقاقیا شب یمانی قوه طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که خون رفتن از بیخ دندان باز دارد صفه شب یمانی محرق یک درم نمک
هندی بریان کرده دو درم سماق سه درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی

سنونی که درد دندان را نافع باشد و بوی دهن خوش کند صفه
مرا بهل جوز السرو عاقرقرحا کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی
که ناسور بن دندان را با صلاح آورد صفه بیخ سوسن عاقرقرحا
از هر یک یک درم شب یمانی گلنار مازو سماق از هر یک دو درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که زردی و سیاهی از دندان
ببرد و بوی دهان خوش کند صفه زراوند زنجبیل زبد البحر دارفلفل
قاقله از هر یک دو درم نمک بریان کرده ورق جو سوخته
ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن از لثه
باز دارد و بوی دهن خوش کند صفه شب یمانی یک درم پوسته گوی
ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که نافع است از جهت درد
دندان که به سبب رطوبت باشد صفه فلفل دو درم نیم توره
ارمنی یک درم نیم عاقرقرحا زنجبیل مویزج از هر کدام یک درم کوفته

و بخته استعمال نماید سنونی که لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند صفت
سعد کوفی سرخ از هر یک چند درم گلنار زنجبیل قرنفل از هر یک سه درم
دم الاخوین کندر و قرنفل نمک اندرانی مصطکی پودنه محرق از هر یک
دو درم عود خام یکدرم کوفته و بخته استعمال نماید سنونی که بیخ دندان را
محکم کند و خون رفتن باز دارد صفت پوست انار ترش ده درم شب یمانی
هشت درم عاقرقرحا گل سرخ گلنار زنجبیل سماق از هر یک چهار درم
نمک هندی پوست هلیله زرد از هر یک دو درم کوفته و بخته سنون
سازند سنونی که خون رفتن از بن دندان باز دارد صفت کات
هندی قرنفل گلنار گل سرخ سماق دم الاخوین مساوی کوفته سنون سازند
و شب بپاشند و صباح بگلاب و آب سماق مضمضه کنند سنونی که دندان
سیاه شده را سفید کند صفت پوست هلیله زرد ده درم فلفل
چهار درم ماما سه درم ساذج هندی دو درم مازو سوخته

هشت درم

هشت درم کوفته و بخته بر دندان بمالد سنونی که لثه را محکم کند
و [illegible] رطوبات کند صفت گلنار ده درم نوشادر ده درم
موی سرخ سه درم مازو یکدرم پودنه سوخته ده درم نمک سنبل
برشته و سوخته ده درم کوفته و بخته استعمال نماید سنونی که دندان را
جلا دهد و لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند صفت گلنار رقه ده درم
نوشادر ده درم موی سرخ سه درم مازو یکدرم پودنه سوخته ده درم
نمک سنبل برشته سوخته ده درم کوفته و بخته استعمال نمایند
سنونی که دندان را جلا دهد و لثه محکم کند و بوی دهن خوش کند
صفت شب یمانی سوخته دو درم شیح سوخته ده درم نمک اندرانی
زبد البحر سوخته چوب تاک سوخته از هر یک ده درم عاقرقرحا
چهار درم کوفته و بخته سنون سازند سنونی که چون در [illegible]
انگشت بمالیدن بر بن دندان [illegible] منع [illegible] دهن خوش کند

واگر در وی خوشیده افشانند با صلاح آورد صفه زرداوند مدحرج
دم الاخوین کندر برگ مورد سعد گلنار بیخ سوسن مازو
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که قلاع را نافع بود و دهن
جوشش و بن دندان را محکم کند صفت شاف [illegible] طباشیر گل سرخ
بان الحمل پوست هلیله زرد گلنار برگ زیتون کزمازج
شب یمانی مساوی کوفته سفوف سازند سنونی که اکله و ناسور
بیخ دندان را نافع و خون رفتن باز دارد صفه مرتشا در بیخ سوسن
زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته سنون سازند سنونی که دندان
متحرک را محکم کند صفه مرتو[illegible] شب یمانی نشاسته گل سرخ سماق
پوست انار درتش استخوان هلیله زرد سنگ گلنار رمان و کزمازج
مساوی کوفته و بیخته بر بیخ دندان افشانند باب الشین
شراب افسنتین معده را قوت دهد و اخلاط فاسده پاک کند

افسنتین رومی

صفه افسنتین رومی پنج درم ورق گل سرخ پنج درم تربد سفید ده درم
در ده من آب بجوشانند و پالایند و نیم من قند اضافه کنند و بقوام
آورند شراب افسنتین دیگر معده ضعیف و جگر و سپرز را نافع بود و
طبع را لازم کند و بادهای روده دفع کند صفه افسنتین دواده درم
انیسون گل سرخ سنبله اسارون از هر یک ده درم مصطکی سنبل
از هر یک هفت درم در ده من آب بجوشانند تا نیم آید مصطکی صاف
کنند یکمن و نیم قند بقوام آورند و مصطکی را اصلایه کرده با وی ممزوج
سازند شراب افسنتین دیگر معده ضعیف را از صفرا پاک کند و سوء المزاج
گرم را زایل گرداند صفه ورق گل سرخ هفت درم شاهتره افسنتین
از هر یک پنج درم آلوی سیاه بیست عدد و تمر هندی بیست درم
مویز منقی سی دانه در ده من آب بزنند تا به نصف آید و صاف کنند
و نیم من شکر سفید در آن حل کرده بقوام آورند شربتی یک درم تا دو درم

شربت خاص مقوی [illegible]
[illegible]
آلوی [illegible] [illegible] بجوشانند [illegible]
[illegible]
[illegible]
شربت [illegible] مقوی [illegible]
[illegible] بجوشانند [illegible] صاف نموده با شکر بقوام
آورند و [illegible] استعمال نمایند

صبر سقوطری **شراب سیال** که کهنه را قی بت نافع بود و سده از اخلاط کرها
کند و ربو و ضیق النفس را نافع بود صفه الجزر بسفایش و قیه بار عصل
یک وقیه موز منقی دو وقیه انیسون نیم وقیه در قدری خل الخمر و آب
خیسانند تا سه روز و بجوشانند و صاف کنند و دو رطل عسل
اضافه نموده بقوام آورند **شراب انبه** معده را قوت دهد و قی باز دارد
و دل قوی گرداند صفه از سیب و به و انار ترش و شیرین و امرود
از هر یکی یک جزو از ریواس و سماق و غوره از هر یک نیم جزو از هر یک نیم جزو
بجوشانند تا به ثلثی آید و اعتدال رقیقه که صاف باشد اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام آید **شراب انار ترش** قی باز دارد و صفرا دفع
کند و معده را قوت بخشد صفه انار ترش و دو من نعناع تازه دو نیم من
عود خام امله مصطکی از هر یک دو درم پوست ترنج بسته نیم درم کوفته
در آب بجوشانند سوای مصطکی تا به نیمه آید صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند

بعد از آن

بعد از آن مصطکی اضافه نمایند **شراب نارنج** فواق نشاند و قی باز
دارد و معده را قوت دهد صفه انار ترش و ترنج با شحم بکوبند و آب آن
بگیرند و دو من با یکمن قند اضافه و یک وقیه آب نعناع اضافه نموده
بقوام آورند **شراب آلو** صفرا و بلغم دفع کند صفه آلوی سیاه صد عدد
تمر هندی یک چهارک تا بنفشه از هر یک یک پاو در ... گشته
و در ... آب بجوشانند تا بگیرد و ... بمالند و بپالایند یکمن شکر یکمن
صاف کرده اضافه نمایند و شربت ... بمالند و ... مثقال تخم ...
و در آن [illegible] کنند و بکار برند **شراب خشخاش** نسخه ... کنند و در شیرین
و ترش ... نافع بود و بیخوابی را زایل گرداند صفه خشخاش بزرگ با
پوست صد عدد نیم کوفته با دو من آب باران ... لانند
و یکمن قند شربت بندند و اگر خشخاش ... پوست بندند [illegible]
بکوبند و ... و با یکمن قند بقوام آورند لیکن اول ... بود که ...

شراب سیب اصفهانی معده و دل را قوت بخشد و مفرح بود و قی باز دارد
و اسهال صفرای را نافع باشد صفة سیب اصفهانی اندرونی پر دل گر
کرده بکوبند و آب آن بگیرند و بجوشانند تا بدو نیم آید و بکیمن قند
اضافه نموده بجوشانند تا بقوام آید شراب نعنع دل را قوت دهد
و اشتهای طعام آورد و معده قوی گرداند و طبع ببندد و قی
و غثیان باز دارد صفة برگش و ترش اندرون آب پاک کنند
و آب بگیرند و هم چنین آب بکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند
ریباس
شراب ریباس اسهال صفرای را نافع بود و قی باز دارد و تشنگی
بنشاند و معده را قوت بخشد صفة ریباس را بشویند و بال بکارد
چو هیچ بنیدازند و درازهای چوبهای سنگین بکوبند و آب آن بگیرند
و صاف کرده بجوشانند تا به ثلثی آید و زمانی بگذارند و دیگر
بار آتش پالایند و هم بکمین آب بکمن قند اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید

شراب حماض

۱۱

شربت صندل حمرکدار [illegible] نقل شده
بگیرند خمر [illegible] ... باز [illegible]
شربی واصل ان [illegible] و در جمع اعمال
قایم مقام خمر دارد [illegible]

شراب حماض صفرا بشکند و قی باز دارد و معده و دل را قوت بخشد
و خفقان گرم را نافع بود صفة آب حماض پنجاه مثقال قند سفید یکمن بهم بسرشت
بپزند چنانکه در صفت شراب بهی معده را قوت دهد و اشتها آورد
و صفرا بشکند و قی باز دارد و اعضا را قوی گرداند صفة مانند صفت سیب است
شراب نارنج تشنگی بنشاند و دماغ را قوت بخشد و دوار و سری که از گرمی باشد
ساکن گرداند صفة آب نارنج یکمن بجوشانند تا به نصفی آید و یک من
او بگیرند و با دو من قند سرشته بپزند شراب غوره تشنگی بنشاند و تب گرم
را سود دارد و خمار را دفع کند صفة آب غوره بگیرند و بجوشانند تا
به نصفی آید کف آن بگیرند و زمانی بگذارند و بگیرند باز پالایند
و دیگر آب را یکمن قند اضافه کنند و شربت بپزند شراب عود معده را قوت
و دل و اعضا قوی گرداند و بوی دهن خوش کند صفة عود هندی
آمله قاقله از هر یک ده درم سنبل قرنفل مصطکی جوز بوا از هر یکی

و ده درم مجموع نیم کوفته در کیسه کتان ریزند و در سه چهار گلاب
بجوشانند و کیسه را بدست بمالند و بیکمن قند بقوام آورند و آن
گلاب بر آن ریزند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید و فرو
گیرند و پنج درم مشک خالص سوده در آن حل کنند **شراب حب الآس**
اسهال با سرفه را نافع بود **صفه** حب الآس بکوبند و بجوشانند تا نیمه
شود و پالایند و بهر جزو از آن دو جزو قند سفید اضافه نمایند
شراب غبار طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و سده بگشاید
و سوء القنیه را و استسقاء و ذات الجنب را نافع باشد و سنگ
بشکند **صفه** تخم کاسنی نیم کوفته ورق گل سرخ از هر یک بیست درم
بیخ کاسنی چهل درم تخم کشوث سه درم نیلوفر گاوزبان از
هر یک ده درم ~~[illegible]~~ بجوشانند تا نیمه آید و
صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال ریوند چینی
در آن حل کنند

در آن حل کنند **شراب زعفران** سرفه بلغمی را نافع بود و سینه و شش را
را از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را سود دارد **صفه** عناب
سی دانه سپستان پنجاه دانه انجیر سفید بیست دانه عشقه چهار درم
پرسیاوشان بیست درم تخم خطمی تخم خبازی از هر یک پنج درم
اصل السوس زوفا از هر یک بیست درم بجوشانند و پالایند
و بیکمن قند اضافه کنند و بعضی چند درم انیسون داخل میکنند
شراب صندل دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد و
تشنگی را ببرد **صفه** صندل سفید سائیده بیست مثقال در
گلاب خیسانند یک شبانه روز و روز دیگر اندکی بجوشانند
و شیره آن بگیرند و با یکمن قند شربت پزند **شراب انجیر** سرفه کهنه و
را نافع باشد و منی بیفزاید و باه را قوت دهد و درد پشت را
زایل گرداند **صفه** انجیر دو من در پنجمن آب بجوشانند تا بنیم آید

بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الرحمن الرحیم
تبارک الله رب العالمین

وبا زبکمن نخود سفید و در نیم من آب بپزند تا بیکمن و نیم آید و هر دو
را مدتی بمالند و صاف کنند و بیکمن و نیم عسل صاف بر آن ریزند
و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از هر یک درمی زعفران
نیم درم در کیسه بسته در آن اندازند و بجوشانند تا بقوام آید
شربتی یک مثقال **شراب بنفشه** ذات الجنب و ذات الریه و تب و سرفه
و صداع و درد چشم و درد گرده را نافع باشد و بول براند و سینه
نرم کند **صفت** برگ بنفشه تازه یکمن را یک شب بخیسانند و بمالند
و با یکمن قند بپزند و اگر بنفشه تازه نباشد یک وقیه بنفشه
خشک را بسیار بجوشانند **شراب گاوزبان** دل را قوت دهد و سوداوی
مزاج را نافع باشد و خفقان را زایل کند **صفت** آب گاوزبان
تازه یکمن با یکمن قند سفید بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند
و بیست مثقال گلاب در آن ریزند و فرو گیرند اگر گاوزبان تازه
نباشد

[illegible]

نباشد یک چهار یک مشک کنند **شراب بزوری** معده و جگر را نافع
باشد و باد را دفع کند و مفاصل را سود دارد **صفت** پوست بیخ کاسنی
سی درم تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست درم رازیانه
تخم کرفس پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان
بسته نیم درم بجوشانند و بپالایند و با یکمن و نیم قند بقوام آورند
شراب توت درد گلو و خناق را نافع باشد **صفت** آب توت سیاه
بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا به نیمه آید و بهر پنج رطل از آن
سه رطل قند اضافه نموده بقوام آورند **شراب عنبر** درد معده و
اعصاب را زایل گرداند و خفقان بارد را سود دارد **صفت**
عسل دو من در دو من آب بجوشانند و کف بردارند و بقوام
آورند و عنبر و زعفران از هر یک مثقالی اضافه کنند شربتی نیم درم
شراب ابریشم جگر و دل را قوت دهد و سده بگشاید و استسقا و

امراض بارده در امعا نافع باشد و باه را زیاده کند و نشاط
آورد صفت ابریشم پنجاه درم در آب انگور خیسانند
یک شبانه روز و در دیگ سنگین بجوشانند تا به نیمه آید و صاف
کنند و خولنجان و درونج و مصطکی از هر یک درم زعفران نیم درم
حل کرده اضافه نمایند و با یک من قند شربت سازند شربتی چهار
درم شراب کرز و درد پشت را نافع بود و باه را قوت دهد صفت
کوزن شکسته پاکیزه سی و پنج ده درم درم کنند و در دیگ
سنگین اندازند و آب بالای آن ریزند و سر دیگ محکم
سازند که بخار بیرون نرود و با آتش نرم بپزند و بگذارند
تا سرد شود پس سر دیگ بگشایند و بمالند و آب آن بگیرند
و صاف کنند و با همسنگ آن عسل در دیگ ریزند سنبل و جوز بوا و
قرنفل و دارچینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم مجموع سحق کرده
در کیسه کنند

در کیسه کنند و در دیگ اندازند و به دست بمالند و بجوشانند
تا بقوام آید شراب الجبار اسهال دموی را و نفث الدم را
و سیلان طمث را نافع باشد و معده و جگر را قوت دهد صفت
صندل سرخ و سفید سائیده از هر یک پنج مثقال الجبار ده مثقال
اقاقیا ده مثقال قند سفید نیم من بطریق معهود شربت سازند
شراب خمار در دفع خمار بی نظیر است صفت آلوی سیاه تمر هندی
از هر یک یک رطل عناب پنجاه دانه در شش رطل آب بجوشانند
تا به دو رطل آید و بپالایند و آب انار ترش و شیرین و آب سیب
و آب لیمو از هر یک نیم رطل اضافه نمایند و با یک رطل قند
بقوام آورند شیاف احمر لین سلاق و غلظ اجفان را
نافع بود صفت شادنج مغسول ده درم سنگ سوخته هشت درم صمغ عربی
کثیرا و صمغ از هر یک دو درم سائیده و با دیگر ساج

از هر یک چهار درم درم الافیون یکدرم صلایه کرده شیاف سازند

شیاف حاد سنبل و طفره و سلاق و ساق را نافع بود **صفه** شادنج مغسول درمی صمغ عربی چندرم مس سوخته زاج سوخته از هر یک دو درم افیون صبر سقوطری از هر یک نیم درم زنگار ده درم نیم زعفران مرا از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بحریر شیاف سازند **شیاف اخضر** جرب و سنبل و جا فی را نافع باشد **صفه** زنگار سه درم اقلیمیا نقره اشق صمغ عربی سفیداب از هر یک دو درم صمغ و اشق را در آب سداب حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته بحریر بدان بر شند و شیاف سازند **شیاف وردی** کهنه و جرب و سبل و سلاق و شور زاید را نافع است **صفه** زنگار شش درم صمغ عربی اشق از هر یک چهار درم اقلیمیا طلا افیون از هر یک دو درم مازو یکدرم کوفته و بیخته با آب سداب بر شند و شیاف سازند

شیاف وطیاطون

[illegible]

شیاف وطیاطون کهنه و جرب و سلاق و استرخاء قحیق جفن و ریح سبل را نافع بود **صفه** شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار و قلقطار سوخته از هر یک چهار درم مس سوخته چهار درم افیون زعفران از هر یک یکدرم با آب رازیانه بر شند شیاف سازند **شیاف ابیض افیونی** درد کرم را نافع بود و درد صعب را نشاند و بخواب کند **صفه** سفیداب ارزیر هشت درم صمغ عربی چندرم افیون کثیرا از هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ بر شند و شیاف زنند **شیاف ابیض ارزرونی** ابتدا درد را نافع بود **صفه** سفیداب ارزیر هشت درم ارزروت عربی نشا کثیرا از هر یک چهار درم بسفیده تخم مرغ بر شند شیاف سازند **شیاف کحل مع** بنسخه محمد زکریا درد را نافع و حدت را کمتر کند اجزاء ابیض است و بهترین و مسکن‌ترین شیاف درد است **صفه** کحل مغسول چهار مثقال افیون صمغ عربی از هر یک مثقال بدستور شیاف زنند **شیاف برنوا**

هم نسخهٔ دیگر رمد را نافع بود و مرغی ببرد و اماس بنشاند و دور
ران سکین دهد صفه اقلیمیا نقره و روی سوخته از هر یک ربع مثقال
کثیرا اقاقیا صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون زعفران از هر یک
یکمثقال کوفته و بحریر بیخته بسفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف مقر
ظفره و ناخنه زایل کند نافع بود صفه شادنج مغسول دوازده درم
صمغ عربی مس سوخته از هر یک شش درم قلقطار سوخته زنگار از هر یک
دو درم بآب بارانه سرشته و شیاف سازند شیاف خلوقی باد ها
پراکنده کند و اماس ملتحمه بنشاند صفه مس سوخته سه درم اقاقیا
دو درم کثیرا صمغ عربی سنبل زعفران از هر یک یکدرم بآب باران
شیاف سازند شیاف اسود نافعست باد ها را که در چشم و جفن
باشد کشیدن و طلا کردن صفه مس سوخته افیون از هر یک
یکدرم و نیم زعفران شیاف مامیثا از هر یک شش درم مروارید ناسفته

بلغ

بسد از هر یک یکدرم اقاقیا نیم درم کوفته و بیخته بآب
باران شیاف سازند شیاف کندر که قرحه و مدهٔ غلیظ
را نافع باشد صفه سفیداب ارزیز هشت درم افیون
انزروت مربی و کثیرا از هر یک یکدرم صمغ عربی چهار درم
کندر نیم درم بآب باران شیاف سازند شیاف ابار قرحه
و مور سرخ را نافع باشد و حرارت بنشاند و جفن را [illegible]
صفه اقلیمیا طلا سفیداب ارزیز مس سوخته سرمه صفاهانی
صمغ عربی کثیرا اسرب سوخته از هر یک هشت درم
افیون یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف کندر دیگر
سرخه و قرحه را نافع باشد و گوشت بر رویاند صفه اشق
انزروت از هر یک پنج درم کندر ده درم زعفران پنج درم
اشق او در لعاب حلبه حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته

بان بر سرشند و شیاف سازند شیافی که ابتداء ابراز نافع
باشد صمغ خربق سفید یک وقیه فلفل نیم وقیه اشق یکدرم
باب تر کرده شیاف سازند شیاف روشنایی جرب و ظفره و انتشار
و ابتدای نزله را نافع باشد صمغ اقلیمیا نقره اقلیمیا طلای
مروارید ناسفته از هر یک ده درم کافور و مشک از هر یک
دانگی صلایه کرده بآب باران شیاف سازند شیاف اصفر
از جهت ابتدای نزول آب و ریزش چشم را نافع صمغ
انزروت مربی شیاف مامیثا از هر یک هشت درم
بوره ارمنی فلفل ابیض از هر یک چهار درم زرنیخ
زرد دو درم زعفران یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف
سازند شیاف احمر نوعی دیگر صمغ هلیله زرد و توتیای هندی
از هر یک پنج درم فلفل سفید صمغ عربی از هر یک دو درم

زعفران

زعفران یکدرم بآب رازیانه شیاف سازند شیاف سماق
جرب و سوزش و خارش و خمو طرا نافع بود صمغ سماق یک مثقال
بآب باران بر نهند و بیالایند و باز بجوشانند تا غلیظ شود
و بگذارند تا سرد شود و ده درم سعداب از زیر آب بر کشند
و شیاف سازند و بعضی آن سماق را بجوشانند تا غلیظ شود
و کرد سماق بآن بر سرشته شیاف میسازند شیاف دینار سنبل رقیق
برادرد صمغ زرد چوبه شادنج مغسول صبر سقوطری شیاف
مامیثا مساوی کوفته و بیخته بآب باران شیاف سازند شیاف وردی
که صعوبت درد چشم را در حال بنشاند صمغ ورق گل سرخ یازده
درم زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل الطیب دو درم
صمغ عربی یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف اسود بنسخه دیگر
رمد و حرقت عین و دمعه و سبل را که با او حرارت بود نافع باشد شیاف مشم

صفه اقلیمیا سفیداب ارزیز صمغ عربی افیون از هر یک چهار درم
مس سوخته سنبل الطیب نشاسته از هر یک یکدرم نیم اقاقیا
مغسول هشت و چهار درم کوفته و بیخته و بعضی را آب سود کرده باشد
شیاف اسطیطقا
عنب الثعلب شیاف سازند شیاف اسطیطقا از خارج چشم باریکی
ابتداء درا نافع باشد صفه اقلیمیا طلا فلفل سیاه افیون از هر یک
چهار درم صمغ عربی شیاف ماميثا از هر یک شش درم ارزیز
نمک هندی زرنیخ زرد از هر یک یکدرم بوره ارمنی دوازده درم
با آب باران بزنند شیاف سازند شیاف [illegible] که نافع جرب و غلظ جفن
و سبل کهنه را که با آن حرارت در چره باشد و سیاهی و تاریکی
چشم را زایل کرداند صفه افیون اقلیمیا نقره از هر یک یکدرم
ارزیز صمغ عربی زنگار از هر یک دو درم با آب که اشق را آن
حل کرده باشند شیاف سازند شیاف [illegible] که نافع بود ابتداء درد را

و درد

و درد و ساکن کند و خواب آورد صفه شیاف ماميثا هفت درم
زعفران افیون حضض صمغ عربی از هر یک دو درم کثیرا ارزیز
از هر یک چهار درم جند بیدستر یکدرم کوفته و بیخته شیاف سازند
شیافی که نافع بود قرحه حادثه جدید را و چشم خشک کند و گوشت
بر وی باید صفه سفیداب ارزیز ده درم کندر انزروت از هر یک
یکدرم افیون نیم درم کافور دو دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند
شیاف زنگاری جرب و حکه و سبل را نافع بود صفه صمغ عربی سفیداب ارزیز
زنگار مساوی با آب سداب شیاف سازند شیاف [illegible]
جرب و حکه کهنه را نافع بود صفه [illegible] درم اهلیلج زرد و توتیای
مغسول از هر یک ده درم حضض مکی چهار درم زرد چوبه [illegible]
از هر یک دو درم با آب غوره شیاف سازند شیاف [illegible] قرحه
سنجیده و بثره و قروح و بثور [illegible] و کهنه [illegible]

نرم بود صفة برگ گل تازه بهشاد دو مثقال اقلیمیا ثمره محرق مغسول
صمغ عربی از هر یک بیست درم و چهار مثقال زعفران شش مثقال
افیون و مر و مرداسنج اصفهانی از هر یک سه مثقال زنگار و توتیای کرمانی
سنبل هندی از هر یک دو مثقال مرجان چهار مثقال کوفته و بیخته
با آب باران شیاف سازند شیاف مرود ظفره را نافع بود صفة کندر
مر زعفران از هر یک یکدرم زرنیخ سرخ دو درم شیاف سازند
و با آب گشنیز تازه در چشم کشند شیاف مرارات انتشار و ابتدای
نزول را نافع باشد صفة زهره کلنگ زهره شبوط زهره بزکوهی
زهره باز زهره عقاب زهره کبک مجموع خشک کرده ده
درم شحم حنظل سکبینج فربیون از هر یک درمی با آب رازیانه
شیاف کنند شیاف مرارات دیگر ضعف بصره و ابتدای آب را نافع
بود صفة زهره باشه زهره عقاب زهره خروس زهره روباه زهره شبوط

مجموع

مجموع خشک کرده مساوی و با آب رازیانه شیاف سازند
شیاف که قایم مقام مرارات است صفة زهره بزکوهی در ظرف
مسین کنند تا خشک شود ده درم شحم حنظل نیم درم سکبینج دو
درم فربیون نوشادر از هر یک یکدرم با سداب یا آب
رازیانه شیاف سازند شیاف علایی جلا و جرب سلاق و ظلمه
و دمعه و سبل خشونت را جفاف را نافع باشد صفة توتیای مغسول
مامیران چینی شیاف مامیثا از هر یک چهار درم و اقلیمیا زبد البحر
خضض هندی پوست هلیله زرد و ساذج هندی از هر یک
سه درم زعفران دو درم کثیرا صمغ عربی از هر یک دو مثقال
با آب غوره پرورده شیاف سازند شیاف دینار سبل و ظفره و جرب
را نافع بود و چشم را جلا دهد صفة اقلیمیا طلا سفیداب ارزیز
از هر یک ده درم کثیرا از هر یک چهار درم مروارید ناسفته

از زنو سپید ابهر و افیون کرار
آمدن چشم گویند بسیار نافع است
با مرهم با سفیده بیضه مرغ باید
در چشم کشند بجای ریاده و باز
از رگ سر ... و مرهم بکار دارند
آنچه از دو چشم نفع است و طلا
آب او بر دو چشم نافع ظلمت چشم

دم الاخوین از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ اقاقیا جاوشیر از
هر یک پنج درم (نیم درم) افیون هفت درم زعفران نشاسته وردی سوخته
از هر یک ده درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف که جرب
و سبل و نخم زاید را نافع باشد صفت ساذج هندی نیم درم
صمغ عربی پنج درم زنگار سه درم مس سوخته قلقطار سوخته از هر یک
دو درم افیون مرا از هر یک یک درم زعفران نیم درم در آب
سداب شیاف سازند شیاف مسهل قولنج نیک بود و بلغم و صفرا
دفع کند و درد پشت را نافع باشد صفت سکبینج مقل جاوشیر
اشق نمک هندی تخم حنظل بوره ارمنی سقمونیا تربد جند بیدستر
صمغها را با سداب حل کنند و دیگر داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند
و شیاف سازند هر یک دو درم شیاف زحیر زعفران حضض مر افیون
کندر مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف خاطر قولنج نیک بود

و طبع را نرم کند

و طبع را نرم کند صفت بنفشه دو درم خطمی سه درم سنا مکی
پنج درم نمک هندی یک درم عسل خیار شنبر شکر سرخ از هر یک
دو درم شیاف سازند شیاف که بهین مفتح باشد صفت نیم درم سقمونیا نمک
هندی از هر یک دو درم بوره ارمنی تربد از هر یک سه درم
زراوند فانید از هر یک حنظل شیاف سازند
شیاف که مقوی باشد صفت حلیت افیون از هر یک
یک درم مشک نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف که
اهل بغیت دارد صفت تنه سوسمار زهره کرکس عصب الطیل عاقرقرحا
مساوی کوفته و بیخته شیاف کنند اما بروغن سنبل تر کنند شیاف
که خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت کندر انزروت دم الاخوین
گلنار سرمه زاج از هر یک یک درم زنگار روانگی کوفته و بیخته بعسل سرشته
شیاف سازند شیاف که از زحم کم کوچک کردن مقعد سفلی

اطفال باشد سود دارد   تخم حنظل قنطوریون یک مثقال هندی
مقل اشخون زرد الوی تلخ مساوی کوفته و بحمه شیافات کنند

باب الضماد صیغی که موی را رنگ بدل آورد **صو** تخم
ترب سطح اب روناس فوه کندش خردل کوفته و بجیه برکه
کهنه ترکنند و در افتاب نهالند **صفر** که ناتش ابله و جراحات
و ریشها بر و و رنگ بدل آورد **صم** مرداسنگ سوخته بخ
نی کهنه آرد نخود استخوان پوسیده مغز تخم خربزه حب البان
قیط کوفته و بجیه بلعاب حلبه و بذر الکتان یک شب نهالند
و صباح بسبوس و آب کرم بشویند **صفر** که مهی صاحب دارد
صو اسفیدا قیط مرداسنگ صندل شاخ گوزن سوخته لوره ارمنی
اشق کوفته بماء الشعیر نهالند **باب الضماد ضماد التین**
صلابت طحال را نافع است **صقم** مثل دو درم اشق دو درم آرد
یا تلا

با قلا کرسنه نخود اکلیل الملک بزرک حلبه بابونه مرزنجوش
سنبل از هر یک نیم درم انجره ربع درم چهار درم کوفته و بجیه
روغن سداب یا روغن بابونه ضماد کنند **ضمادی** که ورم صلب
رحم را نافع است **صم** مقل ازرق دو درم اشق قند تخم رو حلبه
زردکتان آب کنند تا مقل گداخته شود مقول ساحه و ورق یک
خام گیرند و بر ورم گرم نهند **ضماد** که نافع است از جهت اورام صلبه
معده و جگر **صو** زعفران صبر از یکدرم افسنتین سنبل از هر یک
یکدرم نیم کوفته و بحمه باب گرم ضماد نمایند **ضماد حی العالم**
نافع است از جهت حرارت درون جگر **صفر** ~~[illegible]~~
بنفشه چهار مثقال کافور یکدرم کوفته با بکشنیز تازه
یکدرم
ضماد کنند **ضمادی** که قوبا و خارش خصیه را ببرد **صو** بگیرند سماق
ماقیتا و اقاقیا از هر یکی ربع درم صبر و کوشت از هر یک دانکی

اودوم کو مع زطب قوی کند
از طعام لاوس فریشه و نی از نقص
لادن مازو ایلاف
کندر دو درم طین ارمنی مصطکی ودماغ
ضماد
که ورم حال که در ابی شیخ کند
دو سه جو زداده لیه ابارابی ناز کرده جهر بار
بی ابهم بر دری زشد
ضماد حیه ریسکه
خردل چند برسته با البویه با سر که بر ورم سکون
ضماد نهند

اشتان یکدرم بروغن یا بمغز ضماد کنند ضمادی که جهت باد فتق کودکان
نافع است صفه مقل ازرقی ببرگ کرنب حل کرده ضماد کنند ضماد دیگر
بنفشه سبوس گندم آرد جو خطمی آرد باقلا اکلیل الملک
مساوی بروغن بنفشه یا بادام ضماد کنند ضمادی که ورم کهنه معده را
تحلیل دهد صفه مقل حب البان شحم کرنب از هر یک ده درم
سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک پنجدرم موم سه درم روغن
ناردین پانزده درم صمغها را در شراب حل کنند و باقی
ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و با موم روغن ضماد کنند
ضمادی که نفخ طحال را سود دارد و صلابت آن بنشاند صفه اشق
هشت درم سداب ده درم بوره ارمنی نوره از هر یک پنج درم
کوفته ببرگ کهنه ضماد کنند ضمادی که از جهت باد فتق نافع باشد صفه
جوز السرو ده درم سعد مر صمغ عربی زرنیخ [illegible] ناردو قنا.

از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد نمایند ضمادی
که نقرس را سود دارد و باقی اورام بارده را تحلیل دهد
مقل کندر حلبه زردک اشق کوفته بشراب ضماد کنند ضمادی که بلغم را
از بدن بیرون آرد صفه اشق بابونه نرگس بیخ یا کوفته بعسل ضماد نمایند
ضمادی که نقرس و اورام حاده را نافع بود صفه صندل بیخ عدس پوست خشخاش
موفل شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته بگلاب آب کاسنی ضماد
نمایند ضماد قنطاریون لقوه و فالج و صداع و درد چشم و شقیقه
و صدغین ضماد کنند و چون بر شانه ضماد کنند بول براند و چون
بر گزیدگی عقرب ضماد کنند درد بنشاند و چون بر شکم ضماد کنند
اورام اعضاء باطنه را نافع بود صفه رعی الحمام ده درم
موم سفید ده درم زرنیخ سه درم روغن زیت چهل درم
موم را و زرنیخ را در روغن زیت بگدازند و رعی الحمام را کوفته

وبحه افاقه نماید ضمادی که اگر بر معده نهند قی آرد و اگر بر ناف
ضماد کنند شکم براند و اگر بر عانه ضماد کنند حیض براند صفه
برگ کابلی عصارهٔ قثاء الحمار از هر یک سه مثقال فرفیون سفید
مرداسنگ از هر یک چهار درم بروغن زیت بگدازند و با
ادویه دا کوفته و بیخته با آن ضم کنند و بر روی کاغذ پاره کشند
و ضماد نمایند ضمادی که چون بر لته کشند و بر فم معده اندازند
اسهال سودا کند و چون بر زیر ناف ضماد کنند اسهال صفرا
و چون بر مابین الورکین ضماد کنند بلغم براند و این ضماد را
اسرار الاطبا گویند و پیران و کسانی را که طاقت اسهال
ندارند باشد بدین معالجه نمایند صفه قسط مقشر یک کف بکوبند
و در دیگ کنند و بعد از آن مادی آن روغن گاو اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام آید و استعمال کنند و چون خواهند که قطع

اسهال

اسهال شود لته بردارند و موضع را بگلاب بشویند ضماد
بواسیر تخم گندنا زرک مقل ازرق از هر یک یک درم بروغن گاو
سرشته ضماد کنند ضمادی که اماس چشم بنشاند و درد ساکن
گرداند صفه آرد جو ده درم باقلا یک درم اقاقیا یک درم سفیده تخم
مرغ یک عدد با آب کاسنی و آب گشنیز ممزوج ساخته ضماد نمایند
ضمادی که شیر زنان زیاد کند صفه آرد باقلا ده درم تخم بادروج
یک درم کوفته و بیخته با آب بادروج ضماد نمایند ضمادی که اکثر
امراض مفاصل را نافع باشد صفه بابونه خطمی اکلیل الملک از
هر یک بیست درم ضماد نمایند خنازیر را ضمادی که جمیع اورام
حاره را نافع بود و ماده را دفع کند صفه شیاف مامیثا اقاقیا
فوفل صندل سرخ با آب عنب الثعلب ضماد نمایند ضماد که مخصوص
بواسیر است صفه روغن مغز استخوان زردآلو پنج مثقال پیه بط یک درم

مثقال سایله سه درم مقل ازرق دو درم زفت یکمثقال و نیم
ضماد کنند **باب الطلا طلایی** که از جهت صداع حار
نافع بود **صفه** صندل سرخ و سفید تخم کاهو از هر یک سه درم
گل نیلوفر گل سرخ از هر یک چهار درم زعفران یکدرم شیاف مامیثا
افیون از هر یک دو درم بیخ لفاح یکمثقال با آب کشنیز و کاهو
ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند **طلایی** که درد سر گوش را
نافع باشد **صفه** صندل سرخ فوفل شیاف مامیثا صبر زعفران
مرسا دی بگلاب طلا کنند **طلایی** که موی انبات کند **صفه**
ذریره الخرخاپه بوره زبد البحر کشتی ترنج از هر یک قدری بیکدیگر
ممزوج سازند و موی را بکنند و سه بار در آنجا طلا کنند
و اگر پیش از بلوغ و انبات عانه را در نیها طلا کنند موی از آنجا
نروید **طلایی** که حکه و جرب یابس را نافع باشد **صفه** مغز بادام تلخ

شادیانج

چون یک یا دو ده تخم ترنج سحق نموده بر جهای عمیق ضماد کنند گوشت برویاند

شادنج گلی مرداسنگ از هر یک سه درم کندر ده درم برگ
درد وغن گل طلا کنند **طلایی** که از جهت جرب مقرح نیز دارد و مکرر
بتجربه رسیده **صفه** کوکرد خام از هر یک یکمثقال پوست بلیله زرد
زنبق مسحل سطوح هندی از هر یک نیم مثقال فلفل دارفلفل روغن
جنت یکمثقال مطبوخ مهود بیکدیگر ممزوج سازند و شب طلا کنند
و صباح در حمام بشویند و سرکه و آب گرم بشویند **طلایی** که از جهت
حکه نافع بود **صفه** تخم حنظل اشنان با گوگرد در سرکه ضماد کنند و در
حمام بمالند **طلایی** که شوره مثل آتش را نافع بود **صفه** عدس مقشر گل سرخ
بسایند تا ملایم شود بس سفیداب و آرد جو و روغن گل با هم آمیزند
و طلا کنند **طلایی** که تری دل و اماس گرم کند که بعد از بیماری
در او در پشت چشم و پشت پا و در روی پیدا شود زایل کند **صفه**
صبر اقاقیا مرسد شیاف مامیثا زعفران حضض گل ارمنی گو ده تخم

اگر سیاه دانه سر در سه برگی
و سه
تخم بر
در سر که بجوشانند تا نیم آید
بعد از هم ... طلا کنند
آنچه ... در اثر در سرکه ... دار ...
داد ...

برگ کوکنار و آب عنب الثعلب طلا کنند طلای که صداع را نافع باشد صفت

مورد عنوان افیون بزر البنج کندر مساوی کوفته بگلاب ترکرده

بر صدغین طلا کنند طلای که افراط حیض را باز دارد صفت

گل سرخ عدس مقشر از هر یک پنج درم اقاقیا گلنار صندلین

از هر یک سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط طباشیر از هر یک دو درم

کوفته و بیخته و با آب بر عانه و پشت طلا کنند طلای که جهت سعفه

که در روی اطفال باشد نافع بود صفت برگ آهک چهار درم

حنا مازو از هر یک دو درم بروغن دنبه طلا کنند طلای که از

جهت سعفه بدن اطفال نافع بود صفت زرد چوبه حنا زراوند

مرداسنگ پوست انار بروغن گل و سرکه طلا کنند طلای

که کلف را ببرد صفت پوست تخم مرغ اشنان با بیخ خربزه زرد ورده

آرد جو بیخ نی پوست عدس آرد باقلا فوفل کف دریا با شیر خصی ... (red: حاشیه)

مساوی با آب تر

آب ترب طلا کنند طلای که چون بر پیشانی و بر چشم

طلا کنند ابتدای رمد را نافع بود و درد بنشاند و ماده دفع کند صفت

شیاف مامیثا صبر حضض گل سرخ صندل سرخ فوفل زعفران

مساوی با گشنیز تازه با آب کاسنی تازه طلا کنند طلای که درد

چشم را ساکن گرداند صفت عدس مقشر گل سرخ صندل سرخ از هر یک

دو درم کافور دانگی نیم با آب کاسنی بر پیشانی و چشم طلا کنند

طلای که شکم را ببندد و اسهال را باز دارد صفت اقاقیا سعد مر کندر کبک

جوز السرو درمازو گل سرخ املج گل ارمنی کاورس برنج عدس بلوط

گلنار بزر البنج با آب مورد یا آب به بر شکم طلا کنند طلای

که شیر آبستن کند و اگر آبستن بود بچه بیندازد صفت سداب خشک

نطرون مساوی کوفته و بیخته با آب سداب تر سرشته و بر قضیب

مالند بعد از آن که خشک شده باشد مباشرت نمایند طلای

(margin:) طلای که جهت قروح روی اطفال نافع بود ... و طلا کردن ... با ... گل ارمنی ... طلا کنند ... شده که ... مجرب شده است

که را بستگی بینی باشد صفه حب بان جاوشیر مقل های آورد
مساوی کوفته و بیخته با زهره گاو و در قضیب مالند و بگذارند
تا خشک شود و بعد از آن مجامعت نمایند زن آبستن شود طلاء
که همین خاصیت دارد صفه برگ سپند خشک بکوبند و با زهره گاو
و در قضیب مالند و جماع کنند طلایی که منع زلاق کند صفه
اقاقیا شیاف مامیثا حضض گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته و بسفیده
تخم مرغ سرشته بر بیضه و شقیقه طلاء کنند طبیخی که حیض براند اسارون یکدرم
سداب یکدرم رازیانه دو درم لوبیا سرخ یکدرم عسل دو
درم بجوشانند و صاف کنند و سه روز متوالی بخورند طبیخی
که همین خاصیت دارد و مرد را نیز نافع باشد چون منی ایشان نیز
محتبس شده باشد صفه افسنتین درمنه ترکی ترمس سداب رازیانه
تخم کرفس از هر یک دو درم انجیر ده عدد گلقند ده مثقال بجوشانند

و صاف نمایند

و صاف نمایند و سه روز متوالی بخورند و سه روز دیگر
استراحت نمایند باز سه روز دیگر بنوشند همچنین عمل میکنند
تا دوازده تمام دوا خورده شود طبیخی که حیض براند صفه لوبیای سرخ
حلبه انیسون فوه از هر یک چهار درم سداب سه درم در سه رطل
آب بجوشانند تا به رطلی آید صاف کنند و قدری شکر اضافه
نمایند و هر صباح چهار درم بنوشند طبیخی که همین منفعت دارد
صفه لوبیای سرخ سه درم و انیسون فوه از هر یک چهار درم
فودنه ده درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف
کنند و قدری سکنجبین اضافه کنند و هر صباح سه درم بنوشند

باب العین عطوسی که فالج و سکته و لقوه و امراض بارده
را نافع بود و دماغ را از اخلاط پاک کند و عسر البول را سود دارد
و اخراج مشیمه کند صفه کندش شونیز فودنج فلفل جندبیدستر

زراوند حب بسان سنگ عاقرقرحا بوره ارمنی کوفته و بیخته در
بینی دمند **عقد سیماب** از جهت سرعت انزال نظیر ندارد **صفت**
زیبق پنج مثقال با قدری سرکه در بسته آهنی با اسکنه سنگ صلایه آنرا بسایند
تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی داخل نمایند و مغرفه آهنی
پر از سرکه سازند و این را در آن مغرفه ریزند و بر آتش نهند
و سه مثقال روی سوخته صلایه کرده اندک اندک بخورد آن دهند
و در بسته اسکنه یا آهن بر هم زنند تا بلغم شود و بعد از آن آنرا
و چهل مثقال پاک بپالایند آنچه در کرباس ماند بستانند
و چندان به آب بشویند که پاک شود و چرک از آن برود پس آنرا
گلوله سازند و میان آنرا سوراخ کنند و ریسمان در آن
بگذرانند و در الیمو اندازند و یک شب بگذارند تا محکم شود و مانند
حجری بعد از آن آنرا در روغن تازه بجوشانند و در محل حاجت

در دهن

۱۰۰

در دهن نگاه دارند و چون خواهند که انزال شود از دهن بیرون
آرند **باب الغین غرغره** از جهت ثقل لسان که سبب آن بلغم
باشد نافعست **صفت** نوشادر سه درم زنجبیل نمک هندی
شونیز عاقرقرحا مویزج صعتر پاره میعه ایرسا از هر یک سه درم
بوره ارمنی وج از هر یک پنج درم زوفا دار فلفل از هر یک دو
درم کوفته و بیخته بعسل سرشند و با سکنجبین غرغره نمایند
غرغره که قروح حلق را نافع بود **صفت** زاج سفید کاغذ سوخته زرد و نیز
کندش زعفران از هر یک مثقالی نمک نوشادر از هر یک نیم مثقال
کوفته و بیخته به سرکه غرغره کنند **غرغره** که روی زبان سفید و براق
گرداند **صفت** ارد جو ارد نخود ارد باقلا نشاسته کتیرا لحم زرنب
کوفته و بیخته بشیر تر سازند و شب بر روی مالند و صباح بآب گرم
و صابون بشویند **باب الفا فنجیوس** معده را قوت دهد

و بواسیر را نافع بود و باه را زیاده گرداند و رنگ را نیکو کند و دفع
سرعت انزال کند صفه هلیله سیاه پوست هلیله زرد املهٔ مقشر
شطرج هندی سنبل الطیب فلفل دارفلفل زنجبیل سعد از هر یک ده
درم تخم شبت تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید
صد درم عسل سه وزن ادویه خبث الحدید را چهار شبانه روز
در سرکه خیسانند بعد از آن خشک کنند و صلایه کنند چنانکه
بر روی آب پاشند بقدر آب نرود و باقی ادویه را کوفته
بیخته اضافه نمایند و بعسل معجون کنند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی دو درم و بعضی ده درم مسک اضافه میکنند
فرودروش نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض ارحام جامله
را که سبب آن برودت باشد سود دارد و بادهای غلیظ
دفع کند صفه افیون عاقرقرحا سنبل زعفران از هر یک
[illegible] دو درم

هفت درم افیون زرآوند از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل
سرشته و بعد از شش ماه استعمال نمایند فرودروش دیگر
معده را قوت دهد و باه را زیاده کند و سرعت انزال
دفع کند صفه پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شطرج هندی
تخم کرفس خربوا قسط تلخ سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان ملک
از هر یک دو درم پوست هلیله املهٔ مقشر نانخواه دارفلفل
از هر یک چهار درم تودری قرفه سنبل جوزبوا زنجبیل
فلفلمویه از هر یک هشت درم سعد ده درم مشک دو مثقال
عنبر یک مثقال خبث الحدید بدستور ادویه روغن گاو چهل
مثقال عسل مصفی دو وزن و نیم ادویه بطریق معهود معجون
سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم بنبید
زبیب یا شیر گوسفند بیاشامند فنداذیقون درد معده

وامعا سود دارد و معده را گرم کند و بادها بشکند صفة زعفران
الخدران [illegible] سیداب تخم کرفس [illegible] حاشا [illegible] ملقوزه از
هر یک [illegible] درم فلفل هشت درم عسل دو وزن ادویه شربتی
یکمثقال یا دو مثقال **فلونیای رومی** این معجون مبارکست [illegible] باز
دارد و دردها ساکن گرداند نفث الدم و اسهال دموی و قولنج
و هیضه و سیلان طمث را نافع باشد صفة فلفل سفید دارفلفل
بزر البنج از هر یک بیست مثقال اسارون هندی سنبل [illegible] حب بلسان
عاقرقرحا و افیون از هر یک یکمثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب
از هر یک چهار مثقال تخم کرفس نبطی سه مثقال در بعضی نسخها
در عوض تخم کرفس نبطی دو قوت [illegible] مجموع کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دانگی یا نیم مثقال
از جهت قولنج در طبیخ شبت و از جهت درد گرده و مثانه در طبیخ جعده

واز جهت درد

واز جهت درد و سده در طبیخ انیسون واز جهت [illegible] با
سکنجبین واز جهت درد مثانه و گرده در طبیخ دارچینی و از جهت
باز داشتن خون در طبیخ سماق **فلونیای فارسی**
استفراغ خون از هر موضع که باشد باز دارد و درد [illegible]
و بادهای رحم بشکند و [illegible] قطع حیض نماید و اسهال [illegible] باز
دارد و درد دندان بنشاند و دماغ را قوت دهد و حافظه [illegible] صفة
فلفل سفید بزر البنج از هر یک بیست درم افیون [illegible] مختوم از هر یک ده
درم زعفران پنج درم فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم
جند بیدستر یکدرم زرنباد درونج رومی [illegible] از هر یک نیم درم
کافور دانگی و نیم کوفته و بیخته بعسل سرشته و بعد از شش ماه استعمال کنند
شربتی یکدرم **فتیله** که نافعست از ضربان گوش و ریم که از
گوش برآید صفة [illegible]

کنند و در گوش نهند فتیله که گرانی گوش ببرد صفه اگر
سفید و نیم بکافند و تخم و عسل از وی جدا کنند و بوره و قردمانا
و خردل کوفته و بیخته بدان بسرشند و فتیله سازند و در گوش
نهند خردل و اگر کوفته در گوش نهادن همین عمل کند فرزجه که
اخراج مشیمه کند و جنین مشیمه بدر آرد صفه زراوند مدحرج اهل
ترمس خرمنه از هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران بسرشند
و فرزجه بردارند فرزجه که در آبستنی نهند باشد صفه سرگین بزکوهی
مایه خرگوش از هر یک قدری کوفته و بیخته بعسل گرم کرده بسرشند
و نیم بشم بایده فرزجه سازند فرزجه که همین خاصیت دارد
صفه مایه خرگوش دارچینی عنبر زراج نبات ساوی کوفته و بیخته
بگلاب سرشته استعمال نمایند فرزجه که همین عمل کند صفه با بیران
جنی سورنجان صبر رازیانه زنجبیل از هر یک وانگه کوفته [illegible]
ازو سازند

[illegible]

فرزجه سازند فرزجه که همین نفع دارد صفه پیه ساریه چند
مرقیط بازرد جاوشیر مقل سنگ کوفته فرزجه سازند و بیدار
چند روز و بیدار چهار ساعت مثانه شربت نمایند فرزجه که همین
عمل کند صفه مایه خرگوش سرگین او بعسل سرشته بیشتر بابر وارند
دشت چهارم مثانه شربت نمایند فرزجه که بچه مرده را فرود آورد
صفه مرجاوشیر خرق سفید مساوی کوفته زهره گاو بسرشند
و استعمال نمایند فرزجه که حیض راند صفه اشنان عاقرقرحا
جاوشیر از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم کوفته و بیخته بقطران سرشته
فرزجه سازند فرزجه که منع حبل کند صفه مازو حب الاس مساوی
کوفته و بیخته باب گرم فرزجه سازند و پیش از مجامعت استعمال
نمایند فرزجه که درد و وجع رحم وجع بواسیر را نافع بود و ورم
صلب رحم را نرم کند صفه بابونه پیه بط افیون موم مساوی

[illegible]

به پشم پاره بردارند **فرزجه** که اورام را نافع بود **صفه** کندر
انزروت دم الاخوین حب الآس گل ارمنی اقاقیا کوفته
و بخته با لسان الحمل سرشته به پشم پاره استعمال نمایند
فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را تنگ گرداند **صفه** سنبل بسباسه
زرنجوش قشا کندر صعتر اذخر گل خیری گل سرخ پوست
بیخ کبر رتس مساوی کوفته و بخته بروغن بان سرشند و به پشم
پاره بردارند **فرزجه** که همین خاصیت دارد **صفه** فقاع اذخر
سعد عود قرنفل از هر یک یکدرم عنبر یکدرم مشک دانگی اقاقیا نیم
دانگ کوفته و بخته بگلاب سرشند و به پشم پاره بردارند
فرزجه که حکم رحم را بنشاند و انرا ابنه النسا گویند **صفه** سداب فقاع
پوست انار عدس تعشر در گلاب و قدری سرکه به پشم بپزند
و به پشم پاره بردارند **فرزجه** که حیض بر بندد **صفه** گلنار کندر مازو
کره

سرمه اقاقیا شب یمانی کوفته و بخته با لسان الحمل
سرشند و فرزجه سازند و در پشت عانه طلا کنند
فرزجه که حیض براند **صفه** مر فوتنج از هر یک چهار درم ابهل اشنه درم
سداب ده درم مویز منقی جبت درم کوفته به زهره گاو سرشته
فرزجه سازند و برگیرند **فرزجه** که ورم صلب رحم را نافع باشد **صفه**
کندر بازرد از هر یک دو درم زعفران جاوشیر اشق از هر یک
یکدرم مصطکی جند بیدستر مقل سایله روغن سوسن پیه بط
روغن بابونه از هر یک سه درم صمغها را در مطبوخ حل سازند
و پیه را و روغن یکجا ازند و باقی ادویه را کوفته و بخته بان
سرشند و استعمال نمایند **باب القاف قرص عنصل**
پیاز عنصل کوچک بستانند و در خمیر گیرند و در تنور نهند
تا پخته شود بعد از ان مغز انرا که نرم شده باشد بگیرند و در هاون

[illegible]

بکوبند و بوزن ان کرسنه اضافه نمایند و باندری شراب
برشند و دست را بروغن کل چرب کنند و قرص سازند
و بعد از دو ماه استعمال نمایند **زهر افعی** بدانکه انواع افعی
بسیار است و انکه در تریاق فاروق مستعمل است اشقر
باید زیرا که سیاه بخت زهرناک باشد و زهران بد بود
و سفید ضعیف بود و اشقر معتدل بود جوان تندرست باید
و نشان جوانی او انست که حرکتهای او قوی باشد سریع
الحرکت و نشان تندرستی و قوت آنست که سر برا فراشته
دارد و چشمهای او سرخ بود و دلیر باشند و ماده باید
زیرا که ماده ضعیف تر باشد و نشان ماده کی انست که
در دهان او چهار دندان باشد که از انیش دندان کوپید
از هر جانبی دو و افعی نر را یکی باشد و مخرج ثقل او و فرج او بدنبال
نزدیک بود

نزدیک بود و دنبال او دراز نباشد و انرا مار کران
کلته دم کویند و نیز باید که شکم او صلب بود زیرا که صلابت
علامت ان باشد که در تن او رطوبات فضلیه کمتر است
و سرهن باید از برای انکه سرهن علامت قوت دماغ است
و در میان فصل بهار باید کرفت که افتاب به ثور باشد
و اگر بهار طبع زمستان داشته باشد در اخر بهار باید
در اول تابستان کرفت تا قوی باشد و ماوای او
در میان درختان نباید خاصه درخت بلوط و بایب
نزدیک نباید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرائی پاکیزه
باید و دهتران باشد که در محلی که او را کیرند نکشند
تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلود نکردد و تشنه و
بیمار نشود و کشتن او چنان باید که مقدار چهار انکشت از

سرو دنبال بکیفیت جدا شود زیرا که زهر در دنبال مجتمع گردد
باشد و فضلهای بد در دنبال و چون کشته باشند نظر باشند
اگر از وی خون بسیار رود و تا دیرگاه حرکت کند نیک باشد
و اگر زود از حرکت بایستد ضعیف بود و بدین کار نیاید و آنکه
شایسته این کار بود شکم او بشکافند و پوست او باز کنند و اندرون را
باب صافی چند نوبت بشویند پس در آب صاف و اندکی
نمک با چند شاخه چوب شبت بجوشانند تا مهرا شود و گوشت
از استخوان جدا کنند و بگذارند تا سرد شود و آب آن را پالایند
و آن گوشت را با چهار یک نان سفید با کره بریان کرده بکوبند
و با آن آب که از وی پالوده باشند برسشند و دست و بینی را روغن
بلبان چرب کرده اقراص سازند هر یک مثقالی و در سایه خشک
کنند خاصه که مطلقا اثر نم نباشد و در ظرف آبگینه نگاه دارند و باید که

در محل نمناک ننهند افعی در قرص سازند قرص منی بکنند که بوی آن بدماغ
رسد **نقرس کوکب** قمحه ضعیف را قوت دهد و نگذارد که
فضول بدان مندفع شود و چون بر پشت طلا کنند صداع را نافع باشد
و منع نزلات کند و چون با بارزد و جاوشیر بزنند و بر دندان کرم خورده
نهند درد و ساکن کند و چون با آب نخود در گوش چکانند درد
نشاند و نفث الدم و سیلان خون از هر موضع که باشد بازدارد
و سرفه کهنه را سود دارد و تبهای دوری را نافع باشد و چون
باب سداب بشامند جمیع زهرها و گزیدن جانوران را نافع باشد.
صفت مر جند بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لفاح از هر یک
چهار درم افیون زعفران قسط کوکب الارض و انزروت بکوبند
از هر یک پنج درم انیسون دوقو سیسالیوس بزرالنجم میعه سائله
تخم کرفس از هر یک شش درم همه را در شراب ریحانی حل کنند

داروها را کوفته و بیخته بآب بسرشند و اقراص سازند قرصی یکدرم
و در سایه خشک کنند **قرص طباشیر** ملین سرفه و خشونت سینه
و تبهای محرقه را نافع بود و طبع نرم کند و تشنگی بنشاند صفه طباشیر
سفید چهار درم ترنجبین سه درم مغز تخم خیارین و کدو نشاسته
صمغ عربی خشخاش کثیرا از هر یک یکدرم بلعاب بزرقطونا
برشته اقراص سازند **قرص طباشیر ممسک** تبهای صفراوی را نافع
باشد و شکم ببندد و خون باز دارد و تشنگی بنشاند صفه
گل سرخ یازده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی
از هر یک ده درم طباشیر سماق زرشک منقی از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بگلاب برشته اقراص سازند **قرص طباشیر کافوری**
بنسخه معمول تب دق و سرفه گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند صفه
طباشیر گل سرخ صندل سفید مغز تخم خیارین کاسنی کاهو خرفه
از هر یک

از هر یک یک مثقال کافور دانگی کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
برشته اقراص سازند **قرص کهربا** خون و رفتن از شکم باز دارد
کهربا بسد مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک نیم درم طباشیر
گلهای سوخته پوست بیضه محرق صمغ عربی از هر یک سه درم گشنیز
خشک بریان کرده خشخاش سفید و سیاه از هر یک شش درم
ودع سوخته بزرالبنج از هر یک دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
برشته اقراص سازند **قرص گلنار** خون باز دارد و صفه سلیخه گل ارمنی
صمغ عربی از هر یک چهار درم گل سرخ گلنار اقاقیا از هر یک سه درم
کوفته و بیخته با آب گلنار اقراص سازند **قرص زرشک کبیر** ورم معده
و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را نافع بود صفه عصاره زرشک مغز تخم خیار
مغز تخم خربزه از هر یک سه درم گل سرخ ترنجبین از هر یک شش درم
تخم کشوث اصل السوس طباشیر تخم کاسنی سنبل الطیب عصاره غافث

لک مغسول ریوند چینی از هر یک دو درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته بآب
ترنجبین اقراص سازند **قرص ریوند** ورم و صلابت جگر و سپرز
و تبهای کهنه را نافع بود **صفه** ریوند چینی سه درم [illegible] لک مغسول
منقی از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون غافث عصاره از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته با بیخ اقراص سازند **قرص خشخاش**
و تب سینه و سرفه را نافع بود **صفه** گل سرخ صمغ عربی از هر یک چهار درم
نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک دو درم زعفران یکدرم طباشیر
یکدرم خشخاش سفید و سیاه از هر یک سه درم با بیخ اقراص
سازند شربتی یکمثقال با ده مثقال شراب خشخاش **قرص گل**
درد معده و تبهای بلغمی را سود دارد **صفه** ورق گل سرخ سه درم
رب السوس چهار درم سنبل الطیب یکدرم طباشیر دو درم عصاره
غافث چهار درم کوفته و بیخته [illegible] سرشته قرص سازند **قرص ورد**

بلغ

به نسخه دیگر اقراص از اول **صفه** گل سرخ ده درم اصل السوس
عصاره غافث فستق از هر یک چهار درم مصطکی سنبل
اسارون عود خام اذخر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بگلاب اقراص
سازند **قرص غافث** یرقان و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبهای
کهنه را نافع باشد و معده را قوت بخشد **صفه** عصاره غافث
بیست درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم کوفته و بیخته با
آب [illegible] سرشته و اقراص سازند **قرص مقل** ورم معده را نافع
باشد **صفه** گل سرخ ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران [illegible] از
هر یک یکدرم قسط مر بادام تلخ از هر یک یکدرم و نیم مصطکی دو
درم و نیم مقل سه درم مقل را در شراب حل کنند و داروهای دیگر
کوفته و بیخته بر سرشته و اقراص سازند **قرص کافوری** یرقان و تب
گرم را سود دارد **صفه** [illegible] طباشیر گل سرخ از هر یک [illegible] دو درم

تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی گیرد از هر یک سه درم
تخم خیار تخم خربزه تخم کدو از هر یک نیم درم صندل سفید
رب السوس از هر یک دو درم کافور یک درم بلعاب بزر قطونا
اقراص سازند شربتی دو درم **قرص افسنتین** حمیات بلغمی و عسر البول
و برودت معده و جگر را نافع بود و سده طحال و کبد بگشاید **صفته**
افسنتین تخم کرفس اسارون مغز بادام مساوی کوفته با جالعی
سرشته و اقراص سازند شربتی یک مثقال **قرص کبر** اوجاع طحال را
نافع است و سده بگشاید **صفته** پوست بیخ کبر اشق از هر یک
چهار درم زراوند طویل دو درم تخم فنجنکشت فلفل از هر یک
شش درم اشق را در سرکه حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته
بدان سرشته و اقراص سازند **قرص عنبر یا نان** تب بلغمی و جگر ضعیف را
نافع بود **صفته** انیسون رومی افسنتین مغز بادام تلخ سنبل صبر از
هر یک

از هر یک چهار درم عصاره غافث سنبل هندی اسارون
از هر یک سه درم مصطکی تخم کرفس از هر یک یک درم کوفته و بیخته
بگلاب سرشته اقراص سازند **قرص ایرسا** شربتی یک درم با طبیخ
افسنتین دو درم حلب بزر دانوم سازد **صفته** ایرسا چهار درم
فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را در سرکه حل کنند و
باقی ادویه را کوفته بدان سرشته و اقراص سازند شربتی دو درم
کوفته
با سکنجبین **قرص عود** فی دو حیضه باز دارد **صفته** عود چهار درم
اقراص سازند شربتی دو درم **قرص عود** بنوعی دیگر معده را قوت
دهد و اشتها آورد و طعام هضم کند **صفته** قرنفل مصطکی از هر یک
سه درم قاقله سیاه سنبل از هر یک دو درم عود خام قرفه
پوست ترنج از هر یک نیم درم زعفران جوزبوا زنجبیل دارفلفل
از هر یک یک درم قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته اقراص سازند

قرص کهنارج ترکیب جالینوس است پیر زهله را بگدازد صفه
کهنارج چهار مثقال فلفل سفید اسارون اشق از هر یک دو
مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کرده و ادویه دیگر را کوفته و
بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین قرص
بنفشه تب و سرفه و خشکی طبیعت را نافع بود صفه بنفشه ده درم
ترنجبین سفید پنجدرم رب السوس سه درم گل سرخ پنجدرم و نیم سقمونیا
سه درم مصطکی یکدرم و نیم شربتی یکمثقال با گلاب دهند قرص کهربا
بر نسخه دیگر اسهال و موی و افراط خون بواسیر و حیض را نافع بود صفه
خشخاش کهربا مصطکی از هر یک سه درم زعفران دو درم کوفته و بیخته
بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص الجلنار اسهال و موی و افراط
طمث و قی الدم را نافع باشد صفه بیخ الجلنار چهار درم گل سرخ
صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار نشاسته گل ارمنی

طباشیر

طباشیر رب السوس از هر یک دو درم اقاقیا یکدرم و نیم
کوفته و بیخته با آب مورد قرص سازند قرصی که استسقا را نافع بود
صفه گل سرخ سه درم جوز بوا سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر
دارچینی قسط از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص سرطان که سل و دق و نفث الدم را نافع باشد صفه گل مختوم گل ارمنی
نشاسته گل سرخ از هر یک شش درم سرطان سوخته ده درم
کتیرا دانه نخود مغسول از هر یک پنجدرم رب السوس سه درم تخم
کرفس سماق مصطکی از هر یک یکدرم مازو زیره کرمانی در سرکه
خیسانیده و باقی الادویه را کوفته و بیخته با لعاب لسان الحمل اقراص
سازند قرص تخم خیار تخم خیارین ده درم تخم خرفه اصل السوس
از هر یک چهار درم طباشیر سرطان محرق از هر یک دو درم
نشاسته کتیرا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند

قرصی که افلیج قدیم را نافعست صفته رب السوس صمغ عربی
نشاسته کتیرا تخم خشخاش کدو از هر یک دو مثقال انزروت مصطکی
ریوند چینی از هر یک یکمثقال مغز بادام سه مثقال بلعاب بزرقطونا
ولعاب سرشته قرص سازند شربتی دو مثقال قرص مشک
نسخه مجرب ذکر یافت معده و دل و جگر را نافعست صفته مصطکی قرنفل
عود دارچینی سنبل مشک جوزبوا کبابه هیل پوست ترنج قاقله
از هر یک مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بشراب یکجائی سرشته
اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص ذات الصدر رب السوس ده
درم بنفشه دو درم نشاسته کتیرا تخم خطمی و ازبانه از هر یک
سه درم کوفته و بیخته بلعاب بزر کرفس و بزرقطونا و بهدانه سرشته
قرص سازند شربتی سه درم بشراب بنفشه قرص فواق نفس و فواق
امتلای را نافعست صفته کندر نیم درم ترمس نخود نه سداب تمام

از هر یکی درم

از هر یک سه درم صعتر نانخواه سعد از هر یک درمی نیم مکلا
سرشته قرص سازند شربتی یکمثقال بطبیخ زیره قرص مازریون
استسقای زقی حار را نافع باشد صفته تخم کاسنی ده درم مازریون
غاریقون عصاره غافث از هر یک دو درم نیم کوفته و بیخته را
ده قرص سازند و هر روز یک قرص بدهند تا ده روز تمام
قرص افیتمون قولنج را استاصل نماید صفته تربد سفید افتیمون از هر یک
ده درم سکبینج نیم درم کوفته و بیخته قرص سازند و هر روز یک
قرص بآب والاصول بدهند قرص مر که حیض راند و تسهیل ولادت
کند صفته مر سه درم ترمس نیم درم سداب نونخواه قردمانا مشکطرامشیع
فوه ملیثا جاوشیر سکبینج از هر یکی دو درم کوفته و بیخته قرص
سازند شربتی دو درم بطبیخ ابهل قرصی که استسقای حار و ورم
جگر و سپرز که با اسهال بود نافع باشد صفته طباشیر گل سرخ گلنار

زرنگ سماق کرمانی تخم حماض تخم کاسنی و تخم گشنیز تخم
خرفه از هر یکی یک درم سعد فقاح افسنتین اذخر سنبل ریوند که
پوست بیخ کبر افیون از هر یکی نیم درم کافور دانگی کوفته و قرص
سازند شربتی سه درم **قطوری** که درد گوش که از گرمی باشد دفع
کند **صفت** روغن گل سرکه از هر یکی شش درم با نیم درم بر بزنند چندانکه
سرکه برود و روغن بماند و نیم گرم در گوش چکانند **قطوری** که درد
گوش که از سردی باشد دفع نماید **صفت** افیون جندبیدستر از هر یکی
دو درم و درد من سعیتج بزنند تا بقوام آید در روغن سوسن
حل کنند و نیم گرم در گوش چکانند **قطوری** که درد گوش را
نافع بود **صفت** افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن گل چهار درم
سرکه کهنه سه درم با یکدیگر مخلوط ساخته نیم گرم در گوش چکانند
قطوری که چون در احلیل چکانند قرحه و سوزش بول را نافع باشد

سپیداب

سپیداب کندر انزروت صمغ عربی نشاسته دم الاخوین
ساوی کوفته کلولها سازند و در وقت حاجت یکی از آن شیر
دختران سائیده بچکانند **باب الکاف کلکلانج بزوری**
استسقای ریودت بعده و تبهای کهن و سرفه بلغمی و ضیق النفس و
قولنج و صرع و طحال و سلعه بلغمی و بهق و اختناق رحم را سود دارد و
بول بگشاید **صفت** بلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یکی ده درم
فلفل دارفلفل زنجبیل قلقطار نمک هندی برنج نمک هندی سیاه نمک
اندرانی نمک طبرزد نمک خبز لسان العصافیر شیطرج هندی سعد خرنوا
قرفه قرنفل صعتر عربی کابلی مقشر شونیز حب النیل ذریره کرمانی بابونج هندی
تخم کرفس شیرخشت از هر یکی نیم درم تربد سفید صد و پنجاه درم
فلوس خیارشنبر ده درم مویز منقی نیم من شیره املج مویز را
را در شش من آب بزنند تا بدو من آید و پالایند و خیارشنبر در آن

حل کنند و سرخ فایذ هم دران آب بکدازند و نیم من روغن
گنجد بان بیامیزند و بجوشانند تا بقوام آید و داروهای دیگر را
کوفته و بیخته بان بر سرشند شربتی یکدرم با شیر شتر یا اب عنب الثعلب
کلکلانج بارد استسقای حار را نافع باشد **صفه** مازریون مدبر
غاریقون تخم پوست هلیله زرد از هر یک یکدرم عصاره افسنتین
سه درم بیخ سوسن کلکلانج تخم کاسنی تخم خربزه رب السوس
از هر یک دو درم ترنجبین ملوس خیار شنبر و فانیذ بجری از هر یک
پانزده درم صاف کرده بقوام آورند و داروهای دیگر را
کوفته و بیخته بان بر سرشند شربتی دو درم تا چهار درم **کلکلانج**
حار نافع است استسقا را که با او حرارت نباشد **صفه**
مازریون مدبر غاریقون پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک یکدرم
ابرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافت سنبل الطیب از هر یک

دو درم

دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم
کمونی برودت معده و شهوت کلبی و حباب بلغمی و سودای
و نفخ و فواق بلغمی و امتلای و قی و قولنج ریحی را نافع باشد و بادها
بشکند **صفه** زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده درم
زنجبیل سداب از هر یک بیست درم بوره ارمنی یکدرم دار فلفل نیم
مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسم است شربتی یکمثقال
کحل زعفرانی که حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه و سیلان را نافع باشد
صفه زعفران سنبل از هر یک دو درم دار فلفل یکدرم فلفل سفید
کافور از هر یک دانگی نیم توتیا دو درم و نیم درم مازو سه درم کوفته و بیخته
در چشم کشند **کحل دیگر** که همین خاصیت دارد **صفه** شادنج مغسول
دو درم دم الاخوین شادنج هندی سنبل دار فلفل از هر یک یکدرم
مازو یکدرم قاقله سک از هر یک یکدانگ کافور نیم دانگ کوفته و بیخته

بدان اکتحال نمایند **کحل الجواهر** توتیای هندی توتیای کرمانی
طباشیر فیروزه یاقوت هر لون که باشد مرجان سنج سرطان
بحری بسد ساذج هندی ماميران چینی دار فلفل سنبل هلیله زرد
املج اشنه نمک هندی قرنفل سرمه صفاهانی از هر یک یکدرم شیاف
مامیثا مارقشیشا و انزروت از هر یک نیم درم تصفیه نموده بطریق معهود
پس عمل بس‌ها ذرور در چشم کشند کردی گفته‌اند باید که
سرمه یمنی و تمام اجزا نیم من که اصل سرمه است **کحل الجواهر**
بصر را قوت دهد و تیز گرداند **صفه** سرمه اصفهانی هشت درم
مارقشیشا نیم درم اقلیمیا طلا دوازده درم مروارید ناسفته
سه درم زعفران نیم درم ساذج هندی دو درم صلایه کرده
بدان اکتحال نمایند **کحل الجواهر** به نسخه دیگر **صفه** سرمه شش درم توتیا
چهار درم بسد مارقشیشا از هر یک دو درم مروارید ناسفته دو درم
ساذج هندی

ساذج هندی یکدرم مشک یک طسوج صلایه کرده چنانکه رسم است
و بدان اکتحال نمایند **کحل روشنایی** نافع است از جهت ضعف بصر و درد و روشنایی
مس سوخته شادنج مغسول از هر یک نیم درم زنگار توبال ارزنی عصفوری طری
از هر یک یکدرم اقلیمیا دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند **کحل**
عزیزی بصر را تیز کند تاریکی چشم ببرد و دمعه و سبل را نافع باشد
صفه سرمه اصفهانی توتیای هندی مس سوخته از هر یک دو درم توبال
هلیله زرد ساذج هندی قرنفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی زعفران
سرطان بحری از هر یک یکدرم زنجبیل نیم درم کافور نیم دانگ سنگ
سه حبه قرنفل دو دانگ صلایه کرده در چشم کشند **کحل مازو**
بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و حکه جفن را سود دارد **صفه**
شادنج مغسول ساذج هندی از هر یک یکدرم دار فلفل و دم الاخوین
از هر یک نیم درم سروی سوخته مازو از هر یک یکدرم قاقله سنگ

از هر دانگی کافور بکسلسوخ کوفته و بیخته بدان اکتحال نمایند کحلی
که بیاض و آثار قروح از چشم ببرد و شعیره را نافع بود صفه
زبد البحر اقلیمیا نقره سفیداب ارزیز سوخته از هر یک چهار درم
مروارید ناسفته سنبل از هر یکی دو درم صمغ عربی کثیرا انزروت
بعر الضب نشاسته بسحقونیا از هر یک یکدرم کوفته و
بیخته استعمال نمایند کحلی که نزول آب را نافع بود صفه زهره [illegible]
ده درم تخم حنظل یکمثقال فربیون نوشادر از هر یک نیم مثقال
سکبینج یکدرم کوفته و بیخته با آب رازیانه یا سداب بسرشند
کحلی که مژه برویاند صفه استخوان خرما سوخته یکدرم دخان
کندر چهار درم سنبل جبلبان از هر یکی سه درم لاجورد
شسته ده درم کوفته و بیخته رغن کشند کحل بغشمی تاریکی
چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد صفه شادنج مغسول

دو درم

دو درم وسم الدخوین دانگی روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب
از هر یک نیمدرم سادج هندی دو دانگ قاقله مشک از
هر یکی دانگی کافور نیمدانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند کحلی که
محی چشم را نگاه دارد صفه توتیا ده درم شیاف مامیثا یکدرم
صبر سقوطری حضض هلیله از هر یک یکدرم کافور نیمدانگ کوفته
و بیخته با آب غوره یا سماق بسرشند و در سایه خشک کنند
و صبح و شام در چشم کشند کحل حکمت گل زرد با کره
چهار درم بکوبند و بیزند و یکمن کاغذ نیم من نمک و در آب کنند
و بدست بمالند تا حل شود بعد از آن گل بر آن کنند و بچهار
سوی سرآدمی بمقراض چیده و چهار یک سرگین اسب بیخته
داخل کنند و نیک بمالند و مقدری در آب تر کنند و بمالند و
آنگاه وصله وصله کنند و خشک گردانند و در وقت حاجت المقدار

(کحلی بغایت اعلی از دستور است)
جهت ازاله بیاض عین نافع به تجربه رسیده
شبت سبز محرق مغسول دو مثقال نوره
ارمنی زبد البحر هر یک یکمثقال به دستور معمول
بکشند محکم و صلایه نموده بکار برند
(صفت کحل ازرق که از ذخیره نقل شده)
جهت دمعه نافع نوشته شده
زعفران یکمثقال کافور ریاحی نیم دانگ
نرم بسایند و بکار برند

کر خواهند بکوبند و باب بشند و استعمال نمایند **باب اللام**
لعوق سپستان خشونت حلق را نافع باشد و سینه را نرم
کند و نفس را آسان کرداند و طبع را نرم کرداند صفته سپستان
دویست عدد و عناب و مویز منقی چهل درم ملوکس خیار شنبر پانزده درم
در شش رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید و بدست بمالند
و صاف کنند و یک رطل قند اضافه نموده بقوام آورند
لعوق زوفا ربو و سرفه کهنه را نافع باشد و سینه و شش را
از اخلاط غلیظ پاک کند صفته زوفا خشک بیخ سوسن
از هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا رطلی آید
و صاف نمایند و با رطلی قند سفید بقوام آورند **لعوق**
حب الرشاد سرفه بلغمی را نافع باشد و سینه را از اخلاط
پاک کند صفته تخم تره تیزک ده درم اصل السوس چهار درم انیسون
رازیانه

رازیانه از هر یک سه درم مجموع نیم کوفته در دو رطل
آب بجوشانند تا رطلی آید و صاف نمایند و با یک رطل
عسل مصفا بقوام آورند **لعوق خشخاش** نزله گرم و رقیق را نافع
باشد صفته تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته کتیرا صمغ عربی
از هر یک چهار درم مغز تخم کدو مغز بهدانه شیرین از هر یک سه درم
کوفته بجلاب بسرشند و لعوق نمایند **لعوق نی** که سرفه کهنه
را نافع باشد و سینه را نرم کند صفته رب السوس بهدانه
از هر یک دو درم با ثلاث نشاسته کتیرا صمغ عربی تخم حنظل تخم
خطمی مغز تخم خیار مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هر یک یک درم
خشخاش دو درم مغز بادام مویز منقی از هر یک بیست درم مویز را
در روغن بادام بریان کنند و ادویه دیگر کوفته و بعضی را بخیزند و با
مقشر بسرشند و لعوق سازند **لعوق صبر** سرفه بلغمی را سود دارد

و ماده را نضج دهد و سینه را از اخلاط پاک کند صفه
سپر پاک کرده نیم من و نیم من روغن گاو بپزند تا مهرا شود
پس نیم بهدونه نیک بمالند و با یکمن عسل بقوام آورند
لعوق که ربو و ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع باشد صفه بزرگ
بریان کرده کوفته درم با یک مثقال روغن بنفشه بادام و پنج درم
عسل بسرشند و لعوق سازند لبوب کبیر کرده را لازم کند
و قوی گرداند و منی بیفزاید و نشاط آورد و باه را زیاده کند
و دل و دماغ را قوی کند و بدن فربه گرداند و رنگ را نیکو
کند و اعصاب را محکم سازد و در امر مجامعت نظیر ندارد
و گفته اند هر که ده روز بدین مداومت نماید هرگز نعوظ او
ساقط نشود صفه مغز پسته مغز فندق مغز بادام مغز حب الخضرا
مغز کدو کاهی مغز چلغوزه مغز حب القلم ماهی دریایی خولنجان شقاقل
ابهمن

بهمنین تودری سرخ و زرد بجل کنجد مقشر و ارضی از هر یک پنج
درم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل کبابه چینی حب فلفل تخم گزر
تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم شبت تخم البوزیدان لسان العصافیر و دو پنج تخم
عقرقرحا زرنباد از هر یک سه درم جوزبوا بسباسه دار فلفل دار
فلفل از هر یک دو درم خصیه الثعلب زنجبیل تازه مغز نخود مغز
از هر یک ده درم قضیب گاو سوده سورنجان بوزیدان نعناع
خشک از هر یک چهار درم ماهیه شتر اعرابی زعفران مصطکی
از هر یک سه مثقال عود خام دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق
نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال مشک تبتی نیم مثقال عسل
سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند لبوب صغیر
منی بیفزاید و کلیه و مثانه قوی سازد و نسیان را نافع باشد
و رنگ روی نیکو گرداند و دماغ را قوت دهد و قضیب را محکم سازد

و درامراض مقعد عظیم نافع باشد صح مرباء دام مرباء گردکان
حب الخضرا مرباء جلغوزه مرباء حب الزلم مرباء فندق مرباء پسته بادام حلو
تازه حب تنقل خشخاش سفید تودری کنجد مقشر تخم جرجیر
تخم بادرنجبویه تخم انجره تخم شلغم بهمنین زنجبیل دار فلفل کبابه چینی
قرفه دارچینی شقاقل خولنجان از هر یک هم وزن هلیون مساوی عسل
سه وزن ادویه سرشته چنانکه رسم است شربتی دو درم

باب المیم مخلصا اکبر صرع و دوار و صداع کهنه و رعشه
و فالج و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان و دردسر بود
و درد بلغمی و قروح امعاء و مغص ریحی و گرده و مثانه را نافع
و نفث الدم را باز دارد و چون آب بستان الحمل دهند درد
سده و سپرز را نافع باشد و چون با بزر ازیانه جوشیده بدهند
کهنه را زایل گرداند و محلل اورام بود و دفع سموم کند و چون
بر قضیب

ر قضیب طلا کنند نعوظ تمام آورد نسخه اخری از
هر یک وقیه و نیم حب بید ستر و مکی فطراسالیون از هر یک
پانزده مثقال تخم کرفس دو وقیه سیسالیوس یک مثقال قسط
دارچینی اقراص اذخر سنبل اسارون از هر یک
شش مثقال فلفل سفید دوازده مثقال سنبل هشت مثقال
حماما زعفران دار فلفل از هر یک چهار مثقال افیون انیسون
از هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه
رسم است و بعد از شش ماه استعمال نمایند از نیم مثقال یکدرم تا
چهار مثقال **معجون فلاسفه** و از ادوه الحیوه نیز خوانند
هاضمه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و نسیان
و سلس البول و درد پشت و درد گرده و اوجاع مفاصل را
نافع باشد و منی زیاده کند و باه برانگیزاند و دندان را

بحث کند و دوا قوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند

و بوی دهن خوش کند و پیر را از ابقای معتد باشد **صفه**

زنجبیل دار فلفل دارچینی امله بلیله سطوح هندی زراوند

مدحرج خصیة الثعلب شوحا قوزه عرق بابونه از هر یکی

یکدرم موز منقی بی تخم ده درم عسل مصفی دو مقابل ادویه

بطریق معهود معجون سازند شربتی دو درم **معجون انیسون** کرده

و مثانه سرد گرم کند و سده بگشاید **صفه** فلفل سیاه و سفید

حماما قسط سنبل الطیب قصب الذریره ساذج هندی زعفران

تخم کرفس انیسون عاقرقرحا اسارون تخم سداب برادی

کوفته و بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال [illegible] الاصول

باد را سیاد یان و آب کرفس دهند **معجون ابوسلیم** این

معجون از یاد رس گویند و همه دردها بشکند و تسکین بخشد

معجون [illegible]

(حاشیه: [illegible])

صفه انیسون بزر البنج از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران سنبل

عاقرقرحا سورنجان قاقله دار فلفل از هر یک یکمثقال کوفته و بحیه

بعسل بسرشند شربتی از دانگی تا نیم مثقال **معجون تریاک** قولنج صعب

و درد زهار بگشاید **صفه** خیربوا قرفه ساذج هندی فلفل دار فلفل

زنجبیل رنگ کابلی مغز دهقل از هر یک یکمثقال تخم کرفس سنبل زعفران

مصطکی از هر یک نیم مثقال تربد سفید سقمونیا از هر یک دو مثقال کوفته

و بحیه بابه حند ان عسل بسرشند شربتی دو درم **معجون تربدی**

قولنج بگشاید و بلغم دفع کند و درد بسیار کرداند **صفه**

سقمونیا ده درم قاقله کبار و صفار زنجبیل دارچینی قرفه بادر شکر

و نعل فلفل از هر یک نیم درم سکر تربد سفید از هر یک صد مثقال

عسل مصفی بقدر احتیاج معجون سازند شربتی دو درم **معجون تربدی**

صفرا و بلغم را دفع کند مغز کافیه مغز بادام سقمونیا از هر یک

(حاشیه: معجون حلتیت که خداوند سبع سودا

سودا دارد و ماده تب بر د

و زخم گزدم و رتیلا و مانند آن

بازدارد

حلتیت فلفل سیاه مرحاف

برگ سداب برابر بسرشند و برهند

و با عسل و روغن اجزا بسرشند

یکدرم خداوند تب ربع را دهند

[illegible] ده [illegible] کزدم

نصف و عبرا [illegible] العسل با ابراکنیم

باید داد)

ده درم زعفران درمی نبات بیست و پنج درم در گلاب
بگدازند و داروها کوفته بدان بر سرشند شربتی یکمثقال معجون السود
زحیر و اسهال کهنه را مفید باشد صفه افیون جندبیدستر سعد
بزرالبنج زعفران اسارون فرنجمشک کرفس سلیخه انیسون سنبل
گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته با آب مورد یا آب به بر سرشند معجون
حجرالیهود سنگ گرده و مثانه را پاک کند صفه مغز تخم خیار مغز تخم
خربزه مغز تخم کدو حب الکاکنج از هریک پنج درم حجرالیهود چهار درم
حلاوه کرده بعسل بر سرشند شربتی دو درم تا سه درم معجون
معتدل المزاج لقوه و فالج و رعشه و برص و جذام را نافع باشد صفه
زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط وج عسل بلادر از هریک ده درم
سداب حلتیت زراوند مدحرج جندبیدستر شیطرج هندی
حب الغار جندبیدستر خردل از هریک پنج درم با عسل صاف معجون
سازند

سازند چنانکه رسم است شربتی یکمثقال معجون حب الغار به نسخه محمد زکریا
قولنج بگشاید و استسقای طبلی و جمیع امراض بلغمی که با آن حرارت
نباشد نافع باشد صفه سداب خشک چند درم نانخواه زیره کرمانی
کاشم شونیز صعتر کرویا فطراسالیون مغز بادام تلخ فلفل فودنج
دار فلفل وج زوفا حب الغار جندبیدستر از هریک ده درم
جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغها را در شراب حل
سازند و داروها کوفته و بیخته و اخل سازند و بعسل بر سرشند شربتی
دو مثقال معجون زراوند و آنرا معجون ریوند گویند از ترکیب معجون زوفا
محمد زکریاست ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع بود صفه زراوند مدحرج
قردمانا فلفل کرسنه تخم سپندان سفید مغز بادام تلخ انجره
از هریک پنج درم رب السوس پرسیاوشان زوفا از هریک
ده درم کوفته و بیخته بعسل بر سرشته شربتی سه درم بطبیخ زوفا

معجون سعال نافعست سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صفت
مغز جلغوزه سه درم مغز پسته یکدرم مغز بادام مغز فندق از هر یک
ده درم فانیذ سی درم بطریق معهود معجون سازند شربتی
مثقالی یک گردکان معجون لولوی از اکبر جالینوس است
منفعت دارد قضیب را سخت کند و اوعیهٔ منی بگشاید
و شهوت زیاد کند و اعصاب را قوت دهد و در جمیع اعضا نفع عظیم
پیدا کند و نعوظ آورد و دوستی مرد در دل زن پیدا کند صفت
مروارید ناسفته بسد از هر یک یکدرم نقاح اذخر سعد کارنج
سلیخه دارچینی اسارون مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی
کثیرا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با هم چندان عسل برشند
و در وقت خواب زود یک مجامعت یک مثقال با آب نیم گرم
بیاشامند معجون نوذری در تقویت باه بی نظیر است صفت
تخم گزر

تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم هلیون تخم شبت تخم جرجیر
مغز جلغوزه حب الفلفل مغز حب الزلم بوزیدان قسط شیرین
زنجبیل تودری بن لسان العصافیر شقاقل بهمنین دارفلفل
خرف حلتیت قرفه سادی کوفته بعسل معجون سازند
شربتی سه درم در شیر تازه یا شراب ریحانی شیرین معجون
قیاد الملک مفاصل و نقرس و درد سر و تبهای کهن و ضیق
النفس و سرفه کهنه و نفس دوده و تاریکی چشم را نافع باشد
و بادهای غلیظ را دفع کند صفت خطبانا رومی اسطوخودوس
زوفا جاوشیر کمافیطوس تخم سداب فراسیون اسقوردیون
میوه سادج از هر یک نیم مثقال زعفران قسط فلفل سفید اذخر
سنبل زیتون پوست بیخ لفاح اشق کوفته دار باید دو قو
ورق گل سرخ ناردین حب بلسان از هر یک سه مثقال

قرفه هفت مثقال سلیخه شانزده مثقال عصارهٔ غافث

تخم خندقوقی صمغ عربی بادام از هر یک چهار درم افیون بزرالبنج

سفیداب از هر یک شش مثقال قند سفید چهار درم آنچه حل

کردنیست در مثلث حل کنند و آنچه کوفتنیست بکوبند و با آن

ممزوج سازند و بعسل معجون کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند

معجون نجاح مسهل سودا و بلغم بود و امراض سوداوی و بلغمی را نافع

باشد **صفه** هلیلهٔ سیاه و پوست هلیلهٔ کابلی آمله تعشیر افتیمون

از هر یک ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس تربد سفید از هر

یک پنج مثقال غاریقون سه درم حجر لاجورد و حجر ارمنی مغسول از

هر یک ده درم نیم سقمونیا سه درم کوفته و بیخته با صد و پنجاه

درم عسل بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال **معجون خیار**

شنبر مسهل صفرا و بلغم باشد **صفه** تربد سفید چهل درم

بنفشه ده درم

بنفشه سه درم نمک هندی رب السوس از هر یک هفت درم

رازیانه انیسون مصطکی از هر یک پنج درم سقمونیا ده درم

مغز خیارشنبر صد درم روغن بادام چهل درم قند و عسل از

هر یک صد مثقال مغز خیارشنبر در عسل و قند حل کنند و دواها

کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند و در یکدیگر سرشند شربتی

پنج مثقال تا هفت مثقال **معجون سورنجان** مسهل بلغم و صفرا باشد

و مخصوص بمفاصل و نقرس و عرق النسا است **صفه** سورنجان

شش مثقال پوست هلیله هفت درم تخم کرفس نمک هندی برگ

حنا زبد البحر فلفل سفید رازیانه صعتر از هر یک یک مثقال

گل سرخ زنجبیل سقمونیا کشنیز خشک از هر یک سه درم ماهی زهره

زیره کرمانی پوست بیخ کبر شیطرج هندی تودریان از هر یک دو

درم تربد سفید یازده درم روغن بادام چهار درم نیم عسل مصفا

(معجون [illegible])
[illegible]
معجون [illegible]
معجون دیگر [illegible]
[illegible]

صد و نخواه درم تربتی تخمیتال تا هفت مثقال **معجون نانخواه**
معده را پاک کند و اشتهای طعام آورد و باه را قوت دهد **صفت**
صعتر زوفا نانخواه نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک صد
مثقال جاشا دو مثقال وج بسباسه دارپا نه زنجبیل جوز
دانخشم کرفس از هر یک سه مثقال کوفته و بیخته با سه چندان
عسل بر سرشند **معجون سلمی** درد پشت و درد پای را نافع
بود و باه را قوت دهد و معده را سود دارد و پاک کند
و موی را دیر سفید کند و سر اعضای ال را نافع باشد **صفت**
گل سرخ سعد عاقرقرحا قرنفل مصطکی زرنباد زعفران قاقله
جوزبوا مساوی قند و عسل مصفا بقدر احتیاج قند را در
گلاب بگدازند و با عسل قوام آورند و داروها کوفته و بیخته در آن
بر سرشند **معجون غیاثی** اشتها آورد و بوی دهن خوش کند

و حفظ

و حفظ را زیاد کند و منی بیفزاید **صفت** زعفران عاقرقرحا
بزرالبنج فرفیون خولنجان قاقله کبار دارفلفل خبث حدید مدبر
مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل بر سرشند **معجون سیر**
لقوه و صرع و فالج را و رعشه و بواسیر و بهق و برص را نافع
باشد و معده را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و
قوت بیفزاید و رنگ روی سرخ گرداند و حرارت غریزی را افزاید
و برای اوجاع بلغمی بود **صفت** سیر پاک کرده نیم من در یک من آب
بپزند تا مهرا شود و سه چهار یک عسل سی درم روغن گاو
بر سر آتش بپزند و با یکدیگر ممزوج سازند و از آتش فرود آرند
و این داروها کوفته و بیخته با آن بر سرشند قرنفل جوزبوا بسباسه
فلفل مصطکی قاقله کبار و صغار هلیله کابلی دار چینی زنجبیل از
هر یک ده درم عود خام زعفران از هر یک پنج درم بتفاریق کردن

معجونی که نقرس بلغمی را دفع کند صفه پوست هلیله زرد
سورنجان ... زوفا از هر یک پنج درم فلفل سفید یک درم تخم
زیره کرمانی هفت درم زراوند چهار درم زنجبیل دو درم
افیون نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی دو مثقال
معجون مقل با درد بواسیر و بادهای که اندر رودها باشد
بشکند و اماس مقعده که خون آید سود دارد صفه هلیله کابلی پنج درم
مقل پنجاه درم مقل را در آب حل کنند و داروها بدان
سرشته شربتی دو درم معجونی که منع مستی کند قیساخ برگ سوخته شاخ بز سوخته
... تلخ کرفس ... دهنه کوهی ملح نبطی سداب نانخواه
ساوی کوفته و بعسل معجون سازند معجون ... درد معده
و جگر و سپرز را سود دارد و بادها بشکند صفه سنبل ...
نانخواه رازیانه تخم کرفس انیسون ... چند ...

...

سپست زراوند طویل مصطکی اسارون کرویا اجزا را
مساوی کوفته با ... بعسل مصفی سرشتند معجون حب
صینی ترکیب مولانا علاء الدین محمود جهت تقویت باه و معده
و دل و دماغ و جگر و گرده و مثانه و سرخی رنگ و روی
و فربهی بدن و بوی دهان خوش کند و منافع بسیار دارد
صفه بیخ چینی اعلا پنجاه مثقال مروارید ناسفته جلا کرده
دو مثقال شیطرج دو مثقال ریوند چینی افتیمون رومی از هر یک
سه مثقال سنبل ... از هر یک سه درم مصطکی عود خام مایه
... زعفران مشک عنبر از هر یک دو درم ... و
... از هر یک سه مثقال دارچینی قرنفل فلفل زنجبیل از
هر یکی دو مثقال جوز بوا بسباسه از هر یکی ده مثقال
خصیة الثعلب پنج مثقال تخم گزر تخم شلغم بهمنین ...

از هر یک سه مثقال بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم شقاقل
ده درم کبابه خولنجان بصری قسط شیرین از هر یک دو درم تودری
سرخ و زرد از هر یک سه مثقال سعد کوفی دو درم ورق [illegible]
سدس ادویه مجموع را کوفته و بیخته گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ
دوالا از هر یک ده مثقال جوشانیده صاف کرده آب آن
نگاه دارند تخم خربزه تخم خیار تخم کاسنی تخم خرفه
از هر یک ده مثقال نرم بکوبند و شیره بگیرند و آن شیره را با آب
جلاب سابق کنند و آب شیرین و آب انار شیرین و گلاب
صاف مثل سه وزن ادویه قوام آورند و فندق و بادام
و کدوکان و جلغوزه از هر یک ده مثقال نرم بکوبند مانند مرهم
و در عسل اندازند و زعفران الکلاب حل کنند و بعد از آنکه
سرد شود اضافه کنند و مشک را دو حصه کنند یک حصه را

اول

[illegible] ... سه درم ... و [illegible] ... یک مثقال ... [illegible]

اول داخل کنند و یک حصه دیگر بعد از سایر ادویه نافع بود و بعضی
دیگر این اجزا را داخل می نمایند اسارون سه مثقال [illegible]
مغز پسته بر بریده ده مثقال گل مختوم صندل از هر یک سه
مثقال خشخاش سفید ترکیب ساخته در ظرف آبگینه یا ظرف چینی
نگاه دارند **معجونی** که نافع است کسی را که عاجز باشد از ادای
بکارت **صفه** زنجبیل دارچینی خصیة الثعلب شقاقل جوز بوا
بان العصافیر مصطکی زعفران دار فلفل بوزیدان ورد احمر
بهمنین تخم [illegible] تخم کرنب از هر یک دو مثقال مشک و عنبر
از هر یک یک مثقال حب القلقل سه درم زاید الفکر بیست مثقال
عسل نیم من ترکیب نمایند **معجون الباه** از ترکیب مولانا
فخرالدین شیرازی **صفه** بهمنین خولنجان از هر یک پنج درم زنجبیل
سه مثقال ماهیه شتر اعرابی مثقال تودری زرد و سفید از هر یک

بجمقال خشک هر یک ده درم جوز بوا ده درم مغز بادام فندق
از هر یک ده مثقال زعفران سه درم گاوزبان پنج مثقال
بسباسه درونج عنبر اشهب درمی ورق الخیال صد مثقال
شکر سفید جوشانیده صاف که ده عسل قوام آورند و
داخل کرده بسرشند **معجون سنجری** آب انار شیرین یک رطل انگبین
یک رطل هر دو را با آتش نرم بجوشانند تا نیم قوام شود و مدت
یک هفته از آن هر روز سی درم تناول نماید تقویت باه قوت
دهد و منی بیفزاید **معجون الحد** جهت قوت باه نافع باشد
صفت آبی که آهنگران آهن را بان سرد می کنند نیم من سیر
پاک کرده ده استار در آن آب داخل کرده بجوشانند تا پخته شود
بعد از آن آب را صاف کنند و سیر را بیندازند و فلفل و
زنجبیل بسباسه لسان العصفور قرنفل دارچینی هلیله زرد

زنجبیل

بلیلج عود صلیب از هر یک ده درم دار فلفل پنج درم زعفران
شک از هر یک پنج درم همه را جدا جدا بکوبند و نرم بپزند و
داخل آن آب کنند و نرم نرم آتش کنند تا از همدیگر دارو
بار انگور دگر دهند و وزن داروها را آب عسل داخل
کنند و یک جوش داده فرو گیرند و در ظرفی کنند و هر روز
از آن نیم تا یک درم تناول نمایند **معجون سنجی** ترکیب شیخ ابو علی
و مشهور است بقرص سنجری فواید بسیار دارد و تعالی
تقوی باه است جگر و دل و معده را قوت دهد حافظه را مغز
و هاضم طعام باشد و قوت بصر افزاید و قوت سمع زیاده
کند و نگاه دارد **صفت** سنبل ده مثقال بسباسه جوز بوا قاقله
صغار زنجبیل دارچینی قرنفل زعفران بهمن سرخ عود الصلیب مصطکی
نارجیل ساذج هندی از هر یک شش مثقال تخم معصفر مثقال

دارچینی انیسون بادرنجبویه
هر یک بهمن سرخ
زنجبیل دار فلفل قرنفل
هر یک سه درم
دانه هیل مصطکی اجزا را
هر یک سه سنگ شش
جدا جدا بکوبند و بپزند و شش
آونچه برابر ادویه سه وزن
عسل بقوام نیز شده چون
دوی

تخم های زهره تخم شبت ناخواه زیره کرمانی انیسون
تخم کرفس از هر یک سه مثقال مغز بادام مقشر پسته مغز تخم کدو
از هر یک شش مثقال مویزج قند سفید از هر یک سی مثقال
عسل مصفی سه وزن ادویه بمقدار شربتی دو مثقال **معجون**
راسن که بزبان هندی روسن گویند **صفه** بهمن یکمثقال دارفلفل
دو مثقال زنجبیل یکمثقال تخم عاقرقرحا یکمثقال مویزج یکمثقال
عسل سه وزن ادویه و میتواند بود که کل واحد از ادویه
یکمثقال باشد و میباید که هر یک از داروها کوفته و بیخته بدستور
معجون سازند **معجونی** که سلس البول را باز دارد **صفه** کندر ده
درم کندر بلوط از هر یک پنج درم سعد کوفته از هر یک پنج درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند **معجونی** که باد های زنان آبستن
بشکند و محافظت جنین نماید **صفه** زرنباد درونج عقرب

از هر یک دو درم مروارید ناسفته کهربا بسد از هر یک درمی
کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی یکدرم **معجون مفاصل** سورنجان
ده درم سنا مکی پنج درم اسارون زنجبیل زیره کرمانی
دار فلفل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی
دو مثقال با آب گرم **معجون حار** خفقان و ضعف دل که از
سردی بود نافع باشد **صفه** پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه گاوزبان
مغز تخم خیارین از هر یک پنج درم بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم
نیم هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید تخم بقله از هر یک
سه درم زعفران دو درم دارچینی سه درم تخم کرفس یکدرم
مشک یکمثقال روغن بادام ... مثقال نبات مصری زنجبیل سفید
از هر یک نیم من نبات و قند کلی را در گلاب حل سازند
و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته بان سرشته

مفرح دلگشای بارد طباشیر بهمنین گل سرخ ابریشم کهربا مروارید ناسفته
از هر یک یک مثقال صندل سفید کشنیز خشک از هر یک دو درم تخم خرفه
هشت درم زرشک بیدانه دو درم زر محلول و نقره محلول
از هر یک نیم درم پوست بیرون پسته یک درم قند سفید یک من
آب سیب ترش چهل مثقال بطریق معهود معجون سازند **مفرح حجی**
دل و جگر و دماغ را قوت دهد و منی بیفزاید و اشتها آورد و
باه را قوت دهد **صفت** قرصه گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از
هر یک نیم درم خولنجان کبابه صینی قرنفل سنبل قاقله کبار زرنباد
جوز بوا انجم مشک مصطکی پوست ترنج لسان العصافیر بسباسه
از هر یک سه درم اشنه چهار درم مروارید بسد ساده سعد کوفی
عنبر اشهب از هر یک دو درم زنجبیل دار فلفل از هر یک یک درم
خصیة الثعلب ده درم مشک زر محلول نقره محلول از هر یک یک درم

لعل کهربا

لعل و کهربا ابریشم از هر یک یک درم جزو اعظم بی شغال
عسل دو وزن ادویه معجون سازند خاصه رحمت
مربای شقاقل باه را قوت دهد و نعوظ تمام آورد و شقاقل
را شسته و دارد و **صفت** شقاقل را یک شبانه روز در آب نگاهدارند
و آن آب را بریزند و آب تازه بران ریزند تا یک شبانه روز
دیگر بماند و باز آن آب را بریزند و یک روز دیگر در آب تازه
خیسانند بعد از ان مغز کنند و بجوشانند تا نیم پخته شود
انگاه عسل صاف بران کنند و بآتش ملایم بجوشانند
تا بقوام آید و در ظرفی کنند و بعد از چهل بکار برند **مربای**
بالنگ بالنگ را در دیگ کنند و آب بجوشانند تا نیم
پخته شود و بیرون آورند و بیفشارند و عسل یا نبات قند را بر
ان کنند و باتش نرم بجوشانند تا بقوام آید **مربای**

(مربای شقاقل)
[illegible]

باه را قوت دهد و سبزه ازهم کند و پشت را قوی گرداند
گزر بزرگ را بجز اشند و پاره پاره کنند و میان از آن چند
و در آب و عسل بجوشانند تا پخته شود و بعد از آن بیرون آرند و
در عسل اندازند و اندکی چوب چینی بدهند و در ظرفی کنند و بعد از
چهل روز تناول کنند **مربای زنجبیل** کرده و مثانه و باه را قوت
دهد و معده بارده را نافع باشد و بول براند و تنهای بلغمی
را دفع کند و باه را زیاده گرداند زنجبیل از آن خوب را
در زیر ریگ کنند تا پست شود و هر روز آب آن بریزند
و بعد از آن بیرون آورند و بشویند و ریشه ریشه کنند و با آب و
عسل بجوشانند تا قوام آید **ماء الجبن** مالیخولیا و یرقان
و جرب و کلف و امراض سودائی را نافع باشد و صفرا براند
و با افتیمون مسهل سودائی باشد نسخه صحیح الابدان

که چهل روز

که چهل روز از زایدن او گذشته باشد چند روز گشنه تازه
با گاه و یا کاه سبزی یا زردبانه یا اردو جو یا شبدر تازه
بدهند بعد از آن دو رطل شیر او بستانند و در دیگ سنگین
کنند و بجوشانند و چون یک جوش زنند رطلی سکنجبین صادق الحموضه
بر سر آن ریزند و بچوب انجیر پوست کنده بجنبانند تا به خوبی از
آتش فرو گیرند و در کرباس اندازند و بیاویزند تا آب از آن
بچکد آن آب را بگیرند و دیگر باره بجوشانند و کفک دور کنند و با
سکنجبین بنوشند و هر روز یک رطل بسر روی نوبه صاحبه بیانی
هر نوبه دو ساعت باشد و بعد از آن شیر بنوشند چند ایام
بروند **مطبوخ هلیله** اسهال صفرا کند پوست هلیله زرد ده مثقال
آلوی سیاه بیست دانه سپستان سی دانه تمر هندی
از هر یک پنج درم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد تخم کاسنی

(ماء الاصول حار)
(نضج دهد فضول بلغمی و سودائی را نافع)
و بیخ رازیانه بیخ کرفس و بیخ کاسنی
اصل السوس حمص از هر یک پنج درم انجیر زرد و مویز منقی
از هر یک ده درم در سه رطل آب بجوشانند
تا به نیمه آید و صاف کرده هر روز سی درم
تا ده درم ماء العسل بنوشند

(ماء الاصول بارد)
قوه و فالج و صرع و جمیع امراض بلغمی و سودائی را
نافع و سنگ گرده و مثانه بریزاند و سده جگر
و سپرز بگشاید و استسقا و اوجاع مفاصل را
سود دارد
بیخ کرفس و بیخ رازیانه از هر یک ده درم
و بیخ کبر پنج درم کرفس اسطوخودوس بادرنجبویه
بیخ اذخر از هر یک چهار درم حب البان
انیسون از هر یک دو درم سنبل الطیب
از هر یک دو درم عود بلسان بوزیدان
هزار اسفند از هر یک سه درم مویز منقی بیست درم
در ده رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و بپالایند
ریوند ده مثقال روغن بادام ... پنج درم
روغن بادام تلخ تا ساعتی ... بدهند

[illegible]

تخم کشوث از هر یک دو درم عنب الثعلب اصل السوس
بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه
آید و صاف کنند و شیرخشت و تمر هندی از هر یک ده
مثقال ترنجبین شیرخشت خیارشنبر روغن بادام چرب کرده از هر یک
یازده مثقال در آن حل کرده بنوشند **مطبوخ فواکه** حمیات
حاده را نافع باشد و صفرا دفع کند **صفت** سنا مکی هفت درم بنفشه
عنب الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب سپستان آلوی سیاه
از هر یک بیست عدد گل سرخ چهار درم در سه رطل آب
بجوشانند تا به نیمه آید صاف کرده تمر هندی و شیرخشت از
هر یک ده درم ترنجبین بیست درم در آن حل کرده بنوشند
مطبوخ افتیمون صفرای سوخته و بلغم و سودا را دفع کند و امراض
سوداوی را نافع باشد **صفت** سنا مکی هفت درم گل سرخ

افتیمون

[illegible]

افتیمون چهار درم در لته بسته و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه
از هر یک پنج درم بسفایج فستقی اصل السوس رازیانه از هر یک
دو درم اسطوخودوس پرسیاوشان شاهتره گاوزبان
بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی سپستان
از هر یک سی دانه در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید
و صاف کرده گلقند آفتابی ده درم شیرخشت خیارشنبر روغن گل
چرب کرده ترنجبین از هر یک یازده درم در آن حل کرده
بنوشند **مطبوخ** سورنجان اوجاع مفاصل را نافع باشد **صفت**
سنا مکی هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد و پوست بلیله زرد
از هر یک چهار درم سورنجان رازیانه تخم کرفس پوست بیخ رازیانه
افتیمون قنطوریون از هر یک دو درم پرسیاوشان گاوزبان
بادرنجبویه از هر یک ده درم جوشانند و صاف کنند گلقند ده مثقال

زنجبیل بیست مثقال در آن حل کرده بنوشند **مرهم کافور** از کیدن
لر و بقعه و سوزش سوختن آتش را نافع باشد **صفه** مرداسنگ
سفیداب ارزیز موم سفید از هر یک پنج درم روغن سیب ده درم موم
در روغن بگدازند و ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و در هاون
بسایند تا مرهم شود و پس بگذارند تا خشک شود و یک سفیده بیضه
و قدری کافور داخل نمایند و مرهم سازند **مرهم جراحات آتش** که
ناسور کهنه شده باشد **صفه** لته کهنه سوخته با روغن زرد گرم
کنند و بر آن جراحت نهند تا پاک شود و بعد از آن استخوان آدم
را سوخته بر آن جراحت ریزند مجرب است **مرهم باسلیقون**
زفت راتینج موم سفید از هر یک بیست مثقال بارزد چهار درم
روغن زیت پنجاه مثقال شجره هوه چوبه مثقالی موم را در روغن
بگدازند و باقی ادویه در آن حل کنند و مرهم سازند **مرهم حل**

گوشت نو برویاند و جراحتها خشک کند **صفه** مرداسنگ
ده درم صلایه کرده با ده درم موم و بیست درم روغن گل
کرده و قدری سرکه مرهم سازند **مرهم زنگار** لحم زاید را بخورد
و در ریشهای کهنه را خوش کند **صفه** زنگار ده درم صلایه کرده
با موم علک البطم و زیانج از هر یک پنج درم و دویست درم روغن
زیت گداخته و در آن افکنند و با پنج درم انزروت کوفته و بیخته
یک جا بمالند تا مرهم شود **مرهم داخلیون** اورا صلایه نرم
کردانند و ماده ورم کند **صفه** مرداسنگ ده درم صلایه کرده
با چهار رنگ روغن زیت در پاتیله کنند و بجوشانند تا رنگ بگرداند
و از آتش فرو گیرند تا سرد شود و پس بگیرند لعاب حلبه و لعاب
بزرک و لعاب اسپغول و لعاب خطمی و لعاب مو[illegible] از هر یک پنجاه درم
نیم گرم و بر آن ریزند و با آتش نرم بجوشانند و [illegible] تا غلیظ شود

(مرهم اسکندر که از اسرار است)
(و در کتب [illegible] فرع [illegible])
(و در قرآن گفته) [illegible] شسته
شنجرف [illegible] کرد [illegible]
[illegible] بارزده [illegible] مرغ که [illegible]
خاکستر [illegible] باشند [illegible] شسته
استعمال نمایند [illegible] کرد [illegible]
زخم را [illegible]
در آن [illegible] پس [illegible]
و از خاکستر او نیم [illegible] داخل نمایند [illegible]
[illegible]

و سهل بعد بر گردد **مرهم آهک** سوختگی آتش را نافع باشد **صفه**
مرداسنگ خبث الفضه سفیده تخم مرغ با یکدیگر بیامیزند
و مرهم سازند **مرهم سفیداب** گوشت برویاند و جراحت خشک
کند و مرا زخم [illegible] **صفه** سفیداب ارزیر موم سفید از هر یک ده
درم روغن گل بادام ده درم بطریق معهود مرهم سازند
مرهم شنگرف سرطان و خنازیر و اورام صلبه را نافع باشد
صفه مرداسنگ پنج درم کندر بارزد اشق موم سفید از هر یک
دو درم علک البطم شش درم شنگرف هشت درم روغن
زیتون با روغن گل سرخ پنجاه درم بدستور مرهم سازند
مرهم سرطان درد بنشاند و مر جراحت را اصلاح آورد **صفه**
توتیای هندی اقاقیا از هر یک ده درم صندل سفید دارچینی
شیاف مامیثا چهار درم سرطان محرق یک عدد موم سفید چهار درم

روغن گل

روغن گل ده مثقال بطریق متعارف مرهم سازند **مرهم عسل**
چرک از جراحت پاک کند **صفه** عسل را بجوشانند تا غلیظ شود
و برآن انزروت کوفته و تخمه بال ممزوج سازند و مرهم سازند
مرهم [illegible] سفیداب قلعی دم الاخوین از هر یک سه درم مردا
سنگ دو درم زنگار پنج درم موم پنج درم روغن [illegible] درم
مرهم سازند **مرهم خشک ریشات** مرداسنگ توتیا عتاب
بجته آب گشنیز تازه موم سفید مرهم سازند **مرهمی** که [illegible]
را نافع بود **صفه** [illegible] یک درم مقل دو درم روغن [illegible]
[illegible] ده درم مقل و [illegible] را در روغن بگدازند و مرهم
سازند **مرهمی** که همین خاصیت دارد و از آن قوی تر باشد **صفه**
مقل کوهان شتر ساق گاو مغز استخوان [illegible] سوخته [illegible]
سفیده تخم مرغ یکدیگر ممزوج ساخته مرهم کنند **باب النون**

مرهم [illegible] وجع [illegible] از [illegible]
مرهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نقوع هلیله صفرا براند و صداع حار را نافع باشد صح

پوست هلیله زرد ده درم آلوی سیاه سپستان عناب

از هر یک سی عدد تمر هندی بیست درم تخم کاسنی سه درم

مغز خیار شنبر ده درم ترنجبین پانزده درم شب در پنجاه درم

آب خیسانند صباح صاف کرده بیاشامند نقوع فواکه

صفرا دفع کند و تشنگی بنشاند صح آلوی سیاه عناب

سپستان از هر یک سی عدد تمر هندی ده درم زرد آلو

ده عدد قند سفید ده درم ترنجبین بیست درم شب در آب

بخیسانند و صباح صاف کرده بنوشند نقوع صبر صداع حار

را نافع باشد صح آب کاسنی هفتاد مثقال صبر سقوطری

چهار دانگ در آن حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و

شب جای گرم نهند و روز چهارم بپالایند و بنوشند

نقوع صبر

نقوع صبر نوعی دیگر صداع بلغمی را نافع باشد صح سنبل

افسنتین نقاع اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره کرمانی

از هر یک کفی در یک من و نیم آب بجوشانند تا به نیمه آید پس پالا

و بیست درم صبر در آن حل کنند و سه روز در آفتاب نهند

روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم با یک درم روغن بادام

بنوشند نقوع صبر دیگر صداع سودایی را نافع باشد صح

افسنتین ده درم اسارون پنج درم قنطوریون مصطکی

از هر یک سه درم صبر سقوطری شش درم ادویه نیم کوفته

در سه رطل آب گرم بخیسانند و سه روز در آفتاب نهند

و روز چهارم صاف کرده شربتی چهل درم با یک درم روغن

بادام شیرین بخورند نقوع که تنقیه ابدان از ریح بیرون صح

گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سرخ و سفید نیم کوفته

تخم کاهو تخم کاشنی از هر یک چهار درم در
هفت من آب بجوشانند تا بسی آید و بالا
وچون از حمام بیرون آید بر اعضا ریزد نفوخی که سنگ کرده
و مثانه پاره کند و بیرون آرد و بول براند صح بابونه در منه
تمام مرزنجوش برگ کرنب سرگین کبوتر بجوشانند و در
آب آن نشینند و ثقل آن بر عانه و حوالی آن
ضماد نمایند نطولی که از ختن و خروج مقعد
نافع بود صح کلنار پوست انار جفت بلوط مورد گل سرخ
از هر یک قدری نیمکوفته بجوشانند و در آن نشینند نطولی
که سده بگشاید صح لادن چوب گز شونیز بجوشانند
و سر بر بخار آن دارند یا سبوس گندم در سرکه بجوشانند
و سر بر بخار آن دارند نفوخی که سکوت را بهوش آورد

کندنی قرنفل

کندس و خربق سفید کوفته و بیخته اندک اندک در بینی دمند
نفوخی که صداع مزمن را نافع باشد صح عصاره بنجنگشت
الحمار بخور مریم نطرون کوفته و بیخته در بینی دمند باب
الواو وجوری که چون در راه مصروع در اندازند بهوش آید
حلتیت چند بیدستر کوفته در سکنجبین عسلی حل کرده جور
سازند وجوری که با مخنث و غشی و بدار اسهال پیدا نشود
مشک سک کوفته در آب حل کنند و در حلق
چکانند باب الیا یاقوتی قوی النفع و انهار عات
نفوخ روحانی که بند دل و جگر را قوت دهد و مالیخولیا
و امراض سوداوی را نفعیات نافع باشد صح
مروارید بکر مرجان کهربا الماس بد و نخمه انهار از هر یک
یکدرم صندل سرخ و سفید طباشیر زرنباد درونج

عصاره قثاء الحمار

[illegible]

در نقل سادج عود قماری ابریشم مقرض پوست ترنج از
هر یک ده درم کاوزبان درونج عقربی لعل یاقوت
عقیق یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران
کافور از هر یک یکدرم مشک نیم درم قند سفید بیاد درم
معجون سازند چنانکه رسمست یاقوتی دیگر نسخه
شیخ ابو علی سینا مالیخولیا و امراض سوداوی را
نافعست و فرح و نشاط تمام آورد و اعضای
رئیسه را قوت دهد صفت یاقوت رمانی کاوزبان
تخم کلم بستی سنگ خالص کافور از هر یک یکدرم
و نیم ابریشم مقرض سرطان نهری محرق از هر یک
یکمثقال رود انگی نخالة طلای محلل دو دانگ
فرنجمشک درونج اسطوخودوس از هر یک سه درم

بهمن

بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول
مصطکی سلیخه دارچینی زعفران هال قاقله کبار دارچینی
ماه فودنج خطائی از هر یک یکمثقال اقیمون ده درم نیم
زنجبیل سنبل سادج هندی از هر یک دو درم درونج
عقربی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم حماض ورق گل
سرخ از هر یک چهار درم گلاب صندل سفید صد مثقال
شراب سیب شراب انار شیرین از هر یک
سی مثقال عسل مصفی بقدر احتیاج بطریق معهود معجول
سازند شربتی یکمثقال بود ار چهل روز تناول نمود
والله اعلم تمت الکتاب فی یوم السبت
بیست و نهم شهر ذی الحجه الحرام سنه ۱۰۴۰ در بلده طیبه [illegible]
کاتب الحروف اقل عباد الله محمد تقی ابن محمد یوسف

[illegible]

تاریخ و محل تحریر

نام کاتب

(معالجهٔ درد گوش)

برگ شفالو را بکوبند و نشیله عصاره در گوش
نهند صداع و درد و دیگر طرف شود
هر گاه شیر دختران را با قدری افیون حل نموده
بچکانند درد دیگر طرف شود و هر گاه درد
بسیار شدید باشد فصد باسلیق نمایند
هر گاه روغن گل [illegible] را با سرکه گرم [illegible]
و سرکه [illegible] در گوش چکانند [illegible]
هر گاه [illegible] را با سرکه [illegible] بسازند
و نگاه دارند کسی را که زکام [illegible]
زکام [illegible] هر طرف [illegible]
اگر [illegible] در گوش [illegible]
[illegible] دور از [illegible] کند
[illegible] در چشم [illegible] و درد چشم
ببرد و اگر زهره [illegible]
در گوش [illegible] اگر [illegible]
[illegible]

(در معالجهٔ گوش)

[illegible] اگر [illegible] در گوش
چکانند [illegible] از [illegible]
اگر [illegible] مادر زاد [illegible]
[illegible] در [illegible]

(خواص [illegible])

[illegible]

[illegible]

[illegible] عبارت [illegible] در [illegible]
[illegible]

الاعلى سىده لعلمود هجعا

مجداه مىلى دردده

[illegible]

نحو ترکیب المعده از ترکیبات مسیح الاطعمه ... [illegible]

[illegible]

قطع نخ ... سبل الطیب ... [illegible]

[illegible]

دفع اوجاع حنا

طبیعت دی وردهای گرم و سوختگی آتش و شکستگی
استخوان و درشتی ... را نافع بود و نیم مثقال
از وی قولنج را اکثر ... بود و کسی را که آبله
برآید در ابتدا هرگاه به کف پا حنا بندد ایمن
ماند از آنکه آبله در چشم او برآید و این کار
مجرب است و فقرات بجلی و مضمضه و سی گزیده است

[illegible]

[illegible]

عود صینی اعلا — سورنجان — زرنباد — جدوار — زراوند مدحرج — ماهی زهره — خولنجان

۱۰۰ م — ۴ م — ۴ م — ۶ م — ۶ م — ۶ م

سنبل الطیب — مصطکی — جوزبوا — بسباسه — قرنفل — هیل — افتیمون

زوند چینی ۶ م — اذخر ۶ م — غوز ۶ م — ۶ م — ۶ م

هیل سیاه — زرنباد موصوف — دارچینی — انیسون — رازیانه — دوبیخ کبر — ملح هندی

۶ م — ۶ م — ۳ م — ۳ م — ۳ م — ۳ م — ۳ م

روغن بادام ۱۰ م — اجزارا کوبیده بیخته با سه چندان عسل کفگرفته سرشند ۳ م

[illegible]

نسخهٔ حب رئیسی

[illegible]

نسخهٔ حب نواره

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله زهی نشاط آمیز بساط حمد و سپاس حکیمی که حروف معرفت شناسان رقم

صحیح مزاجان [illegible] شفای بیمار دردمند و در نسخهٔ [illegible] طبع [illegible] اندوزان

غرض خاصیت ادویهٔ [illegible] پور [illegible] اندیشهٔ [illegible]

قلم صنعت [illegible] صور [illegible] در جمع [illegible] نعمت [illegible]

است که در اختلاف [illegible] نفس [illegible] چاره [illegible]

هیکل [illegible] مقصود [illegible] تمام خاصیت [illegible] ولایت

مشکل کشای عقدهٔ خاطر علاج طلبان دار الامان اخلاص بعد

ارایج بدن عبارت آرای و [illegible] محموده [illegible] از او

و شکسته خاطر [illegible] که راقم مجموعه جان [illegible] در راه این

امید [illegible] سلیمان [illegible] آسمان درگاه شهنشاه

سکندر ایران پناه [illegible] الیوم القیام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

معجون

[illegible]

[illegible]

معجون

[illegible]

[illegible]

نوع دیگر [illegible]

خواص الطلبه [illegible]

نوع دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هفتم ماه

دوازدهم ماه

چهارم ماه

صفت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نوع دیگر

[illegible]

صنف

[illegible]

نوع دیگر

[illegible]

[illegible]

صنف

[illegible]

نوع دیگر

[illegible]

نوع دیگر

نوع دیگر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل ١٩ نوزدهم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تحفه ۲۶

[illegible]

تحفه ۲۷

[illegible]

تحفه ۲۸

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسفایج تخم ... [illegible] مرسک خصیة الثعلب زنجبیل

مصطکی دانه قرنفل بود ... قند ... [illegible] بلعید ... [illegible]

بمثقال

وارغوان ... تازه ... آب ... نخود خام ... بنوشند

وازحب ... مثقال ... [illegible]

ازمجربات ... [illegible]

بلیله کابلی آمله بلیله زرد بلیله اسطوخودوس ازهر یکی ... مثقال ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... قرنفل ... [illegible] ... زعفران ... [illegible] ... مثقال ... [illegible]

[illegible]

نفع جهت دفع ... صفرا

نفع دیگر جهت دفع ... رطوبت معده ... صفرا ... دورس

... السودا ... البیاز ... بکیله ... درمجلس ... حب ... منه وصاف ... با کلنکر ...

با بیم مثقال بوشنه

نفع دیگر جهت دفع ... الصفرا

... پیشدن باصفرا ... ۱ درهم ...

... کرده باده درهم ... تازه وپنج درهم

... دو درهم ... چهار درهم ...

... رطل ۱ ...

... منه ... صاف ... بکیله ... بوشنه

... باعسل بوشنه

نفع دیگر جهت دفع ... معده ... الصفرا ... دو درهم

... کرده ... تازه ...

... منه وصاف ... با بیم مثقال ... بوشنه

... بکند ...

اما ... بحمد ... فی ...

اما ... ساق ... کرده

[illegible]

در ادویه کلف و بهق و برص و وشم و ثیلان و نمش و باد شنام و سعفه و امثال آن باید دانست که هرگاه
مواد فاسده که با خون رقیق و لطیف از اطراف جلد دفع کند و به تحلیل نرود از آن مواد فاسده آثار در
سطح جلد بهم رساند پس آنچه رقیق مایل بکبودی است او را کلف نامند و مایل بسیاهی را ابرش و غلیظ سیاه را بهق
و رقیق مایل بسرخی را نمش و حمره منکر غلیظ که در رخسار و اطراف بینی بهم رسد باد شنام گویند و مواد سوداوی
متفرق شبیه بنقطها را ثیلان و نقاره ... نامند و آنچه از مواد بلغمی باشد گردد بهق سفید و وضح گویند و غلیظ را
برص سیاه و بثور و با خارش اندکی که متفرق است و متقرح گردد و مایل بسرخی است سعفه نامند و هرگاه چرک از آن
سیلان کند سعفه رطبه و بثور صغار سوداوی که چرک او با نامند و شبیه است سعفه یابسه و آنچه چرک او مجاور
او را متقرح سازد ساعیه نامند و آنچه سفید شبیه ... و با خارش ... شهدیه و آنچه با التهاب حدت و وجع
و ثقیل الحدود و زرد ... که ... نامند و آنچه از جلد ... حمره و آنچه ... نمله نامند
و بثور متفرقه که در ... و با خارش ... سفید از و جدا گردد و مثل شوره ریزد سبجه نامند و قسمی ثالیل
و آنچه ... مثل موی ... و جلد را متقرح کند ... گویند و معروف بکلیت و بثور غیر متقرح هرگاه بسیار ریزه
و متصل بهم و با حمره و خارش ... شری نامند و چون ... بنات الفیل ... اگر ... و در شب ... جواب
... نامند و هرگاه متصل و با خارش ... گویند و چون متفرق و پراکنده ...
... ثالیل نامند و شرط ... ادویه کلف و نمش و بهق و برص امثال آن که بعد از حمام مالند با موضع را
بخار آب گرم بدارند و بمالند تا سرخ گردد و بعد ادویه را استعمال کنند (دوائی که در کلف مجرب است)
انزروت را در زهره گاو حل نموده بمالند و بدستور تخم خربزه مغز بادام تلخ حب المحلب ... را
با سرکه استعمال کنند و بدستور ... از اله کلف و نمش و امثال آن آزموده است بیخ سوسن ...
قسط تلخ آب ... در سرکه طلا کنند و در روز دیگر ... سبوس گندم شوینده ... ایضا ...
... تخم ... تخم خربزه نخود ... از هر یک جزوی زرنیخ زرد ...
انزروت مصطکی ... با ... امثال آن ... دوای ... ثیلان ... آثار ...
انزروت مصطکی ... نبات مغز بادام تلخ با آب صابون بمالند و بدستور ... را در سرکه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از فصل ... [illegible]

در رفع ... [illegible]

[illegible]

معجون مبهج

تا به بیشتر اجزاء تخم جرجیر تخم خشخاش دانه حب الرشاد و تخم هلیون تخم شلغم ...

خشخاش کبیر برویا نارجیل مغز بادام مغز پسته جلغوزه مغز حب الخضرا

مغز پنبه دانه کنجد مقشر شقاقل مصری خولنجان خصیة الثعلب بهمنین

تودریین بزر الصافر حب البان فلفل سفید مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین

بیخ سقنقور تخم شبت تخم ... تخم شلجم تخم ... تخم خشخاش

دارچینی زنجبیل سنبل الطیب اسارون بسباسه کبابه چینی

سعد کوفی ورق ... دارفلفل جوزبوا عود هندی نارمشک

عنبر اشهب زعفران بوزیدان مسک ختائی ... قسط شیرین

حب الزلم درونج عقربی مغز تخم کنگر قضیب گاو ... اجزا را قند تخم صلایه

بوزن ... و بعد از امتزاج دفعه ثانی نیکو کوفته ... که کفایتی خلط کند ...

ادویه عسل منزوع الرغوه ... آمده معجون سازند ... وقت خواب قبل از

... میل فرمایند عظیم بدیع الاثر و بسیار منفعت انشاء الله تعالی

[illegible]

[illegible]

هر زنان را غازه کهن لار اسمای عهد است

هر زنان که لار زر سر بر فراز دار به
هر که خاک کوه رکعه ها که زخمی به
تن که قوت هر رکعه نوش جا هار به
اشروا از بهر خفاش صباح او موش
زهر از لار بها بعتونه از افطار به

چراغ آبار

ابت سر بازی بابت قتاحه

۷		۱۱
ایضا	ایضا	ایضا
۱۱	۱۱	۸

۱۲ محمد اداد کار ابرین رضی
۱ عرکه ۷ از زن که مارا لیث